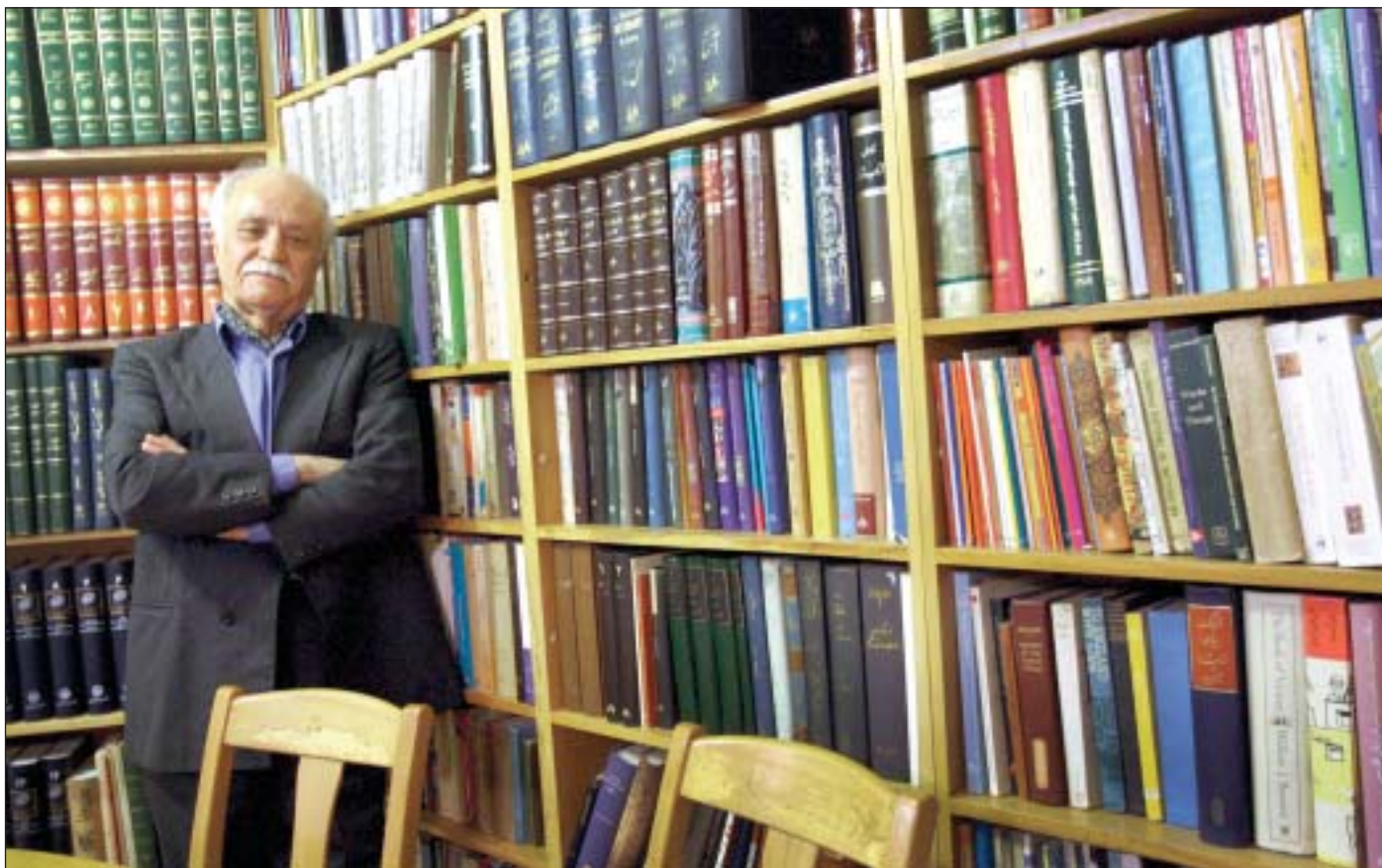


عرفان ما با ادبیات درهم تنیده است



سرزمین علاقه دارم، طبیعی است که مقداری هم روحیه درویشانه داشته باشم. عرفان ما با ادبیات و شعر در هم تنیده است و من به شعر هم فوق العاده علاقه دارم، عشق و فکر من ادبیات است.

عرفان و تصوف بخش بزرگی از ادبیات ماست. ادبیات فارسی ما بدون عرفان و تصوف، ادبیات به آن صورت نیست. چاشنی و شیرینی ادبیات ما به خصوص از قرن چهارم به بعد عرفان است. من چون تحصیلات اولیه ام ادبیات فارسی بوده و خیلی به ادبیات این

کتابخانه

شماره ۲۶ دی ۱۳۸۸
۳۰ محرم ۱۴۳۱ هجری قمری
شماره ۲۱۶، پیاپی ۸۶۷
صفحه ۲۰، تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی ها: ۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir



داستان نویسی هم می تواند تیمی باشد
۲۰



مردی در جست و جوی خودش
۱۷



کتابی جامع درباره فرار شاه نداریم
۱۵

پس از درگذشت محمد ایوبی صورت گرفت

وداع هنرمندان با راوی «اندوه جنوبی»

رمان «مرد تشویش همیشه» و «آب بازی» آخرین آثار به جای مانده از این نویسنده فقید است که هم اکنون در انتشارات افراز مراحل انتشار را سپری می کنند. مراسم تشییع پیکر محمد ایوبی دوشنبه هفته گذشته بیست و یکم دی ماه در حالی از مقابل خانه هنرمندان ایران تشییع شد که چهره های ادبی و هنری بسیاری از جمله ناصر تقوایی، جمال میرصادقی، اسدالله امرایی، یوسف علیخانی، قباد آذرآیین، محمود سجادی، حمزه موسوی و بسیاری از اهالی قلم در میان نشان دیده می شدند. ناصر تقوایی، نویسنده و کارگردان طی سخنانی در این مراسم با بیان خاطراتی از انتشار مجله «فرهنگ و ادبیات جنوب» با همکاری ایوبی درباره او گفت: «ایوبی به لحاظ نثر و نوع نگاه، فضایی نو را به ادبیات داستانی ارائه کرد و این زبان بعداً به فیلم هایمان هم سرایت کرد؛ به طور کلی نویسندگان جنوب؛ به رغم محدودیت و سانسور آن سال ها، استعداد خود را در نوشتن نشان دادند.»



تقوایی تأکید کرد: «ایوبی نشان داد که با صبر و مدارا می نویسد. او کاستی ها و نامالیقات را برای نوشتن تحمل کرد. در حال حاضر چهار کتاب از ایوبی در حال انتشارند و این در حالی است که خیلی ها در سختی ها، کدو تبیل می شوند.»

ادامه در صفحه ۳

درگذشت محمد ایوبی نویسنده پیشکسوت جنوب، بار دیگر جامعه هنری را در سوگ از دست دادن هنرمندی نشان داد که به گفته صاحب نظران، فضایی نو را به ادبیات داستانی ایران ارائه کرد.

محمد ایوبی که هفته گذشته به علت عفونت ریه در بستر بیماری بود، روز شنبه نوزدهم دی ماه در بیمارستان ابن سینا دیده از جهان فرویست.

ایوبی با بهره گیری از زبان آرکایک متون کهن و عرفانی فارسی، در صدد ایجاد شیوه ای نو در نگارش بود و به گفته برخی هم نسلانش، با بهره گیری از این آثار توانست نثری رایج و وجود آورد که تنها به او اختصاص داشت.

رمان «صورتک های تسلیم» ایوبی سال گذشته از سوی انتشارات افراز منتشر و همزمان نامزد دومین دوره جایزه ادبی آل احمد و جایزه کتاب سال شد. از آثار تازه تر او می توان به «گزیده اشعار نیمایوشیج»، «راه شیری»، «جان شکر»، مجموعه مقالات «مراثی بی پایان»، مجموعه داستان «پایی برای دویدن»، «شکفتن سنگ»، مجموعه داستان سه گانه «آواز طولانی جنوب» (جلد اول: غمزه مردگان، جلد دوم: سفیر سقوط، جلد سوم: زیتون تلخ، خرمای گس) رمان «روز گراز»، رمان «زیر چتر شیطان»، رمان «طیف باطل»، رمان «همزادان ماه: نمایش در دو پرده» و «اندوه جنوبی» اشاره کرد.

سرآغاز

ویرایش را دریابیم

بزرگی می گفت: «فرهنگ یک قوم را با میزان پالودگی زبان آن قوم می سنجند.» و اگر دقیق بنگریم، در خواهیم یافت که سخنی به گزاف نیست. باید تاسف خورد که این همه برای «کتابخوان کردن» جامعه برنامه می ریزیم و در نهایت گاهی آنچه به دستشان می دهیم، متن هایی آشفته و سرشار از کژتابی های زبانی است و بیشتر دریغ می خوریم که هنوز عده ای از تولیدکنندگان متون به ضرورت بازنگری و شیوانگاری در تولید کتاب پی نبرده اند. اینان حتی گاهی بهره از تجربیات یک ویراستار را جزو مخارج اضافه نشر می انگارند. مگر نه این که تمامی مفاهیم منظور از طریق ابزار بی نام زبان باید انتقال یابد؟ و مگر نه این که قوت و ساختار زبانی یک جمله یا متن، تأثیر مستقیمی بر فرایند انتقال معنا دارد؟ پس این بار درج نام و عنوان «ویراستار» در شناسنامه یک کتاب را نه به مثابه یک ژست، بلکه به دید یک ضرورت انکارناپذیر در راستای تولید و نشر کتاب ببینیم، ویرایش و ویراستاران را دریابیم.

- ۲ سخنرانی شاعر عراقی در جشنواره شعر فجر
- «چتر شورشی» شکار سری در راه انتشار
- ۳ تفسیر جمادی از داستان «نقب» کافکا منتشر شد
- ۴ چاپ مجموعه ۱۲۰ جلدی بزرگان روان شناسی
- «عروس بید» علیخانی در راه است

وقتی کسی کتاب معظمی می نویسد، چه مانعی دارد که این کتاب را زیر نظر استادی بنویسد؟ شما بیابید این کار را باب کنید. با یک حرکت این طوری، گاهی می شود یک کتاب متوسط را به یک کتاب عالی و ممتاز تبدیل کرد. در این زمینه، یک مقدار صرف وقت و صرف کار کنید و از افکار آقایان و خانم هایی که صاحبان فکرنند و در اینجا هستند و کسانی که در اینجا نیستند، کمک بگیرید، تا این راه را جلو خودتان باز کنید. **بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دست اندرکاران برگزاری هفته کتاب: ۷۵/۳۰**

انتشار فرهنگ سه زبانه قرآن

«فرهنگ سه زبانه کلمات قرآن مجید» به قلم مرضیه یزدی در شمارگان هزار نسخه از سوی انتشارات آفاق غدیر به چاپ رسید. این فرهنگ، ترجمه همزمان قرآن مجید به سه زبان عربی، فارسی و انگلیسی است. نویسنده در این جلد که به جزء اول قرآن اختصاص دارد به ترجمه واژه به واژه توأمان قرآن به سه زبان فارسی، عربی، انگلیسی پرداخته است. از جمله ویژگی های این مجموعه می توان به بررسی بیش از ۳۰۰ واژه قرآنی و جلوگیری از ذکر واژه های تکراری اشاره کرد.

همچنین مترجم در این فرهنگ تلاش کرده تا از ذکر واژه های مترادف فارسی خودداری کند و همین امر موجب شده که دقت در ترجمه تا اندازه ای فراتر رود. به علت فقدان فرهنگ های قرآنی در این زمینه از فرهنگ فشرده فارسی به انگلیسی، منابع لاتین و عربی اقتباس شده است. انگیزه نویسنده از نگارش این اثر چنانکه خود می گوید آشنایی نسل جدید، به ویژه انگلیسی زبانان با فرهنگ و تعلیم قرآن است. «فرهنگ سه زبانه کلمات قرآن مجید» به قلم مرضیه یزدی در شمارگان هزار نسخه از سوی انتشارات آفاق غدیر منتشر شده است.

معرفی برندگان مسابقه قصص

برگزیدگان دومین مسابقه سراسری داستان های کوتاه قرآنی «قصص» که به همت حوزه هنری استان گیلان برگزار شد معرفی شدند. به گزارش روابط عمومی حوزه هنری دومین مسابقه داستان های کوتاه قرآنی «قصص» طی مراسمی در تالار محیط زیست رشت برگزیدگان خود را شناخت.

هیأت داوران این دوره از این جشنواره هفت داستان؛ «آن سه یوسف» نوشته محمد علی دستمالی از سنندج، «با داستان اینجایی دیگه رو چال کردن» نوشته محمد اسماعیل حاج علیان از سمنان، «ترازو» نوشته کبری زارعی پاکدل از تهران، «به پستی بگو فرقی نمی کنه» نوشته محسن ادهم از سمنان، «روز هشتم... لحظه پروانگی» نوشته زهر ابراهیمی از تهران، «پسر هاجر» نوشته شهاب احمد پور از شفت گیلان و «حتی یک نفر» نوشته محمد گلی از مشهد، را شایسته تقدیر دانستند. همچنین داستان «نشانه» نوشته نانا شامحرم زاده از لاهیجان نیز مقام نخست این مسابقه را از آن خود کرد. آذر ممتاز با داستان «ماهی سیاه سبیلو» از رشت نیز، همراه مرضیه جوکار با داستان «فصل حسن یوسف ها» از شیراز به طور مشترک مقام دوم این مسابقه را به خود اختصاص دادند.

سارا نیمی با داستان «هبوط» از رشت، آرش صادق بیگی با داستان «چشممان باز» از تهران و مریم جوادی با داستان «تک درخت چنار» از گیلان عنوان سوم مسابقه را کسب کردند. هیأت داوران این دوره از مسابقات را فیروز زونوزی جلالی، صابر امامی و خسرو آقاییاری تشکیل می دادند. اختتامیه جشنواره قصص، پنجشنبه ۱۷ دی برگزار شد.

آخرین وضعیت احمد عزیزی از زبان خواهرش

جراحی بالیزر روی گلوی احمد عزیزی ناموفق بود



وی در پایان یادآور شد: «به دلیل موفقیت آمیز نبودن جراحی بالیزر و قرار گرفتن طولانی مدت تراشه تنفسی در گلوی احمد که باعث ایجاد بافت اضافی در مسیر تنفسش شده، در چند روز آینده مجدداً عمل جراحی بازی انجام خواهد شد.»

خواهر احمد عزیزی، شاعر، از انجام جراحی بالیزر روی تراشه گلوی برادرش در روز سه شنبه هفته گذشته (۲۲ دی) و ناموفق بودن این جراحی خبر داد. خواهر این شاعر در گفت و گو با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) درباره وضعیت عمومی برادرش گفت: «با توجه به این که احمد از بیمارستان امام رضا (ع) کرمانشاه به وسیله آمبولانس به بیمارستان مسیح دانشوری تهران منتقل شده و حدود دو ساعت تحت عمل جراحی بالیزر قرار گرفته است، در حال حاضر سطح هوشیاری اش نسبت به گذشته کاهش یافته است.»

وی ادامه داد: «چندی پیش نیز برادرم در بیمارستان مسیح دانشوری تهران تحت عمل جراحی قرار گرفت و به دلیل کمبود امکانات در این بیمارستان وضعیت جسمی او نسبت به قبل بدتر شد و به نوعی زحماتی که طی آن مدت برای بهبود او انجام شده بود به هدر رفت.»

عزیزی افزود: «این نگرانی همچنان برای ما باقی است که به دلیل امکانات محدود این بیمارستان، رسیدگی مناسبی به وضعیت احمد صورت نگیرد.»

شعرهایی با موضوع ابر

«چتر شورشی» شکار سری در راه انتشار

«چتر شورشی» و «از ترک پیشانی» عنوان دو مجموعه از جدیدترین سروده های حمیدرضا شکار سری است که در آینده ای نزدیک روانه بازار نشر می شود.

حمیدرضا شکار سری در گفت و گو با کتاب هفته با اعلام این خبر اظهار امیدواری کرد کتاب «چتر شورشی» تا پیش از برگزاری نمایشگاه کتاب تهران روی پیشخوان کتابفروشی ها قرار گیرد.

شکار سری که بیشتر به عنوان شاعر انقلاب و دفاع مقدس شناخته می شود درباره مجموعه شعر «چتر شورشی» گفت: «این مجموعه حدود ۱۰۰ شعر را شامل می شود که همه این اشعار وحدت موضوعی دارند و به عبارت دیگر، همه آنها با محوریت موضوع «ابر» نوشته شده اند.»

شکار سری درباره دلیل انتخاب این موضوع اظهار داشت: «مدت مدیدی درگیر این موضوع بودم و شعرها با آن حال و هوا خود به خود می آمد؛ شاید بشود گفت این روال جدید من در شعر است که در حقیقت با یک موتیف (نقش مایه) یا شی یا پدیده ای کار می کنم.»

شاعر «از تمام روشنایی ها» درباره دومین مجموعه شعری جدید خود با عنوان «از ترک پیشانی» گفت: «این مجموعه شعر هم با موتیف «پستیچی» و نامه ای که در راه است کار شده؛ نامه ای که نیامده است. این مجموعه هم مثل «چتر شورشی» حاوی حدود ۱۰۰ شعر کوتاه در همان قالب های نو و سپید است و فکر می کنم بعد از این که وضعیت چاپ «چتر شورشی» مشخص شود، این مجموعه را نیز به چاپ بسپارم.»

به گفته شکار سری «چتر شورشی» را انتشارات فصل پنجم به چاپ خواهد رساند، اما درباره «از ترک پیشانی» هنوز با ناشری صحبت نشده است. وی همچنین از چاپ کتابی درباره نقد اشعار کوتاه در آینده خبر داد و در این باره گفت: «من در حال حاضر یک ستون ثابت در روزنامه قدس دارم که در آن به نقد و خوانش اشعار کوتاه می پردازم، یعنی هر شماره یا هر نقد به یک شعر کوتاه از یک شاعر سرشناس یا جوان یا ناشناس اختصاص دارد که تعداد این نقدها به حدود ۸۰ نقد خوانش رسیده و پس از آن که به صدمین شماره رسید قرار است در قالب یک مجموعه به چاپ برسد.»

انتشار شعرهای شاعر عراقی با الهام از شعر ایران

«خطوط نور و آب» (طغراء نور و الماء) اثر عبدالزهره زکی، شاعر عراقی، با الهام از زندگی و شعرهای شاعران و عارفان نامدار ایرانی در سوره منتشر شد.

به گزارش ایسنا، این شاعر معاصر عراقی این مجموعه را با الهام از زندگی و شعرهای شاعران نامدار ایرانی خلق کرده است و به زندگی شاعرانی چون حافظ شیرازی و عمر خیام اشاره های فراوانی دارد.

کتاب به جامانده از شهیدی منتشر می شود

کتاب «شرح قصاید خاقانی» اثر منتشر نشده سید جعفر شهیدی، به چاپ می رسد. این ادیب فقید سال ۸۴ گفته بود که قصد دارد به شرح دشواری های شعر خاقانی پردازد و حالا این کتاب به جامانده از او در آستانه انتشار است.

شهیدی گفته بود انجام این کار خیلی لازم است و او در صدد است تا مشکلات شعر این شاعر کهن را شرح دهد. نگارش این کتاب در زمان حیات شهیدی به پایان رسید و او قراردادی را با یک ناشر برای چاپ آن منعقد کرد، اما کتاب آن زمان منتشر نشد و تا درگذشتش، منتشر نشده باقی ماند. حالا قرار است، «شرح قصاید خاقانی» سید جعفر شهیدی به همت خانواده او منتشر شود. شهیدی متولد سال ۱۲۹۷ در بروجرد است که سال ۱۳۸۶ از دنیا رفت.

پیش تر برادر احمد عزیزی درباره مشکل تنگی تراشه او گفته بود: «رفع این مشکل مستلزم انجام عمل جراحی است که تنها در مسیحی در بیمارستان مسیح دانشوری تهران می تواند این عمل جراحی را انجام دهد. این عمل جراحی با توجه به سایر شرایط جسمی برادرم امکان پذیر است و کمیته پزشکی باید تشخیص دهد که چه زمانی این عمل انجام شود.»

احمد عزیزی چهارم دی ۱۳۳۷ در سر پل ذهاب کرمانشاه به دنیا آمد. در کودکی با عشایر سیاه چادر نشین حشر و نشر فراوان داشت و قبل از رفتن به دبستان، خواندن و نوشتن را بدون داشتن معلم و تنها از روی کنجکاو و تامل و دقت از نوشته های روی تابلوها و اسامی خیابان ها به خوبی فرا گرفت.

احمد عزیزی شاعر از ۱۵ اسفندماه ۸۶ به دلیل کاهش سطح هوشیاری ناشی از تشنج، بیماری قلبی و کلیوی به کما رفته بود. «کفش های مکاشفه» ۱۳۶۷، «شربی آواز» ۱۳۶۸، «خواب نامه و باغ مکاشفه» ۱۳۷۱، «ترجمه زخم» ۱۳۷۰، «باران پروانه» ۱۳۷۱، «روداخانه رویا» ۱۳۷۱، «ملکوت تکلم» و «سیل گل سرخ» ۱۳۸۲ از جمله آثار او هستند.

افتتاح جشنواره شعر فجر با سخنرانی شاعر عراقی

سمیر مقبل، شاعر و پژوهشگر پارسی گوی عراقی، در مراسم افتتاحیه چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر، درباره تأثیرات زبان و ادبیات فارسی بر شعر عرب سخنرانی می کند.

مرتیض امیری اسفندقه، دبیر علمی این جشنواره با اعلام این خبر گفت: «در برنامه ریزی های صورت گرفته علاوه بر سخنرانی مسؤولان کشوری و استانی و شعرخوانی چند تن از شاعران پیشکسوت، سمیر مقبل، شاعر عراقی حاضر در جلسه به ایراد سخنرانی می پردازد و از تأثیرات شعرهای انقلابی جمهوری اسلامی ایران در زبان و ادبیات عرب، سخن می گوید.» وی افزود: «مراسم آیین نوحه سرایی بومی استان و نیمه خوانی از دیگر برنامه های تدارک دیده شده در آیین گشایش چهارمین جشنواره شعر فجر هستند.» چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر، بهمن امسال در سراسر کشور برگزار می شود.

دینانی و کزازی سخنرانان همایش «ایران فرهنگی»

همایش بین المللی «ایران فرهنگی و جهانی شدن» چشم اندازی به آینده» چهارشنبه هفته آینده با سخنرانی ابراهیمی دینانی آغاز می شود و پس از ارائه ۱۱ مقاله از نویسندگان ایرانی و خارجی، با سخنرانی میرجلال الدین کزازی خاتمه می یابد. برای این همایش ۲۸۰ خلاصه مقاله ارسال شده که ۱۸۲ مقاله آن پذیرفته شده است. همچنین ۳۵ مقاله هم به دبیرخانه ارسال شد که ۶۵ مقاله آن به تایید رسید. در این همایش یک روزه ۱۱ مقاله ارائه خواهد شد. دو سخنران پاکستانی (سکندر عباس و رشیده حسن) هم سخنرانان غیر ایرانی این همایش هستند. همچنین خلاصه مقالات این همایش در روز برگزاری همایش و مجموعه مقالات برگزیده آن در فروردین ماه سال آینده منتشر می شوند.

دومین همایش بین المللی «ایران فرهنگی» با عنوان «ایران فرهنگی و جهانی شدن؛ چشم اندازی به آینده» در محورهای «فرهنگ و هویت»، «میراث مشترک فرهنگی، هنری و تمدنی»، «دین»، «سیاست» و «زبان فارسی» از ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه صبح تا ساعت ۱۷ چهارشنبه ۳۰ دی در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران واقع در پل گیشا، خیابان جلال آل احمد، دانشگاه تربیت مدرس، تالار اجتماعات شهید مطهری برگزار می شود.

تفسیر جمادی از داستان «نقب» کافکا منتشر شد

داستان «نقب» اثر فرانتس کافکا، نویسنده آلمانی زبان اهل چک، با ترجمه سیاوش جمادی همراه تفسیر این مترجم بر داستان، منتشر شد. جمادی «نقب» را پخته‌ترین اثر کافکا می‌داند.

جمادی درباره داستان «نقب» کافکا توضیح داد: «این داستان کوتاه، از جایی که آخرین اثر فرانتس کافکا پیش از مرگش است، در دوران پختگی و بلوغ فکری او نوشته شده و می‌توان «نقب» را پخته‌ترین و کامل‌ترین داستان این نویسنده دانست. هر چند که این داستان هم مانند بسیاری دیگر از آثار این نویسنده نیمه تمام است. اثر جدید جمادی با نام «نقب» و تفسیر آن توسط انتشارات شادگان در ۱۲۶ صفحه منتشر و هفته پیش روانه بازار کتاب ایران شده است.

این مترجم به این سوال که داستان «نقب» بارها ترجمه شده و چه نیازی به ترجمه جدیدی از آن وجود دارد؟ پاسخ داد: «زمانی که من این داستان را ترجمه کردم، هنوز هیچ ترجمه‌ای از آن منتشر نشده بود ولی به علت مشکلات مالی ناشر، انتشار این کتاب به تعویق افتاد و اکنون بعد از چند سال به چاپ رسیده است. با این حال چیزی که در این کتاب شاید قابل توجه باشد، ترجمه داستان «نقب» نیست. چرا که اکنون در بازار کتاب ایران ترجمه‌های قابل قبولی از این داستان نیمه تمام کافکا وجود دارد. تفسیری که از این داستان در ادامه کتاب آورده‌ام، تنها چیزی است که انتشار آن را توجیه می‌کند.»

وی درباره تفسیری که از این داستان در کتاب «نقب» و تفسیر آن منتشر کرده، توضیح داد: «من این تفسیر را تنها با مطالعه و ترجمه داستان «نقب» نوشته‌ام. این تفسیر در نتیجه مطالعه زندگینامه، تمام آثار، نامه‌ها، یادداشت‌ها و آثار فرانتس کافکا شکل گرفته است. با این وجود هرگز ادعا نمی‌کنم که تفسیر من حقیقت موجود درباره داستان «نقب» است.»

جمادی که شش سال پیش کتاب «سیری در جهان کافکا» را نوشته و این اثر را اکنون برای چاپ دوم آماده کرده است، ادامه داد: «هیچ مفسری نمی‌تواند ادعا کند که تفسیر او بیانگر حقیقت امری است که به آن می‌پردازد. اندیشه یا بیانی که درباره یک امر



واقع شکل می‌گیرد، الزاما همان امر واقع نیست. مفسر یک اثر داستانی هم نمی‌تواند ادعا کند تفسیرش همان چیزی است که در ذهن نویسنده اصلی اثر بوده با این حال هر چه می‌توانستم برای تفسیر داستان «نقب» هزینه کرده‌ام.»

کافکا در داستان «نقب» فرانتس کافکا، ماجرای جانوری شبیه موش کور را تعریف می‌کند که برای رهایی از جهان بیرون، تصمیم می‌گیرد جای امنی برای خود در دل زمین تعبیه کند. این جانور همه وسایل لازم، سدهایی دفاعی و انبار آذوقه در پناهگاهش فراهم می‌آورد، اما جهان بیرون دوباره سراغ او می‌آید و یک صدای سوت مانند ناخوشایند و ممتد که منشأ آن مشخص نیست، آزارش می‌دهد. زندگی امن این جانور به هم می‌ریزد و او به جست‌وجوی این صدای ناخوشایند راهی می‌شود.

جمادی درباره جهان داستانی کافکا و کلیت آثار این نویسنده افزود: «فرانتس کافکا تنها نویسنده یأس و ناامیدی و سیاه‌بینی نیست، بلکه پژوهشگر زندگی و واقعیت حیات است. آنچه در آثار این نویسنده سیاه جلوه می‌کند، همان سیاهی جهان پیرامون اوست.

جهانی که اندکی پس از مرگ او به وحشیگری می‌رسد و اروپاییان که سرزمین خود را مهد تمدن می‌دانند، ناگهان به جان یکدیگر می‌افتند و خون یکدیگر می‌ریزند. جهان کافکا، وضعیت بی‌پناهی انسان غربی در قرن بیستم است که زندگی ایمن می‌طلبد. او هنرمندی به غایت متفکر است و پیام‌های او نه به شیوه روان‌شناسان سطحی بلکه با قلم یک متفکر متعهد نوید امیدواری و خوش‌بینی می‌دهد.»

فرانتس کافکا در ۳ ژوئیه ۱۸۸۳ میلادی در پراگ، پایتخت جمهوری چک که در آن روزگار بخشی از امپراتوری اتریش به حساب می‌آمد، متولد شد. وی تا سال ۱۹۲۴ زندگی کرد و در این سال بر اثر بیماری سل در وین از دنیا رفت.

مشهورترین آثار کافکا داستان کوتاه مسخ (Die Verwandlung) و رمان ناتمام قصر (Das Schloß) هستند که فضاهای داستانی و موقعیت‌های پیش پا افتاده را به شکلی نامعقول و فرا واقع‌گرایانه توصیف می‌کنند. این موقعیت‌ها که در آثار کافکا بسیار به چشم می‌خورند، به فضاهای «کافکایی» معروف شده‌اند.

«بیلیارد در ساعت نه و نیم» هاینریش بل دوباره می‌آید

شد و تا پایان جنگ در جبهه‌ها باقی ماند. وی در سال‌های پایانی جنگ به اسارت نیروهای متحد درآمد و مدتی را در اردوگاه اسیران جنگی در آمریکا سپری کرد. آثار این نویسنده تا حد قابل توجهی تحت تأثیر جنگ جهانی قرار گرفته‌اند.

وی در نخستین آثارش به شدت جنگ را مورد انتقاد قرار داد و سعی کرد تجربیات تلخ دوران جنگ، یأس و ناامیدی سربازان و بدبختی مردم چه قبل و چه بعد از آن را با بیانی احساسی به تصویر بکشد. به تدریج، بل در آثارش به تجزیه و تحلیل عواقب جنگ پرداخت و اغلب با دید کاملاً منتقدانه به آلمان مدرن و ارزش‌های مادی جامعه بعد از جنگ نگرست. شاهکار او «عقاید یک دلک» که در سال ۱۹۶۳

میلادی، یعنی ۱۸ سال پس از پایان جنگ جهانی دوم به رشته تحریر درآمده است، در واقع تصویری از الگوهای رایج در جامعه آلمان مدرن ارائه می‌کند که به شدت ناخوشایند و زشت نشان داده شده است. سال ۱۹۷۲ میلادی، جایزه ادبی نوبل به این نویسنده تعلق گرفت. ترجمه جهانگردی از «بیلیارد در ساعت نه و نیم» در ۳۴۰ صفحه چاپی روانه بازار کتاب ایران می‌شود.

نام آلمانی Biliard um halb zehn منتشر کرده است. در این کتاب سرنوشت سه نسل توصیف می‌شود که هر یک از آنان به نوعی در ساختن یا انهدام صومعه‌ای به نام «سنت آتون» دست دارد.

در خلال این موضوع، بل داستانی فلسفی خلق کرده که از مفاهیمی چون «آبادانی» و «ویرانی» نشأت می‌گیرد.

بل در سال ۱۹۱۷ میلادی، در شهر کلن متولد شد و در حالی که ۲۲ سال سن داشت، به جنگ فراخوانده شد.

رمان «بیلیارد در ساعت نه و نیم»، اثر هاینریش بل، برنده آلمانی نوبل ادبیات، دوباره در ایران منتشر می‌شود. از چاپ قبلی این کتاب ۱۱ سال می‌گذرد.

ترجمه کیکاووس جهانگردی از این کتاب یک بار در سال ۱۳۷۷ توسط انتشارات سروش منتشر شده است که نسخه‌های آن کتاب اکنون در بازار تمام شده است. این ترجمه توسط نشر ماهی تجدید چاپ و روانه بازار کتاب ایران می‌شود.

بل این کتاب را در سال ۱۹۵۹ میلادی نوشته و با

وداع هنرمندان با راوی «اندوه جنوبی»

ادامه از صفحه اول

اسدالله امرایی مترجم حوزه ادبیات نیز با ایراد سخنانی با اشاره به این که ایوبی گوش شنوایی برای شنیدن صداهای مردم و انعکاس آنها در آثارش داشت، گفت: «ایوبی از کسانی بود که عشق و علاقه‌اش به این مملکت باعث شد اینجا بماند و بنویسد و هر چند تنش رنجور بود، اما تحمل کرد و آثار خوبی از خود بر جای گذاشت.» امرایی همچنین از معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، موسسه خانه کتاب و خانه هنرمندان ایران، به دلیل پیگیری‌ها و حمایت‌هایشان در شایسته برگزار شدن این مراسم تشکر و قدردانی کرد.

در این مراسم، محمود سجادی شاعر معاصر نیز عنوان کرد: «محمد ایوبی که سیر طولانی از «جنوب سوخته» تا «آب بازی» را طی کرد، همواره بزرگ‌ترین دغدغه‌اش داستان بود.»

وی در ادامه گفت: «زمانی من، ایوبی و سیروس مشفق مجموعه شعری را منتشر کردیم اما بعدها او به داستان‌نویسی روی آورد و نویسنده موفقی شد.» حمزه موسوی از دوستان قدیمی ایوبی هم با بیان این که صبوری و تأمل جوهری بود که از قلم ایوبی می‌چکید، یادآور شد: «استعاره‌های ایوبی جنوبی بود و به مشکلات جنوب می‌پرداخت. او به مسائلی که برایش پیش می‌آمد تن می‌زد یا با صبوری می‌گذشت و سکوت می‌کرد.» محمد ایوبی در سال ۱۳۲۱ در اهواز متولد شد. تحصیلاتش را در رشته زبان و ادبیات فارسی تا مقطع کارشناسی ارشد ادامه داد و سپس در آموزش و پرورش به کار تدریس پرداخت و بازنشسته شد. ایوبی هم‌زمان به کار نویسندگی نیز اشتغال داشت. رمان «طیف باطل» و مجموعه داستان «جنوب سوخته» او پیش از انقلاب به دست میزبان رژیم وقت به خمیر تبدیل شد.

www.ibna.ir

در «ایبنا» بخوانید

بامراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی www.ibna.ir، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب‌سایت «ایبنا» به شما امکان دست‌یابی به مطالب بیشتر را هم می‌دهد.

ایوبی: آخرین کتاب هایم را نمی بینم

همسر محمد ایوبی، نویسنده جنوبی که هفته گذشته دیده از جهان فروبست در مصاحبه‌ای به خبرنگار ایبنا گفت: «همسر من دانست آخرین آثارش را نمی‌بیند. بیماری او را نسبت به دیدن آثار در دست‌انتشارش ناامید کرده بود.»

در پی درگذشت این نویسنده که شنبه هفته گذشته بر اثر ناراحتی قلبی و عفونت ریه اتفاق افتاد، ایبنا علاوه بر پوشش خبری مراسم تشییع پیکر او، گفت و گوهایی درباره این نویسنده با نویسندگانی چون جمال میرصادقی، یوسف علیخانی و قباد آذرآیین انجام داده است.

میرصادقی درباره ایوبی به ایبنا گفته است: «این نویسنده سعی داشت سبک و شیوه‌ای نوین از نگارش در آثارش پدید بیاورد و این که او در این کار موفق یا ناموفق بود را باید به آینده واگذار کرد.» علیخانی نیز درباره این نویسنده جنوبی تاکید کرده است: «نکته‌ای در ارتباط ایوبی با نسل جوان جالب بود؛ چرا که او با جوانان زندگی می‌کرد و سایتی مانند «خره» که از ۶-۷ سال گذشته برای جوانان تاسیس شده، زیر نظر ایوبی اداره می‌شد؛ ولی او هیچ‌گاه از جوانان نوشت.» همچنین خبر انتشار کتاب‌های جدید ایوبی که زیر چاپ هستند در این خبرگزاری منتشر شده است.

نقد و معرفی جدیدترین کتاب‌ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب‌هایی که به زودی قدم به کتابفروشی‌ها می‌گذارند، گفت و گوهایی با پدیدآورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه‌ترین خبرها و گزارش‌ها از کتاب و ادبیات و نقد و تحلیل‌هایی بر کتاب‌های جدید از دیگر مطالبی است که می‌توان در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران یافت. همچنین ایبنا نوجوان، وب‌سایت فرعی خبرگزاری کتاب ایران که اخبار مربوط به کتاب‌های کودکان و نوجوانان را منتشر می‌کند، جدیدترین کتاب‌های منتشر شده برای بچه‌ها را معرفی کرده است.

اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته تحولات کتابی و اخبار آمار انتشار کتاب در حوزه‌های مختلف در ایران، مهم‌ترین عناوین مربوط به کتاب در نشریات فارسی زبان، گزارش نشست‌های سرای دائمی اهل قلم و انتشارات تازه‌ترین کتاب‌های ترجمه شده به فارسی از نویسندگان غیر ایرانی را به گوش جهان انگلیسی زبان رساند.

عکس‌های کتابی

عکاسان خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته چند مراسم مختلف از جمله مراسم تشییع پیکر محمد ایوبی، نویسنده جنوبی، مراسم تجلیل از تلاشگران عرصه فرهنگ و ادب پایداری و گزارش تصویری افتتاح هشتمین نمایشگاه استانی کتاب سمنان را با زبان تصویر گزارش کردند. این عکس‌ها در صفحه ویژه گزارش تصویری خبرگزاری کتاب قابل مشاهده است.

جناب آقای الهیاری
انتصاب شایسته جنابعالی را به عنوان مدیر کل اداره کتاب و کتاب خوانی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تبریک عرض نموده و موفقیت آن برادر
بزرگوار را در انجام امور محوله از خداوند متان خواهانیم.
انتشارات کتاب آوند دانش

استقبال از «حاج امین الضرب»

کتاب «حاج امین الضرب و تاریخ تجارت» اثر خسرو معتضد، هفته گذشته در فهرست آثار پرفروش کتابفروشی زائران قرار داشت. این کتاب که از سوی انتشارات البرز به چاپ رسیده است، اثری دو جلدی است که نویسنده از خلال آن، تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران را بررسی کرده است. نویسنده همچنین از آثار تاریخی، اسناد، مدارک و تصاویر زیادی برای تألیف کتاب بهره گرفته است. نگارنده همچنین سعی دارد روند تجارت و سرمایه‌گذاری و صنعت در ایران از زمان حکومت صفویه تا پایان دوره قاجاریه را به طور مشروح بازگو کند و این که عنوان کتاب را نام یک تاجر معروف یا معروف‌ترین تاجر تاریخ معاصر ایران نهاده است ظاهراً به این دلیل بوده که امین الضرب در زمان حیات خود در تأسیس واحدهای تولیدی و توسعه تجارت نقش مهمی داشته و به اعتقاد نویسنده، ایران در دوره صفویه با جهان و از جمله با اروپا واجد توازن در تجارت و صادرات و تولید بوده است.

از آغاز سلطنت قاجار، اروپایی‌ها به قصد تجارت و سرمایه‌گذاری وارد ایران می‌شوند و هرچه از آن زمان به تاریخ معاصر نزدیک‌تر می‌شویم حضور غرب از نظر تجارت و کسب امتیاز و تحصیل قراردادها استعماری در ایران بیشتر توسعه می‌یابد.

به باور نویسنده این کتاب، دلایل زیادی باعث سقوط اقتصاد و صنعت و تجارت ایران طی قرون و دهه‌های اخیر شد و او سعی دارد از این رهگذر علل این سقوط را بازگو کند. دیگر آثار پرفروش کتابفروشی زائران در هفته گذشته عبارت بودند از: «لیلی نام تمام دختران زمین است» اثر عرفان نظر آهاری از نشر صابرین؛ از مجموعه کتاب‌های فندق کتاب «می می نی» نوشته ناصر کشاورز از نشر افق، «مراقبه» اثر وین دایر با ترجمه سیما فرجی از انتشارات نسل نواندیش؛ «کسی پشت سرم آب نریخت» اثر نیلوفر لاری از نشر البرز و «میناگر عشق» شرح موضوعی مثنوی معنوی اثر کریم زمانی از نشر نی.

مسئول فروش کتابفروشی رود نیز آثار پرفروش خود را در هفته گذشته به این ترتیب اعلام کرد: «برنده تنهاس» اثر پائولو کوئیلو از انتشارات کاروان؛ «گفت و گو با نجف دریابندری» اثر مهدی مظفری ساوجی از انتشارات مروارید؛ «داستانک‌های فلسفی برشت» با ترجمه علی عبداللهی از نشر مشکی و «مجموعه تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران، گفت و گو با لیلی گلستان» اثر امید فیروزیبخش از نشر ثالث.

انتشارات مبارک

نهج العباده :

(شامل)

صحیفه سجادیه و دیگر دعاها و مناجات‌های زین العابدین

با ترجمه ی شیوا ، موزون و آهنگین

محمود سلواتی

۰۰۰۰ / ۸۵۰۰۰۰ ریال

۰۹۱۹۱۵۲۸۱۷۷

چاپ مجموعه ۱۲۰ جلدی بزرگان روان‌شناسی

اجتماعی که در آن پرورش یافته و سپس تعاملی که با هم دوره‌های خود داشته و نیز بنیادهای فلسفی فکر او مورد بررسی قرار گرفته و در مرحله بعد تئوری یا نظریه‌ای که از سوی او ارائه شده با زبانی ساده و در عین حال دقیق توضیح داده می‌شود. در پایان کار هم کاربرد نظریه و تأثیری که نظریه در آن حوزه داشته بررسی و نهایتاً نقد می‌شود.»

دکتر سازمند با یادآوری این نکته که قرار است ۲۳ جلد از این مجموعه ۱۲۰ جلدی به دانشمندان ایرانی و اسلامی اختصاص داده شود گفت: «یکی از مشکلاتی که ما در این زمینه با آن روبه‌رو هستیم این است که با وجود کسانی نظیر ابن سینا، ابن خلدون، ابن عربی، سهروردی، مولوی و... در تاریخ فرهنگی مان، آرای آنان را در زمینه روان‌شناسی و تعلیم و تربیت استخراج نکرده‌ایم، درحالی‌که اینها در حوزه روان‌شناسی، روان‌پزشکی و علوم تربیتی حرف‌های اساسی زیادی حتی برای نسل امروز ما دارند.»

دکتر سازمند اظهار امیدواری کرد افراد متخصص در حوزه علوم تربیتی ایرانی - اسلامی شناسایی شوند و در راه مدون کردن آرای این بزرگان کمر همت ببندند.

ایران، آماده تشکیل

کمیته حافظه جهانی منطقه‌ای جنوب غرب آسیا

علی‌اکبر اشعری، مشاور فرهنگی رییس‌جمهور و رییس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران عصر سه شنبه، ۲۲ دی، با رییس کمیته منطقه‌ای آسیا - اقیانوسیه برنامه حافظه جهانی و مدرسه نخستین کارگاه بین‌المللی برنامه حافظه جهانی در ایران دیدار کرد.

وی در این دیدار با اشاره به فعالیت‌های کمیته ملی حافظه جهانی ایران، عنوان کرد: «فعالیت‌های کمیته ملی از سال ۲۰۰۶ در ایران آغاز و در دو دوره حضور ایران در برنامه حافظه جهانی، سه اثر ثبت جهانی شده است.»

رییس کمیته ملی حافظه جهانی ایران یادآور شد: «همچنین در دو سال گذشته با همکاری سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد یونسکو، کارگاه‌های آموزشی برنامه حافظه جهانی با شرکت کارشناسان مراکز مهم کتابخانه‌ای، آرشیوی و موزه‌ای ایران برگزار شده است.»

رییس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران با اشاره به زمینه‌های مشترک تمدنی و فرهنگی کشورهای منطقه، یادآور شد: «ما آماده‌ایم بر اساس پیشینه مشترک و همکاری‌های انجام شده در چارچوب کنفرانس سران کتابخانه‌های ملی، کمیته منطقه‌ای جنوب غرب آسیا را برای برنامه حافظه جهانی تشکیل دهیم.»



منتشر شده از این مجموعه دیده می‌شود.

دکتر سازمند درباره نحوه طراحی این پروژه یادآور شد: «این پروژه با برنامه ریزی و طراحی دقیقی آغاز و بناشد از میان روان‌شناسان صاحب نظر تعدادی از آنها که برجسته‌تر و نظریه‌شان جریان‌سازتر بود انتخاب شوند و هر یک از اینها در قالب یک اثر تالیفی - تدوینی توسط کسانی که در این حوزه تسلط و تخصص دارند نوشته شود.»

وی درباره ویژگی‌های این مجموعه اظهار داشت: «از ویژگی‌های مهم این کتاب‌ها این است که همه با یک ورودنرم‌آغاز می‌شود یعنی زندگینامه آن دانشمند اعم از زندگی تحصیلی، مسائل خانوادگی، بافت

کتاب دیگری از نویسنده شایسته تقدیر جایزه جلال

«عروس بید» یوسف علیخانی در راه است



یوسف علیخانی که سال گذشته با مجموعه داستان «اژدها کشان» در جایزه ادبی جلال‌آل احمد شایسته تقدیر شد، به زودی مجموعه داستان «عروس بید» را زیر چاپ می‌برد. به گفته نویسنده، ایجاد فرمی تازه در فضای داستانی نسبت به آثار پیشین وی، از ویژگی‌های این کتاب است.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) «عروس بید» نام سومین مجموعه داستان یوسف علیخانی است که به زودی توسط نشر آموت روانه بازار کتاب می‌شود.

به گفته علیخانی، این مجموعه داستان نیز مانند دو مجموعه داستان قبلی‌اش با گرایش به نوعی بومی‌گرایی در نگرش و زبان داستانی خلق شده، ولی این بار تأکید نویسنده کمتر بر زبان دیلمی قرار گرفته است. علیخانی در این باره به ایبنا گفت: «داستان‌های این مجموعه نیز

مانند دو مجموعه داستان قبلی‌ام در فضای خیالی روستای «میلک» می‌گذرند. ضمن آن‌که در این داستان‌ها بیش از هر چیز دغدغه قصه‌گویی داشته‌ام و قصه‌ها با زبانی متفاوت و امروزی‌تر نسبت به دو مجموعه داستان قبلی‌ام روایت می‌شوند.» نویسنده «اژدها کشان» افزود: «در این کتاب سعی داشتم با استفاده از کلمات دیلمی و زبان فارسی معیار، به زبان سومی برسیم.»

وی اضافه کرد: «نقطه اشتراک هر سه مجموعه داستانم توجه به فرهنگ و باورهای مردم یک روستای خالی از سکنه بوده است. داستان‌های «عروس بید» هم مانند «قدم به خیر مادر بزرگ من بود» و «اژدها کشان» در فضایی وهم‌آلود روایت شده‌اند.» مجموعه داستان «عروس بید» ۱۹۲ صفحه و شامل ۱۰ داستان کوتاه است. «پناه بر خدا»، «آقای غار»، «هراسانه»، «پنج»، «رتیل»، «جان قربان»، «عروس بید»، «مرده گیر» و «بیل سر آقا و پیر بی‌بی» نام داستان‌های این کتاب است.

یوسف علیخانی متولد ۱۳۵۴ روستای میلک قزوین و فارغ‌التحصیل رشته زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران است. از این نویسنده تا به حال دو مجموعه داستان «قدم به خیر مادر بزرگ من بود» و «اژدها کشان» منتشر شده است. علیخانی برای مجموعه داستان «اژدها کشان» برگزیده نخستین دوره جایزه ادبی جلال‌آل احمد و نامزد نهایی هشتمین دوره جایزه هوشنگ گلشیری شد.

«زنده باد مرگ» به سینما نمی‌رود

نگارش فیلمنامه و ساخت تصویری اثر آغاز می‌شود. بر این اساس، اقتباس و قابلیت ساخت فیلم از رمان «زنده باد مرگ» نوشته ناصر ایرانی تصویب شده، اما بدون مذاکره، قرارداد و کسب مجوز از نویسنده اقدامی برای ساخت فیلم صورت نخواهد گرفت.»

چندی پیش شاکری درباره رمان «زنده باد مرگ» به خبرنگار «ایبنا» گفته بود: «این اثر در مرحله طرح فیلمنامه قرار دارد و پس از انتخاب بهترین طرح، نگارش قطعی فیلمنامه آغاز می‌شود.»

رمان «زنده باد مرگ» برای نخستین بار در سال ۱۳۶۹ توسط انتشارات سروش منتشر شد. ناصر ایرانی در این اثر زندگی تعدادی نویسنده روشنفکر را در دوران اوج مبارزه مردم با رژیم پهلوی و نحوه تأثیرپذیری آنها را روایت کرده است.

ناصر ایرانی، نویسنده رمان «زنده باد مرگ» فروش حق اقتباس سینمایی از این رمان را تکذیب کرد و احتمال ساخت هر اثر سینمایی از این رمان را مردود دانست.

وی در گفت‌وگو با خبرنگاری کتاب ایران (ایبنا) درباره فروش حق اقتباس رمان «زنده باد مرگ» اظهار داشت: «مدتی پیش با مجتبی شاکری، دبیر شورای اقتباس رمان مرکز سینما فیلم درباره اقتباس این رمان وارد مذاکره شدیم، اما من در این گفت‌وگو مخالفت خود را برای انجام این کار اعلام کردم.»

مجتبی شاکری نیز درباره اقتباس از این رمان به خبرنگار ایبنا گفت: «در شورای اقتباس رمان سینما فیلم، فقط ظرفیت تصویری آثار بررسی و تصویب شده و سپس بخش قراردادها این مرکز با نویسنده وارد مذاکره می‌شود. پس از عقد قرارداد، مالکیت اقتباس به سینما فیلم اختصاص پیدا می‌کند و کار

نگاهی به آثار مکتوب با موضوع شهادت نواب صفوی و یارانش

تاریخ معاصر، نیازمند پژوهش‌های منصفانه

تحریر در آورد. گلشن با استناد به فرمایش رهبر معظم انقلاب اسلامی برای نگارش تاریخ دقیق نهضت مشروطه، این دستور و رهنمود را قابل بسط برای تمامی عرصه‌های تاریخ معاصر ایران می‌داند و می‌گوید: «دهه ۱۳۲۰ شمسی، مملو از گروه‌های مذهبی است که به ویژه از زمان سقوط حکومت رضاشاه تا کودتای ۲۸ مرداد، فعالیت زیادی کردند و بعد از آن نیز به فعالیتشان ادامه دادند، اما تنها یکی دو حرکت و جریان بر تمامی فعالیت‌های تاریخ معاصر ایران سایه افکنده‌اند.» این پژوهشگر تاکید فراوانی بر انجام تحقیقات منصفانه و واقع‌بینانه درباره حوادث تاریخی دهه ۲۰ دارد تا بتوان زوایای گوناگون و نامشخص گروه‌های فعال دینی در تاریخ معاصر ایران را بررسی و کتاب‌هایی قابل اعتماد به ویژه برای محققان و پژوهشگران تهیه کرد.

نواب دست به قلم هم بود

سید مجتبی نواب صفوی سال ۱۳۰۳ در خانی آباد تهران به دنیا آمد. وی برای تحصیل علوم دینی به نجف مهاجرت کرد و پس از بازگشت، با تشکیل جمعیت فدائیان اسلام به مبارزه با بدخواهان و بداندیشان پرداخت. نواب صفوی در اعلامیه تشکیل جمعیت فدائیان اسلام، برادری، استقامت و اتحاد را خط کلی و رسیدن به حاکمیت اسلام و قرآن را هدف اصلی این جمعیت معرفی کرد. ترور و ابستگان درباری حکومت پهلوی مانند عبدالحسین هژیر، علی رزم آرا و حسین علاء از جمله فعالیت‌های سیاسی این جمعیت به شمار می‌روند. سید مجتبی نواب صفوی پس از این فعالیت‌ها دستگیر شد و سرانجام همراه خلیل بامداد ۲۷ دی سال ۱۳۳۴ تیرباران شدند و به شهدا پیوستند. کتاب‌های «جامعه و حکومت اسلامی» (درباره روش صحیح حاکمیت) و «اراهمای حقایق» از مهم‌ترین تالیفات این شهیدند.



گلشن از جمله پژوهشگرانی است که با ورود افراد سیاستمدار یا علاقه‌مند سیاست به حوزه تاریخ و تاریخ نویسی مخالف است و می‌گوید: «اگر این افراد وارد حوزه تاریخ نشوند، سلامت فضای این حوزه بیشتر حفظ می‌شود. البته این افراد می‌توانند نگرش و تحقیقاتشان را به مورخان ارائه دهند تا آنها به بررسی بپردازند اما سیاستمداران و حتی کسی که در حوزه علوم سیاسی یک دانشگاه نیز فعالیت می‌کند، نباید خودش به طور مستقیم به تاریخ نویسی بپردازد، بلکه باید این کار را به مورخان واگذار کرد.» وی با اشاره به این که همواره گذشت زمان به نوشتن واقعی و به دور از تعصب جانبدارانه از یک واقعه سیاسی کمک می‌کند می‌گوید: «تاکنون حدود ۵۰ سال از فعالیت گروه فدائیان اسلام گذشته و شاید با گذشت زمان بیشتر، حساسیت‌های سیاسی در این باره کم شود و آن‌گاه بتوان مطالبی منصفانه‌تر به رشته

تحقیق کرده است، اعتقاد دارد با وجود فعالیت‌های تقریباً گسترده‌ای که در این باره انجام شده، اما هنوز کتابی به رشته تحریر در نیامده که بتوان چهره‌ای واقعی و منصفانه از اعضای این گروه و عملکردشان ارائه کند. زیرا به قول مولانا «هر کسی از ظن خود شد یار من/از درون من نجست اسرار من».

گلشن می‌گوید: نویسندگان ما همواره به اصطلاح یا از این طرف بام یا از آن طرف بام افتاده‌اند، به گونه‌ای که گاهی این افراد به ویژه شهید نواب صفوی را به درجه‌های اعلی‌علیین برده‌اند و گاهی نیز به پایین‌ترین رتبه تنزل درجه داده‌اند.

سوالی که مطرح می‌شود، این که اگر پژوهشگری بخواهد با مطالعه آثار مکتوب به واقعیت پی ببرد، امکان دارد؟ گلشن در پاسخ به این سوال می‌گوید: «اگر کسی علاقه مند باشد، می‌تواند از لابه‌لای مطالب کتاب‌ها، روزنامه‌ها و مجلات به واقعیت دست یابد.» این پژوهشگر معتقد است: «ابهامات موجود در این باره به موضوع گروه فدائیان اسلام و شخص شهید نواب صفوی محدود نمی‌شود، بلکه تاریخ معاصر ایران به دلایل گوناگون که شاید سیاست زدگی یکی از آنها باشد، گرفتار این معضل است. واقعیت این است که این‌گونه جریان‌ها و افراد، مخالفان و موافقانی دارند که در مقابل هر گونه تحقیق و بازتاب آن به صورت مکتوب و افکندگی نشان می‌دهند و من یقین دارم که بین طرفداران آیت‌الله کاشانی (ره) و مرحوم مصدق تا ابد ادامه خواهد داشت.»

وی با اشاره به این که کاملاً با اندیشه و عملکرد شهید نواب صفوی و یارانش آشناست و نکات مثبت و منفی را به خوبی از هم تشخیص می‌دهد اظهار داشت: «برای اینکه کتاب‌هایی قابل اعتماد در این باره داشته باشیم، باید با نگاه تاریخی واقع‌بینانه و منصفانه به پژوهش بپردازیم و نتیجه این پژوهش را نیز منصفانه و به دور از هرگونه سیاست زدگی منعکس کنیم.»

۲۷ دی ماه سال ۱۳۲۴ سید مجتبی میر لوحی، طلبه و بنیان‌گذار گروه فدائیان اسلام، ملقب به نواب صفوی، همراه با خلیل طهماسبی، برادران واحدی و ذوالقدر به دستور رژیم طاغوتی محمد رضا پهلوی به جوخه اعدام سپرده شدند و شربت شهادت نوشیدند. او به دلیل اعدام انقلابی حسنعلی منصور، نخست‌وزیر وقت، به جوخه اعدام سپرده شد.

از آن زمان تاکنون کتاب‌های متعددی درباره گروه فدائیان اسلام و همچنین زندگی‌نامه و روایت‌های و مبارزات شهید نواب صفوی منتشر شده‌اند که تعداد آنها به بیش از ۵۰ عنوان می‌رسد. علاوه بر این مقالات و پژوهش‌های مختلفی در روزنامه‌ها و مجلات در این باره به رشته تحریر درآمده است.

دسته بندی آثار مکتوب

از آنجا که نگرش افراد صاحب‌نظر حوزه دین و سیاست به عملکرد گروه فدائیان اسلام و به ویژه شخص نواب صفوی متفاوت بوده، کتاب‌هایی نیز که درباره این گروه و این شهید بزرگوار منتشر شده‌اند، متفاوتند و هر یک از نگرش‌های خاص نگارنده اثر به رشته تحریر درآمده‌اند.

اگر بخواهیم مطالب منتشر شده در این حوزه را به شکلی منظم دسته بندی کنیم، باید این‌گونه عمل کرد. بخش اول کتاب‌هایی با ۱۵ موضوع که همگی درباره فدائیان اسلام و اعضای این گروه نوشته شده‌اند و بخش دوم کتاب‌هایی با ۴۰ موضوع که بخشی از آن درباره این شهیدان مطلب دارند. بخش سوم نیز مقالاتی با ۶۸ موضوع‌اند که از تعدادی از مجلات جمع‌آوری شده‌اند. بخش چهارم نیز مطالب مندرج در مطبوعات با ۱۲۱ موضوع‌اند که در تعدادی از روزنامه‌ها آورده شده‌اند.

نواب، بخشی از تاریخ معاصر ایران

جعفر گلشن، پژوهشگری که حدود پنج سال درباره گروه فدائیان اسلام و به ویژه شهید نواب صفوی

هر هفته با کتاب هفته

تحویلی نو در عرصه چاپ کتاب با خدمات چاپ و انتشارات کتاب شمس انجام کلیه امور کتاب از مجوز و حروفچینی تا چاپ و صحافی را بصورت کامپیوتری (بدون لیتوگرافی) **بالاترین کیفیت و کمترین قیمت** یکجا تجربه کنید

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۲۹۷۴۱ / ۰۹۱۲۲۱۵۹۰۷۲

جناب آقای محمد الهیاری قومنی
با احترام
بدینوسیله انتصاب جنابعالی را به سمت مدیر کل اداره کتاب تبریک عرض می‌کنیم.
توفیق روزافزون شما را خواستاریم.
احمد رضانی
شرکت ویژه نشر

جناب آقای محمد الهیاری قومنی
با احترام
بدینوسیله انتصاب جنابعالی را به سمت مدیر کل اداره کتاب تبریک عرض می‌کنیم.
توفیق روزافزون شما را خواستاریم.
انجمن فرهنگی
ناشران بین المللی ایرانیان

جناب آقای محمد الهیاری قومنی
با احترام
انتصاب شایسته جنابعالی را به سمت مدیر کل اداره کتاب تبریک عرض نموده و توفیق روزافزون شما را از درگاه احدیت مسئلت می‌نمایم.
محمود آموزگار
انتشارات کتاب آماه

موسسه ای فرهنگی
از ۲ نفر کتابدار (جهت تهران و قم)
دعوت به همکاری می‌نماید.
۰۹۱۲۱۱۳۳۹۷۴

انتشارات تجسم خلاق
به فردی باتجربه جهت پخش کتاب نیاز مندیم
۸۸۳۰۲۵۲۳



سایر محمدی

«جهت‌ها و حرکت‌ها» عنوان جدیدترین ترجمه دکتر مجدالدین کیوانی است که از سوی انتشارات جیحون چاپ و منتشر شده است. نویسنده این کتاب پروفیسور ماریسون موضع و دیدگاه‌های سه تن از عارفان دوره‌های مختلف تاریخ را مورد کنکاش قرار می‌دهد که آیا این اندیشه‌ها می‌توانند برای انسان امروز راهی به سوی حقیقت بکشایند؟ اندیشه‌های عرفانی فارابی، ابن عربی و نورعلی الهی. مجدالدین کیوانی متولد ۱۳۱۶ اصفهان، دکترای زبان‌شناسی کاربردی و ترجمه دارد. او لیسانس خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی گرفته است. وی سال‌ها استاد و مدرس دانشگاه تربیت معلم بود و پس از بازنشستگی در سال ۷۸ همه وقت خود را به تالیف، ترجمه و تحقیق اختصاص داد و با «دایرةالمعارف بزرگ اسلامی» نیز در نوشتن مدخل و مقالات همکاری دارد. وی کتاب «صهباي خرد»، تالیف دکتر مهدی امین رضوی را در شرح احوال و آثار خیام ترجمه و منتشر کرد که جایزه کتاب سال را برایش به ارمغان آورد. ترجمه «تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن» اثر دکتر عبدالحسین زرین کوب و «میراث تصوف» اثر دوجلدی لئونارد لویزون و نیز صوفیان و ضد صوفیان، مفهوم ولایت در دوران آغازین عرفان اسلامی، شعر صوفیانه فارسی، سهروردی و مکتب اشراق، حلاج، روزبهان بقلی و... عناوین برخی دیگر از آثار منتشر شده او هستند.

گفت و گو با دکتر مجدالدین کیوانی

عرفان ما با ادبیات درهم تنیده است

مسائل آن پرداخته است. مجموعه این سخنرانی‌ها در دو شماره مجله مطالعات ایرانی گردآمده بود. غیر از این من کتابی هم به اسم «شیخ محمود شبستری» ترجمه کرده بودم که به روح دو نفر از پاسداران فرهنگ و ادب ایرانی یعنی مرحوم زرین کوب و مرحوم زریاب خوبی اهدا کردم. ناشر دو نسخه از این کتاب را به درخواست من، زمانی که در ایران نبودم، برای خانم زرین کوب فرستاد. ایشان پس از دیدن این کتاب‌ها به دنبال من بود تا مرا پیدا کند. با این که هر دو در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی کاری کردیم، اما شناخت حضوری نسبت به یکدیگر نداشتیم تا در یک جلسه هیات علمی وقتی اسم مرا از زبان دیگران شنیدم، مرا به جا آورد و خیلی اظهار خوشحالی کرد و از من هم به خاطر آن کتابی که به شوهرش تقدیم کردم، تشکر و قدردانی کرد. بعد از مدتی هم از من خواهش کرد که این مقالات را ترجمه کنم. در واقع ترجمه این کتاب نتیجه آن آشنایی حضوری و آن تقاضا بود. انتشار این کتاب هم نسبتاً مورد توجه علاقه‌مندان و صاحب‌نظران قرار گرفت و در مدت کوتاهی تجدید چاپ شد. این کتاب برای کسی که می‌خواهد شمایی کلی از تاریخ تصوف داشته باشد، مناسب است. همچنان که کتاب «پله پله تا ملاقات خدا» برای کسی که می‌خواهد مولانا را در ابعاد کلی‌اش بشناسد، کتاب بسیار مفیدی است. به خصوص برای فرنگی‌ها و ایرانیانی که زبان فارسی برایشان قدری مشکل است و در خارج از کشور با زبان فارسی ارتباط چندانی ندارند، این کتاب و کتاب‌های نظیر این در این گونه موارد می‌تواند کمک خیلی خوبی باشد یا برای آن عده از دانشجویان و مترجمان جوان که برحسب نیاز اقدام به تطبیق متن با ترجمه می‌کنند که به آن ترجمه مقابله‌ای هم می‌گویند چون می‌خواهند ببینند مترجم در ترجمه متن چه کرده است و از این طریق آموزش می‌بینند.

نویسنده کتاب «جهت‌ها و حرکت‌ها» پروفیسور ماریسون را از کجا می‌شناسید و در نگاه اول به نظر می‌رسد که ایشان در این کتاب فارابی و ابن عربی و نورعلی الهی را در یک سطح قرار داده و مقام و مرتبه آنها را مساوی فرض کرده است. از طرفی انتظار می‌رود چنین آثاری در ارتباط با عرفای ایرانی توسط ایرانیان هم نوشته شود.

واقعیت این است که کسی جلو ما را نگرفته است که راجع به این افراد ننویسیم. ثانیاً راجع به ابن عربی آثار فراوانی در ایران نوشته شده است. راجع به فارابی هم خیلی نوشته‌اند. آثار نورعلی الهی هم که در دسترس هست. ماریسون استاد دانشگاه است و تخصصش هم ابن عربی است و در این حوزه کار می‌کند. یک ابن عربی‌شناس است که با ویلیام چیتیک برخی از آثار ابن عربی را ترجمه کرده است. مدتی در دانشگاه آگرتز در انگلستان بود و حالا در ماساچوست حضور دارد. البته این پرسش برای من هم ابتدا پیدا شد که چطور این سه در کنار هم مورد بررسی قرار گرفته‌اند. علتش چیست؟ اما وقتی متن کتاب را بخوانید متوجه می‌شوید که هدف نویسنده از کنار هم قرار دادن این سه برابر در نظر گرفتن مقام و مرتبه علمی آنها نبوده. البته متن کتاب مذکور به رغم حجم اندکش متنی مشکل و پیچیده است. برداشت من از این کتاب این است که نویسنده می‌خواسته ببیند که آیا از بین آراء



نزدیک‌تر بود. دیدگاه‌هایی که دکتر زرین کوب در کتاب «تصوف ایرانی از ...» مطرح کرده چقدر تازه است. آیا این دیدگاه‌ها در آثار دیگرش به صورت‌های مختلف مستتر نیست؟ حرف تازه‌ای داشت که آن را ترجمه کردید؟

ترجمه این کتاب وضعیت خاصی داشت. اولاً مطالب این کتاب مجموعه سخنرانی‌های مرحوم زرین کوب است که چند سال قبل طی چند جلسه در دانشگاه‌های کالیفرنیا و پرینستون ایراد کرده بود. برای عده‌ای از علاقه‌مندان موضوع تصوف که هم ایرانی‌ها بودند و هم غیرایرانی.

او در این سخنرانی‌ها دیگر وارد جزئیات نشده بود، بلکه مروری داشت بر کل این حرکت و کل تصوف از آغاز تا عصر حاضر، البته ایشان نمی‌توانست در مورد هر یک از این موضوعات به تفصیل سخن بگوید. از این که اندیشه تصوف از کجا سرچشمه گرفت و ریشه‌های آن در کجا می‌تواند باشد و چه کسانی به پرورش و بالندگی آن کمک کردند، این مباحث به شکل گذرا مورد بررسی و بحث قرار گرفته است. حالا ممکن است اسم مولانا هم بیاید. اسم دکتر زرین کوب در این مقالات روی افراد خاصی تمرکز نکرده است. بلکه با توجه به مخاطبان این سخنرانی‌ها، به شکل مجمل به موضوع تصوف و

کتاب «پله پله تا ملاقات خدا» برای کسی که می‌خواهد مولانا را در ابعاد کلی‌اش بشناسد، بسیار مفید است. به خصوص برای ایرانیانی که زبان فارسی برایشان قدری مشکل است

و هشت بار در ایران چاپ شده است. اما فرانکلین دین لوئیس هم کتابی به اسم «مولانا؛ دیروز تا امروز، شرق تا غرب» نوشته که با ترجمه آقای حسن لاهوتی در ایران منتشر شده است. این کتاب، کتابی جامع و کامل است.

این کتاب در آمریکا تحت عنوان «رومی: دیروز تا امروز...» منتشر شد. من هم به این کتاب نظر دارم، کتابی بسیار مفصل است و آنچه راجع به مولانا کار شده را دارد. زندگی مولانا را به دقت روایت و بررسی کرده است. در واقع اگر شما این دو کتاب را مطالعه و مقایسه کنید، متوجه می‌شوید که الگوی دین لوئیس در نوشتن این کتاب، همین کتاب زرین کوب است و در مقایسه با «پله پله تا ملاقات خدا» خیلی فراتر رفته است. شاید مفصل‌تر باشد، اما فراتر از آن نیست. من معتقدم که زرین کوب در «پله پله تا ملاقات خدا» به آن جنبه روحانی و معنوی مولانا خیلی بیشتر از دین لوئیس پرداخته است. به هر حال افرادی مانند دین لوئیس دنیایی جدا از دنیای مولانا در قرن هفتم داشتند و دارند. فاصله این دو دنیا خیلی زیاد است، چه در حوزه فرهنگ و چه در حوزه زبان. آنها هر چقدر که در نوشتن این گونه آثار دقیق باشند ظرافت‌ها، ریزه‌کاری‌ها و کرشمه‌هایی در اندیشه مولانا هست که برای هیچ کس قابل درک نیست. اما به نظر من درک جهان مولانا و افکار و اندیشه‌هایش به نسبت متفاوت است. برخی به این جهان نزدیک‌تر شده‌اند، برخی به فاصله‌ای دور از این جهان ایستاده‌اند و حرف خودشان را می‌زنند. خودشان را مولانا‌شناس و مولوی‌پژوه معرفی می‌کنند که دور از انصاف است. این گروه آثار مولانا را درس می‌دهند، درس مولوی‌شناسی می‌دهند و... من معتقدم که دکتر زرین کوب به دنیای مولانا خیلی نزدیک‌تر بود. شخصاً معتقدم که فقط خود مولانا می‌داند چه گفته است؟ تجربه من این را نشان می‌دهد که مولانا گاهی سخنی می‌گوید که انسان احساس می‌کند ولی نمی‌فهمد راجع به چه دنیایی است و از چه سخن می‌گوید؟ مرحوم زرین کوب در مقایسه با اغلب کسانی که درباره مولانا نظر می‌دهند و کتابی می‌نویسند، به دنیای مولانا

آقای کیوانی، کتاب «جهت‌ها و حرکت‌ها» به چه مسائل و موضوعاتی می‌پردازد؟

نویسنده این کتاب پروفیسور ماریسون بود که سمت استادی در دانشگاه ماساچوست را داشت. ماریسون در این کتاب سه شخصیت را در کنار هم قرار داده و نظریات آنها را که به نظر نویسنده می‌تواند همیشه کارساز باشد - به رغم آن که متعلق به چند قرن قبل است - مورد کنکاش قرار داده است. در واقع ماریسون از چند قرن مختلف و متفاوت این سه تن را انتخاب کرده است. فارابی در مقام یک فیلسوف متفکر، ابن عربی در مقام یک عارف نظری و نورعلی الهی به عنوان یک عارف عملی، اندیشه‌هایش بررسی شده است. آیا شما بعد از این کتاب، کتاب دیگری ترجمه و منتشر نکردید؟

بعد یا همزمان با این کتاب، من «پله پله تا ملاقات خدا» اثر دکتر زرین کوب را از فارسی به انگلیسی ترجمه کردم که در آمریکا چاپ شد. این کتاب در واقع آخرین ترجمه منتشر شده من بود که در بازار هم هست. البته در این مدت مقالاتی هم برای چاپ در دایرةالمعارف‌ها نوشته‌ام.

«پله پله تا ملاقات خدا» را به سفارش ناشر ترجمه کرده‌اید یا علاقه شخصی شما به این اثر باعث ترجمه آن شد؟

بیش از همه خانم زرین کوب یعنی خانم دکتر قمر آریان علاقه‌مند بودند که این کتاب و چند اثر دیگر از دکتر زرین کوب به انگلیسی ترجمه شود. در حقیقت قبلاً کتاب «تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن» از دکتر زرین کوب را که به انگلیسی چاپ شده بود، به فارسی ترجمه کردم و توسط انتشارات سخن منتشر شد. به دنبال انتشار این کتاب بود که همسر ایشان خواست چند اثر دکتر زرین کوب و در راس آنها «پله پله تا ملاقات خدا» را به انگلیسی ترجمه و منتشر کنم. در واقع سرسلسله‌چینان این مسئله ایشان بودند. انتشار این کتاب در درجه اول برای انگلیسی‌زبان‌ها در نظر گرفته شده بود و در آمریکا هم به کمک بنیاد میراث ایران چاپ شد. ناشر این کتاب در آمریکا آیزن براون است و در آنجا مخاطب هم دارد.

حالا که در آمریکا آثار مولانا و نام مولانا تحت عنوان رومی گل کرده طبعاً ترجمه شما از کتاب «پله پله تا ملاقات خدا» که به زندگی و آثار مولانا می‌پردازد، با اقبال عمومی روبه‌رو می‌شود؟

حتماً این اتفاق می‌افتد. چون اغلب کسانی که به مولانا و آثارش علاقه‌مند هستند، به این کتاب هم روی خوش نشان خواهند داد. چون این کتاب به وسیله یک ایرانی نوشته شده و مطمئناً از اصالت بیشتری برخوردار است. کسانی که راجع به مولانا و آثارش، کتاب نوشته‌اند گرچه محقق و قابل احترام هستند، اما آن روح ایرانی را نمی‌تواند داشته باشد. از نظر روش، از نظر شیوه ورود به زندگی مولانا و بررسی آثارش ممکن است دقیق و خوب کار کرده باشند، ولی این که بتوانید به عنوان یک عارف مسلمان در روح مولانا رسوخ بکنید، مطمئناً زرین کوب موفق‌تر بود و به جهان مولانا نزدیک‌تر شده است و این را در کتاب «پله پله تا ملاقات خدا» آورده و چاپ آن هم در ایران با استقبال فراوانی روبه‌رو شده است و اگر دقت کرده باشید، متوجه می‌شوید این کتاب تا سال ۱۳۸۶ بیست



مخاطب مجبور نیست

برخی نویسندگان ما متأسفانه به علت انفصال از پس زمینه‌ها و سنت‌های ارزشمند فرهنگی خود، از درک جهان جدید عاجزند. این عده بنا ندارند با جهان جدید و شرایط تازه آن کنار بیایند.

برخی از نویسندگان و ناشران ما فکر می‌کنند که هنوز باید برای مخاطب خود کتاب‌های ۵۰۰ صفحه‌ای بنویسند و احساس می‌کنند که باید کاملاً ایده‌ها و خواسته‌های آنان بدون چون و چرا از سوی مخاطبان پذیرفته شود، در صورتی که شرایط فرق کرده است و نمی‌توان با مخاطب ادبیات، از موضع اجبار حرف زد.

ادبیات امروز اگر بخواهد با رسانه و سایر وسایل ارتباط جمعی که در دنیا موجود است، در جذب مخاطب رقابت کند، باید جهان جدید را بشناسد و خود را با آن هماهنگ کند و گرنه نمی‌توان به تداوم حیات آن امید چندانی داشت. از این رو ادبیات معاصر ما به گواهی همگان، بسیار مریض احوال، بی‌خون و بی‌رمق است و فقط چند اثر را می‌توان در این حوزه شاخص به حساب آورد. بقیه آثاری را که توسط نویسندگان این مرز و بوم تولید شده، نه من می‌فهمم و نه هیچ بنده خدایی در هیچ جای جهان. این در حالی است که ادبیات آمریکای لاتین انگار از زبان مردم بحران زده جهان سومی نوشته شده و به خوبی قابل هضم و درک است. برخی نویسندگان ما متأسفانه در توهامات بیمارگونه ذهن خود ریشه دارند و فکر می‌کنند که باید قدیسانه پرستیده شوند، در حالی که باید خود را عضوی از جامعه دردمند به حساب بیاورند و با مردم باشند، خود را بر مردم می‌دانند و نمی‌دانم تا کی می‌خواهند بر کشتی شکسته توهم سوار باشند؟

از سویی جهانی شدن ادبیات ایران با شرایط موجود اتفاق نخواهد افتاد، زیرا مسائل و مشکلات زیادی در این زمینه به عنوان مانع وجود دارد. اگر تا امروز آثاری هم از ادبیات ایران به خارج از مرزهای جغرافیایی راه یافته است، باید آن را وامدار فرهنگ غنی با پشتوانه و کم نظیر و کهن ایران دانست، هرکس این موضوع را شق القمر نویسندگان ایران فرض کند، دچار توهم است. چرا که با مرور فرهنگ و ادبیات پرمایه ایران در قرون گذشته و مطالعه دقیق همین نثرها و شعرهای پرمایه گذشتگان، می‌توان آینده‌ای قابل قبول را برای ادبیات ایران رقم زد و هرکس تأثیر این مرور و بررسی را انکار کند، بهتر است کاری به کار ادبیات نداشته باشد و به سوءتفاهمی که در زمینه ادبیات برایش به وجود آمده، پایان دهد. در همین راستا برخی از نویسندگان جوان، متأثر از موج‌های افراطی در ادبیات، چیزهایی می‌نویسند که خودشان در تعریف و تعیین قالب آن عاجزند. همین عده معدود، ادعای جهانی شدن ادبیات نسل خودشان را مطرح می‌کنند، که به طنز شبیه است.

البته نباید منکر برخی آثار شاخص نویسندگان جوان هم بود. جسسته و گریخته، گاه آثاری قابل اعتنا در حوزه ادبیات داستانی منتشر می‌شود و چون جریان نقد ادبی در ایران فعال نیست، خیلی زود به تعارف یا تکذیب از کنار اثر می‌گذرند و راه را برای آثار دیگری باز می‌کنند، البته همیشه جریان مسأله داری در حاشیه کار وجود دارد و به گونه‌ای که خودش مصلحت بداند، درباره آثار ادبی در مطبوعات و صفحات ادبی قضاوت می‌کند.

حاکمان بوده که در کشورداری ناتوان بودند و آلوده به فساد. می‌گویند مردم عموماً از ملوک خود تبعیت می‌کنند. عوامل ریز و درشت دیگری هم نقش داشتند که در جای دیگر می‌تواند مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

کتاب «میراث تصوف» چگونه شکل گرفت؟ چگونه به ترجمه آن علاقه مند شدید؟ آیا این کتاب موافقان و مخالفان تصوف را دربرمی‌گیرد؟

این مجموعه مربوط به سه دوره سخنرانی است که دو دوره در انگلستان برگزار شد و یک دوره هم در آمریکا توسط ایران شناسان و اسلام شناسان ایرانی و اروپایی و دیگر نقاط جهان، آن سخنرانی‌ها را بعدها حک و اصلاح می‌کنند و مفصل‌تر و مستندتر می‌کنند و تحت عنوان «میراث تصوف» در دو جلد کتاب چاپ و منتشر می‌شود. این مطالب بررسی حرکت تصوف از آغاز تا زمان صفویه است.

در مقدمه کتاب اشاره کردید، محور همه مقالات تصوفی است که در ایران پرورده شده و به سرزمین‌های اطراف که بخش‌هایی از آن روزگاری ایران بزرگ را تشکیل می‌دادند، به ترکیه و هندوستان و آسیای مرکزی راه پیدا کرد. مگر در این کشورها تصوف وجود نداشت؟ وضعیت تصوف در این کشورها امروز چگونه است؟

همان‌طور که لجه‌های مختلف یک زبان را داریم، شاخه‌های مختلف تصوف را هم داریم. هراندیشه‌ای وقتی از جایی به جای دیگر می‌رود، در آنجا کمی بارور می‌شود و رنگ و آب محلی به خودش می‌گیرد، فرهنگ و اندیشه محلی روی آن تأثیر می‌گذارد و تغییر و تفسیرهای جدیدی به آن اضافه می‌شود. همچنان که در مورد دین می‌بینیم در این کشورها آداب و رسوم عیناً شبیه هم نیست. مقداری تفاوت وجود دارد. در مورد تصوف می‌گویند مرکز و اصل آن مربوط به ایران بوده و در کشورهایی مثل هند و پاکستان و آسیای مرکزی از این تصوف که تصوف مادر بوده، بهره گرفته‌اند و تصوف خودشان را شکل دادند یا بعضی از صوفیه ایرانی به این کشورها رفتند و در آنجا به خاطر عوامل جغرافیایی و فرهنگ‌های بومی مقداری تحولات و تغییراتی ایجاد کردند و اندیشه‌های جدیدی به آن اضافه کردند که احتمالاً با تصوفی که در ایران بوده تفاوت‌هایی داشته است. آنچه در این کنفرانس‌ها بر آن تأکید شده این است که می‌خواهد بگوید، آن ماده اولیه همه این تصوف‌های رایج در این کشورها یکی است. منشا و ریشه آن از تصوف ایرانی است. در واقع اصل تصوف یکی است. اما در برخی نقاط حواشی هم به آن افزوده شده که با محیط و فرهنگ بومی آن مناطق بیشتر سازگار است؛ البته در بعضی از نقاط هم تصوف به سمت خرافات رفته است. کما این که در تصوف ایرانی هم در قرن نهم و دهم انحطاطی ایجاد شد. آن تصوف سهروردی تبدیل می‌شود به تصوف خانقاهی و کارهای زشت و انحرافات ...

بعضی از مقالات این مجموعه را تحسین برانگیز ارزیابی کرده‌اید. این مقالات به چه موضوعاتی می‌پردازند؟

در این مجموعه مقالاتی هست که نشان می‌دهد نویسنده در آن حوزه خیلی کار و تحقیق کرده است. زحمت بسیار کشیده تا به تمام جوانب و جهات قضیه اشرف پیدا کند و آن را روی کاغذ بیاورد. مقاله‌ای در این کتاب راجع به زمان هست، زمان در اسلام و در تصوف. وقتی این مقاله را می‌خوانید، می‌بینید چیزی راجع به مفهوم زمان از اول تا آخر و اصطلاحات قرآنی وقت، زمان، اوقات، واقعه و امثال اینها و آن جهان معنایی که قرآن گفته در بین گروه‌ها و فرقه‌های مختلف، قبل از اسلام و بعد از اسلام و ... پیدا است که این مقاله با تحقیق فراوان نوشته شده و تحسین برانگیز است. این مقاله فرق می‌کند با مقاله کسی که برای کنفرانس یک مقاله سرهم بندی شده ارائه می‌دهد.

یک نفر راجع به سیدعلی همدانی نزدیک به بیست سال کار و تحقیق کرده است، معلوم است این شخص وقتی راجع به او می‌نویسد چه از آب درمی‌آید. مقاله این شخص فرق می‌کند با مقاله کسی که مطالب دیگران را خلاصه نویسی می‌کند و به اسم خودش ارائه می‌دهد.

تئوکراسی وجود داشت، دموکراسی وجود داشت و انواع حکومت‌ها بودند. جمهوری بوده است. از قدیم از زمان افلاطون و ارسطو و سقراط به بعد این نوع حکومت‌ها بودند. در ادبیات هم شاخه‌ها و حوزه‌های مختلفی داشتیم. گرایش‌های مختلف و متضاد داشتیم. من معتقدم ادبیات در این حوزه‌ها راناباید به صورت بد و خوب تقسیم بندی کرد. متخصصان نقد ادبی می‌گویند اثر ادبی را نباید به صورت خوب و بد از نظر اخلاقی نگاه کرد، بلکه باید از منظر هنری به آنها نگاه کرد. در بعضی از جاها کارهایی که صوفیه کردند یقیناً جنبه‌های مثبتی هم در کارشان وجود داشت که باعث افتخار است برای ملت ایران و برای فرهنگ این سرزمین. خیلی حرف‌های مثبت برای گفتن دارند. جاهایی هم انحطاط داشتند و به بیراهه رفتند. من معتقدم که آن انحطاط هم اتفاقی بود که افتاد. نمی‌شود آن را از تاریخ حذف کرد و خط زد.

همان‌گونه که در تاریخ اسلام سرور و سالار شهیدان امام حسین (ع) را داریم، شمر را هم داریم. نمی‌توانیم شمر را از تاریخ حذف کنیم. عرفان و تصوف هم اوج‌های درخشانی در تاریخ دارند و دوران افول و انحطاط هم دارند.

جامعه در برابر این موارد خوب و بدش را خودش انتخاب می‌کند. آنچه خوب و اصل است، باقی می‌ماند و تداوم پیدا می‌کند، آنچه که بی‌پایه است و حقیقت ندارد، ممکن است چهار صباحی میدان داری کند، اما سرانجام ماهیتش روشن می‌شود و به انزوا می‌رود. برخی معتقدند علت عقب ماندگی جامعه ایران در طول تاریخ، همین عرفان و تصوف بوده است که مردم را به گوشه نشینی و پیشینه‌پوشی ترغیب می‌کرد و از فعالیت اجتماعی بازمی‌داشت.

طرح این مسائل برای ساده کردن صورت مسئله است و سطحی‌نگری است. به نظر من جامعه ایران مسائل و مشکلاتش در طول تاریخ عمیق‌تر از اینها بوده است که مثلاً یک حرکت از میان‌دها حرکت فکری به اسم تصوف در جامعه مشکل ایجاد کرده باشد. اگر برخی از صوفیان دعوت به عزلت و گوشه نشینی می‌کردند، خیلی‌ها هم از میان صوفیان بودند که این نوع برداشت‌ها را رد می‌کردند و وارد اجتماع می‌شدند و با مردم به کار و تلاش می‌پرداختند. مثلاً مولانا هیچ وقت مردم را دعوت نمی‌کرد که در گوشه‌ای بخواهید و در انزوا بمانید.

یک شاخه، یک گرایش در میان صوفیان بوده که زیچ نشینی و عزلت را تبلیغ می‌کرد که اتفاقاً این اندیشه خیلی هم اصل و ایرانی نبوده است. ریشه این اندیشه را می‌توانیم در یونان و هندوستان پیدا کنیم. این یک خط باریکی بوده که عده‌ای به دنبالش کشیده شدند. عده قلیلی پیرو این تفکر بودند. این عده قلیل در برابر کل جریان تصوف هیچ بودند. آن کسانی که حاکم بر کشور بودند و مقدرات ملت و کشور را در دست داشتند به عنوان پادشاه و وزیر که می‌توانستند هزار کار برای پیشرفت کشور انجام دهند، استبداد و کیش شخصیت به آنها اجازه نمی‌داد مردم را آزاد بگذارند تا فرهنگ گسترش پیدا کند.

عوامل بسیاری در عقب ماندگی جامعه نقش داشت که پیروان تصوف در مقابل این عوامل خیلی به حساب نمی‌آیند. اتفاقاً گاهی هم تحجر سبب عقب ماندگی جامعه بوده است و باعث شده که جامعه را کند و متوقف بماند. بسیاری از این موانع را حالا چه متصوفه ایجاد کرده باشند چه متشرعه، دوران گذشت، اما آنچه بیشتر از همه در این عقب ماندگی تأثیر گذار بوده، نقش

در بعضی از نقاط هم تصوف به سمت خرافات رفته است. در تصوف ایرانی هم در قرن نهم و دهم انحطاطی ایجاد شد. آن تصوف سهروردی تبدیل می‌شود به تصوف خانقاهی و کارهای زشت و ...

متفکران گذشته چیزی می‌تواند به دست بیاورد که راهنمای بشر امروز به سمت حقیقت باشد؟ چون اگر معتقد باشیم که حقیقت یک چیز بیشتر نمی‌تواند باشد، هر کسی راجع به حقیقت حرف زده دنبال یک چیز بوده است. حالا ممکن است شیوه‌ها فرق داشته باشد یا مسیر را اشتباه رفته باشند، اما همه نیت‌شان این بوده که به حقیقت برسند و به سعادت معنوی رهنمون شوند. بنابراین ماریسون، فارابی را که مدینه فاضله دارد و به ناکجا آباد معتقد است و تبلیغ این مباحث را می‌کند. این عربی هم حرف‌هایی در همین مقوله دارد اما با یک دید عرفانی - مذهبی صحبت می‌کند که همه آنها حالت تئوریک دارد. حالا ایشان معتقد است که نورعلی الهی آن گونه حرف‌های پیچیده و مبهم زده است. بلکه حرف‌هایی زده که به درد افراد معمولی و عادی بخورد و بفهمند که قضیه این عرفان عملی چیست؟ البته ایشان رهنمودها و دستورالعمل‌هایی در این ارتباط هم می‌دهد. کتاب آقای ماریسون در سال ۱۳۷۶ برنده جایزه کتاب سال شد و به ایران هم آمد و جایزه گرفت. زبان عربی اش خیلی خوب است و این عربی و آثارش را خیلی خوب می‌شناسد.

الان روی چه آثاری کار می‌کنید؟ چه کتابی در دست تالیف دارید؟

فعلاً جلد اول از «تاریخ ادبیات فارسی» است که قرار است در بیست جلد به انگلیسی تالیف و تدوین بشود و ناشر آن هم انتشارات سخن خواهد بود. من فعلاً روی جلد اول این مجموعه کار می‌کنم. امیدوارم طی یکی - دو ماه آینده آن را تحویل ناشر بدهم. یک جلد دیگر هم به عنوان جلد همراه دارد. این دو جلد فعلاً برای چاپ آماده شده است و امیدواریم که تا پایان سال یا اوایل سال آینده به بازار عرضه شود. این مجموعه از آغاز پیدایش ادبیات به زبان فارسی، یعنی از دوران قبل از اسلام شروع می‌شود و تا عصر حاضر را دربرمی‌گیرد. این یک طرح و پروژه خیلی قوی و بزرگ است. جلد اول این مجموعه، فقط به مقدمات تاریخ ادبیات اشاره دارد و معمولاً به مسائلی می‌پردازد که در تاریخ ادبیات زیاد به آن برمی‌خورید. تأثیر ادبیات عربی بر ادبیات فارسی، تأثیر ادبیات رومی و هلنیستی بر ادبیات فارسی و چیزهایی از این دست. البته در جلد‌های بعد به این موارد پرداخته می‌شود که غزل چیست؟ قصیده چیست؟ و مسائل دیگری که معمولاً در تاریخ ادبیات کشورها می‌آید. کاری که ما قصد انجام آن را داریم، تاکنون در تاریخ ادبیات فارسی کشور ما انجام نشده است، غزل، قصیده، رباعی و ... به صورت مفصل و جدا جدا بررسی می‌شود تا برسیم به خود تاریخ ادبیات و شرح زندگی‌ها و ... طرح بسیار مفصلی داریم که خدا می‌داند کجا به نتیجه برسد و چند سال طول بکشد.

اغلب آثاری که ترجمه و منتشر کرده‌اید حول محور عرفان و تصوف است یا به عرفان و صوفیان اختصاص دارد. گویا خودتان هم به این مقوله علاقه خاصی دارید با توجه به دیدگاه متضادی که درباره صوفیگری و عرفان وجود دارد؟

علت علاقه من به این حوزه این است که عرفان و تصوف بخش بزرگی از ادبیات ماست. ادبیات فارسی ما بدون عرفان و تصوف، ادبیات به آن صورت نیست. چاشنی و شیرینی ادبیات ما به خصوص از قرن چهارم به بعد عرفان است. من چون تحصیلات اولیه‌ام ادبیات فارسی بوده و خیلی به ادبیات این سرزمین علاقه دارم، طبیعی است که مقداری هم روحیه درویشانه داشته باشم. عرفان ما با ادبیات و شعر در هم تنیده است و من به شعر هم فوق العاده علاقه دارم، عشق و فکر من ادبیات است. این زمینه‌ها در من بود. بعدها هم که من به صورت جدی ترجمه را در این حوزه شروع کردم، از طرف نشر مرکز از من خواستند که چند کتاب برایشان در این حوزه ترجمه کنم. پس از آن دیگر خیلی جدی و فعال این مباحث را دنبال کردم و گرفتار شدم. البته گرفتاری از نوع خوب آن، یعنی عاشق وار وابسته به این حوزه شدم. من کاری به تضادهای تصوف و عرفان ندارم. اصلاً علم واقعی نمی‌باید چیزها را مقابل هم قرار دهد. به عنوان یک پدیده و به عنوان یک حرکت از میان همه حرکت‌ها که در تاریخ صورت می‌گیرد، مثلاً در تاریخ سیاسی



ضرورت آشنایی نسل امروز با هنر ایرانی از طریق کتاب

حلقه گمشده هنرهای کهن



کمک کنند، در غیر این صورت نمی توان بی مقدمه، طراحی های کهن با ویژگی های قدیمی را مقابل کودک امروز قرار داد.

آقاخان به این موضوع که باید هنرهای قدیم را برای کودکان مکتوب کرد، اعتقادی ندارد بلکه می گوید این نیازهای کودکان و نوجوانان امروزند که آنها را به سمت خواندن یک کتاب حرکت می دهد و تا زمانی که احساس نیاز در میان این قشر ایجاد نشود، آنها از یک کتاب استقبال نمی کنند. او اضافه می کند: «اگر کودک امروز با تصاویر جدید فانتزی ارتباط برقرار می کند و چیزی از طرح های اسلیمی ایرانی نمی داند، به این علت است که غریزه او، فانتزی را می پسندد و از طرفی احساس نیاز به دانستن و دیدن اسلیمی ها نکرده است، در نتیجه باید ابتدا به سمت تغییر ذائقه نسل جدید گام برداریم.»

آقاخان مسیری را که قرار است کودک و نوجوان امروز درباره هنرها و صنایع قدیم بدانند مسیری مستقیم نمی داند و معتقد است نیازی نیست در یک اثر مکتوب ویژه کودکان به صورت مستقیم ویژگی های بومی مطرح شود.

مثال آقاخان این گونه است: «اگر شما یک ایرانی را در نقطه ای بسیار دورتر از ایران ببینید، به احتمال زیاد بدون شناخت می گوید او یک ایرانی است، اما دلیلی برای گفته خود ندارید. حتی یک تصویر با ویژگی های بومی هم می تواند ایرانی و معرف ناگفته های فراوانی باشد.»

میناتور، در ایران پدیدار می شود، اما پس از مدتی به کشور ژاپن می رود و آنچه امروز به عنوان میناتور در ایران به آن پرداخته می شود، میناتور بازگشته از ژاپن است. اگر قرار است هنر ایرانی، ایرانی بماند باید سیر تکاملش را نوجوانان و جوانان همین خاک طراحی و اجرا کنند که بدون شک انتقال این گونه هنرها از طریق آموزش مستقیم در کتاب ها یا به کاربردن نمادهای هنرهای اصیل ایرانی حتی در کتاب های درسی می تواند به آشنایی نسل امروز با این هنرها و تضمین بقای دستاورد هنری هزاران ساله ایران بینجامد.

اقتصاد منطقه های مختلف کشور را هم زنده نگه می دارد. نگاه اقتصادی فرهنگی، دست ما را برای علاقه مند کردن کودکان و نوجوانان از طریق کتاب باز می گذارد و به ما اجازه می دهد با فراغ بال بیشتری فعالیت کنیم. به اعتقاد من معرفی هنر و صنعتی مثل موج بافی برای یک نویسنده کار دشواری نیست، چراکه این هنر به قدری زمینه کار برای او ایجاد می کند که او عملاً با مواد خام زیادی برای نگارش اثر روبرو روست.»

سوالی که مطرح می شود این است که با وجود زمینه تولید منابع مکتوب برای کودکان و نوجوانان، مشکل کجاست؟ یوسفی می گوید: «هنوز ناشران و نهادها برای این کار آستین بالا نزده اند. من نمی دانم مشکل کجاست، اما کودک و نوجوان امروز برای این که هویت خود را میان هنرها و صنایع مختلف جست و جو کند، نیازمند شناخت این هنرهاست و این شناخت را منابع مکتوب و غیر مکتوب در اختیار او می گذارند.»

این نویسنده کودک و نوجوان علاوه بر نگاهی که از بازشناسی فرهنگ بومی در کتاب های این حوزه ارائه می دهد، به زنده کردن اقتصادهای بومی از طریق تولید کتاب هم معتقد است. یوسفی می افزاید: «جهانگردی که به شهرهای مختلف ایران می آید، به دنبال هنر و صنایع کهن آن منطقه است و به نوعی می توان گفت از میان رفتن هنرهای قدیمی چرخه اقتصاد توریسم را برهم می زند و در مقابل پرداختن به این هنرها به چرخه اقتصادی کمک خواهد کرد. پیشنهاد من علاوه بر تولید کتاب های فارسی، تولید کتاب هایی با مضمون هنرها و صنایع کهن به شکل دوزبانه است. اکنون کتاب هایی به زبان های مختلف داریم که تنها به صورتی کوتاه به معرفی صنایع و هنرهای قدیمی ایران می پردازند، اما عملاً کارهای قوی در حوزه داستان که بتوانند تاثیرگذاری فراوانی داشته باشند، تولید نشده اند.»

کتاب به سمت اقتصاد بومی گام برمی دارد، سطرهایی که علاوه بر فرهنگ، می توانند بازار را هم مهیای حرکت کنند.

از سیروس آقاخان هم درباره پرداختن به هنر و صنایع قدیمی در کتاب های کودکان سوال می شود. او اعتقاد دارد این متن است که به تصویر سازی می گوید چه کند و چه چیزی را کجای تصویر قرار دهد.

او می گوید: «به نظر من ابتدا باید متون با مضمون هنرها و صنایع روی کاغذ بیابند تا تصاویر آنها را

و پته دوزی برای کودکان شهرنشین سخن گفته است. یوسفی می افزاید: «هنرها و صنایع کهن ایرانی بدون اغراق درونمایه های زیبایی اند که هم برای کتاب شدن ساختارمندند و هم جنبه بومی ملی دارند. علاوه بر آثاری که به طور خاص به این هنرها و صنایع می پردازند، همیشه دغدغه این را داشته ام که در آثارم شخصیت هایی خلق کنم که به نوعی با هنرها و صنایع قدیم در ارتباطند. به طور قطع این گونه نیست که مثلاً همیشه برای معرفی یک پته دوز، کتابی جداگانه نوشته شود تا این هنر مقابل کودکان و نوجوانان قرار گیرد، بلکه اشاره و خلق شخصیت هایی مرتبط با این شخصیت ها نیز به زنده کردن آنها کمک می کند.»

این نویسنده برخی از هنرها را با ادبیات فلکلور ایران در ارتباط می داند و معتقد است تاکنون تلاش قابل ملاحظه ای برای حفظ این هنرها برای کودکان و نوجوانان صورت نگرفته است.

وقتی کتابی با مضمون پته دوزی در دستان کودک بلوچ قرار می گیرد، احتمالاً او احساس می کند به سرزمین او توجه شده است. کودک همدانی وقتی متوجه شود ایران به چرم سازی این منطقه می بالد، به یقین برای استنادی که از بی شاگردی هنرهایشان رنج می برند، شرایط عوض می شود. گیلائی ها هم علاوه بر بالیدن به سفال های بی نقص املش، شال بافی مردم تالش را می ستایند یا به چارق دوزی مردم ماسوله نگاه ویژه ای دارند.

یوسفی می گوید: «چندی پیش مجموعه مستندی برای شبکه ۲ سیما درباره معرفی هنرهای کهن نگارش کردم که ۱۶ قسمت آن تولید و پخش شد، اما کار در نیمه راه، بی نتیجه رها شد.»

او می افزاید: «اساس و مبنای برخی از هنرها و صنایع در حال از بین رفتن اند. مگر چند نفر در ایران روی پرده نقاشی می کنند، حرفه آنها نقاشی روی چوب است یا موج بافی میان نسل جدید چه جایگاهی دارد؟ من در ضرورت معرفی این هنرها به کودکان و نوجوانان به ویژه از طریق آثار مکتوب تردیدی ندارم.»

چگونگی پرداختن به این هنرها و صنایع، سوالی است که یوسفی در پاسخ به آن می گوید: «ابتدا نیازمند یک حمایت و اراده قوی هستیم، ما باید بدانیم اگر استنادی که اکنون در قید حیاتند، از میان ما بروند، کار بسیار دشوارتر خواهد شد. از طرفی من معتقدم زنده شدن هنرها علاوه بر ویژگی های فرهنگ بومی،

سفالگری را ۱۰ هزار سال پیش زنان اختراع کردند. از آن وقت تاکنون چرخ سفالگر ایرانی مخالف عقربه های ساعت می چرخد و از خاک رس، کوزه و پیاله بیرون می آید. از سفال های چند هزار ساله اصفهان تا سبذبافی یزد فاصله زیادی نیست، اگر هم قرار است سری به سرامیک سازان یزد، علاوه بر صفحه مدوری که بیسکویت های سرامیک روی آن شکل می گیرند، لعاب کاری و رنگ آمیزی زیبای سرامیک های ایرانی نیز انتظارتان را می کشد. کاغذهای زیادی در گذشته رنگ و بوی تذهیب و مینیاتور ایرانی را گرفته اند، اما این روزها رنگ و بوی برخی صنایع و هنرهای قدیمی از مشام انسان های شهرنشین مدرن دور شده است.

محمدرضا یوسفی که خود کتاب های زیادی برای کودکان و نوجوانان نوشته است، می گوید: «نباید این هنرها را از دست بدهیم» اما سیروس آقاخان تصویرساز مطرح کتاب های کودک و نوجوان معتقد است: «این نیاز کودک و نوجوان امروز است که او را به سمت تولیدات فرهنگی مختلف هدایت می کند.»

این دو دیدگاه است که بر پایه آن موضوعی با عنوان ضرورت پرداختن به هنرها و صنایع کهن ایران مطرح می شود.

احتمالاً کودکان و نوجوانان زیادی درباره پولک دوزی بلوچ ها چیزی نمی دانند یا از نقش هایی که مشهدهای ها روی سنگ حک می کنند، سخنی به گوششان نخورده است.

محمدرضا یوسفی معتقد به ضرورت پرداختن به این هنرهاست. او می گوید: «این هنرها اصولاً سینه به سینه جلو آمده و اگر امروز شاگردی نباشد که تحت آموزش استادان قرار گیرد، عملاً آن هنر دست کم در منطقه ای خاص از میان می رود و احیای آن کار بسیار دشواری است.»

۴۰۰ کیلومتری پایتخت ایران در میدان نقش جهان اصفهان، هنر و صنایعی اند که شاید نفس های آخرشان را می کشند. یوسفی در کتاب «کوزه گر جوان» اش سفالگری را مقابل کودک امروز قرار می دهد و در اثر «قلمزن و آیین» تصویری از یک قلمزن را بازسازی می کند. او کتاب دیگری با عنوان «دختران خورشید» دارد که به طور خاص صحبت از سفالگری در میبد یزد به میان می آورد.

در کتاب های دیگری هم که انتشارات سروش از یوسفی به بازار نشر فرستاده، او به تفصیل از گلیم بافی

علی شیرزاد، طراح و گرافیست

دم دستی کردن ویژگی های بومی

در جوامع مدرن امروز که تکنولوژی با سرعت فوق العاده ای در حال رشد است، نبود یا کمبود هنرهای بشری و صنایع دستی به شکل چشمگیری احساس می شود. از این روست که احیا، استمرار و آموزش امری جدی در این حوزه به حساب می آید.

استقبال از چاپ پارچه و طراحی لباس با استفاده از هنر خطاطی، نشان از علاقه نسل جدید به هنر ایرانی دارد و این خود عامل تغییر نگرش و زیبایی شناسی بومی و میهنی نوجوانان و جوانان ماست. دور شدن از هنرهایی که امروز ضرورت احیای آنها میان کودکان و نوجوانان احساس می شود، به یقین طی پروسه ای انجام شده و بازگشت به حال و هوای آن صنایع و هنرها هم نیازمند طی پروسه ای است. به اعتقاد من، برای کودک امروز که کمتر از قلم زنی، پته دوزی و خطاطی ایرانی می داند، باید این هنرها و صنایع را «دم دستی» کرد. برای دم دستی

غیردرسی از نقش آموزش بیشتر بهره برد.

گاهی دیده می شود که تصویرسازان کتاب های کودک عملاً برخی مضامین غیرایرانی را به خط ها و داشته های ایرانی ترجیح می دهند. این موضوع شاید به نوع نگاه جشنواره ای (جشنواره های تصویرگری خارجی) آنها بازمی گردد، اما در واقع نوعی بومی گرایی را در مخاطب کودک و نوجوان دامن می زند. زمانی که فلان هنرمند و تصویرساز طرح هایی بر مبنای ویژگی های غریب بومی می زند، چشم کودک عملاً به آن ویژگی ها عادت می کند و تغییر این نگاه و چشمی که آن ویژگی ها برایش دم دستی شده، دشوار است.

از طرفی اگر قرار است هنر کهن یا هنر جدید به کودک آموزش داده و برای او دم دستی شود، به کارشناسان متخصص نیاز است. باید توجه داشت که به عنوان مثال، مربی پرورشی دبستان ها توانایی آموزش خط یا آشنا کردن کودکان با مینیاتور ایرانی را ندارد، بلکه باید از کسانی که از چارچوب ذهنی مطلوب و تخصصی لازم در آموزش برخوردارند، استفاده شود.

کردن این هنرها می توان از کتاب های درسی و غیردرسی بیشتری بهره را برد. شخصیت کتاب مورد علاقه کودکان و نوجوانان زمانی که یک پته دوز یا سفالگر قهار است، خود به خود ذهنیت جدیدی از این هنر در ذهن کودک ایرانی شکل می دهد؛ در صورتی که اکنون موضوعات و کاربردهای دم دستی کودکان که روزانه با آنها سروکار دارند، چیزهای دیگری اند و نه هنرها و صنایع قدیم.

مسئله اینجاست که باید قطعه ای قلم زنی شده با نمادهای تاریخی یا اسطوره ای را در دسترس نوجوان امروز قرار داد و راه بالیدن به آن را هم به او آموخت.

باید به پارچه و دستمال یزدی فرصتی داد تا با طرح های «بربری» جدید رقابت کنند. گاهی ما فرصت عرضه اندام را از هر نوع هنر و صنایع قدیم گرفته ایم.

آموزشی که «الاسول» در مدل ارتباطی خود از آن به عنوان یکی از اصلی ترین وظایف رسانه ها یاد می کند، کمتر در رسانه ای نظیر کتاب مورد توجه قرار گرفته است و به نظر من باید در کتاب های درسی و

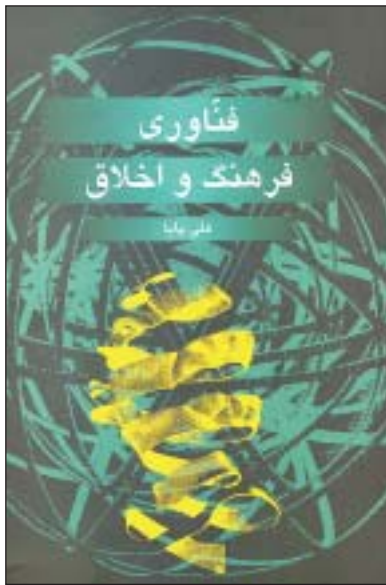
درنگی بر اثری از علی پایا

فناوری و فرهنگ در ترازوی اخلاق

ضرورت می‌یابد: آیا اخلاق مبتنی بر زیست جهانی که از این میزان پیشرفت تکنولوژی بهره نداشت، در جهان تکنولوژیک امروز که پیشرفت تکنولوژی یکش هم بسیار سریع است، همچنان کاربرد دارد یا خیر؟ پایا به نظریات برگسن اشاره می‌کند که بنا بر آنها، جنبه‌های هنجاری و ارزشی در زندگی آدمی زمانی مطرح می‌شوند که نیازهای اولیه و بیولوژیک وی برطرف شده باشد و تکنولوژی در برطرف کردن این نیازها نقشی اساسی دارد. ولی همین‌جا می‌شود هرم نیازهای اساسی آبراهم مزلو را به یاد آورد که اگرچه در آن نیازهای قوی تر و اساسی تر در سلسله مراتب طبقات پایینی هرم قرار دارد و نیازهای پیچیده تر چون نیازهای عاطفی و امنیتی در مراتب بالاتر، اما او تصریح دارد که برای برخی انسان‌ها این امکان وجود دارد که بدون ارضای نیازهای طبقات پایین، نیازهای پیچیده تر طبقات بالایی را برطرف کنند. به هر حال به نظر می‌رسد قصد نویسنده از اشاره به آرای برگسن، توجیه پررنگ بودن نقش تکنولوژی در جهان امروز بوده؛ نه عمومیت بخشیدن به آن آرا درباره تمامی انسان‌ها.

اشاره بعدی پایا به آرای کاسیرر است. کاسیرر یادآور شده بود که تکنولوژی نه تنها هنجارهای خود را تحمیل می‌کند، بلکه این گرایش را نیز پدید می‌آورد که این هنجارها را تنها هنجارهای مشروع و معتبر، که معیار سنجش دیگر قلمرو هاست، بشناساند. این جنبه از جمله میزبه‌هایی است که بر میزان تاثیر و اهمیت تکنولوژی دو چندان می‌افزاید. (از متن کتاب، صفحه ۴۳) ولی باید یادآوری کرد که اگرچه کاسیرر چنین نظری ابراز می‌دارد آن را در ادامه نقدی که بر آشفنگی کامل اندیشه‌ها در جهان جدید دارد ارائه می‌دهد. اگر کاسیرر چنین می‌گوید، اما در واقع از آن به مثابه یک خطر و به وجهی سلبی یاد می‌کند؛ نه به وجهی ایجابی. در حالی که در متن پایا، دست کم در این بخش، برداشتی که از مطالعه این باور کاسیرر به مخاطب منتقل می‌شود، وجهی ایجابی و مثبت در خود دارد و او را تشویق می‌کند که سیطره و قدرت تکنولوژی را به رسمیت شناخته و بدان گردن نهد. اگرچه مورد دیگری از آرای کاسیرر، موبد نظرات پایاست؛ آنجا که می‌نویسد: «هر بحران عظیمی در اندیشه‌های بشر معمولاً با بحران عمیقی در سلوک اخلاقی و اجتماعی او همراه است.» از نظر کاسیرر، تکنیک‌های جدیدی که به ویژه در حوزه رسانه‌ها در قرن اخیر معرفی شده‌اند، امکان اسطوره‌سازی مدرن را به بشر بخشیده‌اند و این اسلوب اسطوره‌سازی، در وهله نخست، به منظور کنترل اندیشه‌ها ایجاد شده است؛ نه بارورسازی فکری حیات بشری. کاسیرر در کتاب «اسطوره دولت» به ترجمه یدالله موقن نوشته است: «تحول فن اسطوره‌سازی برای قرن ما، یعنی عصر تکنولوژی، ذخیره شده بود. از این پس می‌توان اسطوره‌ها را به همان معنا و بنا بر همان روش‌هایی ساخت که سلاح‌های مدرن مانند مسلسل و هواپیما را می‌سازند. فن اسطوره‌سازی چیز تازه‌ای است؛ چیزی که اهمیت حیاتی دارد و تمامی اشکال حیات اجتماعی مارادگرگون کرده است.» (اسطوره دولت، صفحه ۴۱)

«فناوری، فرهنگ و اخلاق» به قلم دکتر علی پایا، در شمارگان هزار نسخه و به بهای ۳۵۰۰۰ ریال از سوی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات به چاپ رسیده است.



سده اخیر است که علم گاه از تکنولوژی پیش افتاده، نمونه‌اش نظریه نسبیت انیشتین که بدون کمترین نیازی، چه در حوزه نظری و چه در حوزه عملی، و صرفاً به مثابه نمودی از نبوغ نظریه پرداز ارائه شد. همان‌طور که پایا، خود تصریح دارد، حتی در سده نوزدهم نیز بنیان تکنولوژی‌های جدید اطلاعات بسیار کمی از علوم نظری‌ای داشتند که پشتیبان ابداعات و اختراعات آنها بود. پس با تمام اینها چرا باید تکنولوژی را در قیاس با موجودی دیگر سنجید؟ برای پاسخ به این پرسش باید نخست به پرسش دیگری پاسخ داد؛ آیا هدف پایا تعریف تکنولوژی بوده یا توصیف مشخصه‌های اصلی‌اش؟ آنچه از مطالعه کتاب برمی‌آید، این است که اصولاً قصد نویسنده از تألیف این کتاب، در حوزه همان نوع پژوهش‌هایی می‌گنجد که او «پژوهش‌های کاربردی» می‌نامد. اگرچه به دلیل نوع نگرش کلی پایا به مقولات مختلف که خاستگاه آن را باید در مطالعات نظری‌اش در رشته اصلی آکادمیکش، یعنی فلسفه علم جست‌وجو کرد، مطالب کتاب گاه به شدت صبغه‌ای نظری می‌گیرند. ولی در تحلیل نهایی، کتاب او نمونه‌ای از پژوهش‌های کاربردی است، نه پژوهش‌های بنیادی. اگر این کتاب پژوهشی بنیادی می‌بود، باید انتظار تعریف‌هایی دقیق از او می‌داشتیم؛ چه از فناوری، چه از فرهنگ و چه از اخلاق.

«در حالی که هدف علوم طبیعی، کشف و فهم واقعیت‌هایی است که وجودشان مستقل از فاعلان شناسایی فرض می‌شود، هدف تکنولوژی‌های پیش‌بینی و کنترل پدیدار هاست. در حالی که نظریه‌های علمی تا حد زیادی مستقل از ظرف‌ها و زمینه‌هاست، تکنولوژی‌ها به ظرف‌ها و زمینه‌ها و بافت‌ها حساسند... (در علوم نظری) معیار پیشرفت، نزدیک شدن به حقیقت از طریق حدس‌ها و ابطال‌هاست و در دومی (تکنولوژی) معیار پیشرفت، کامیابی در حل مسائل علمی است. کاربرد آنچه معرفت ضمنی‌ناهمیده می‌شود، در حوزه تکنولوژی، به مراتب بیشتر از علوم طبیعی است...» (از متن کتاب، صفحه ۴۱) همچنین از نظر پایا، تنوع وجه شباهت علوم و تکنولوژی هاست.

او تأکید دارد که تکنولوژی‌های نوعی طبیعت‌ثابتی برای بشر خلق کرده‌اند. پس همین‌جا مشخص می‌شود که چرا بحث از اخلاق در جهان جدید

«سلول‌های بنیادی: مبانی، کاربردها و چالش‌ها» فصل‌های زیر را شامل می‌شود: سلول‌های بنیادی؛ ملاحظات علمی، برخی ملاحظات اخلاقی-فلسفی مربوط به تحولات در حوزه پژوهش‌های سلول‌های بنیادی، منافع اقتصادی تحقیقات در سلول‌های بنیادی، جنبه‌های بین‌المللی تحقیقات در حوزه سلول‌های بنیادی، نتایج و پیشنهادها، کتاب با بخش منابع و مأخذ در سه صفحه، پایان می‌گیرد که در آن نام ۴۱ منبعی که در تألیف کتاب استفاده شده‌اند، ذکر شده است. از این منابع، ۱۱ عنوان از آثار فارسی و ۳۰ عنوان از کتاب‌های منتشر شده در دیگر کشورها به زبان انگلیسی است.

درباره تأملات پایا در حوزه فناوری

بخش نخست این کتاب تأملات و نوع نگرش پایا را درباره فناوری و فرهنگ، به طور کلی، مشخص می‌کند و بخش دوم، صرفاً به بحث در حوزه سلول‌های بنیادی اختصاص دارد. او در فصل دوم بخش نخست، تحت عنوان «چیستی تکنولوژی» با اشاره به اتفاقی و گاه به گاه بودن پیشرفت‌های تکنولوژیک تا پیش از دویست سال پیش، به رشد شتابان آن در دو قرن اخیر تأکید می‌کند. پایا تصریح می‌کند که شمار پژوهشگرانی که توانایی پیش‌بینی روندهای آینده تحولات تکنولوژیک را دارند، در دست‌به‌دلیل همین رشد شتابان، چندان زیاد نیست. به باور پایا، در سال‌های اخیر، علم و تکنولوژی به دو «هستونند» هم‌عنان یادوقلوی هم بدل شده‌اند. این ارتباط بین پایه‌های مختلف علم نظری و تکنولوژی، از نظر پایا، ارتباطی برهم‌افزاست و به رشد دوسوی این معادله یاری می‌رساند و از سوی دیگر، منجر به پیدایی دو نوع پژوهش تحت عناوین کلی «پژوهش‌های بنیادی» (مرجوع به ساحت علم) و «پژوهش‌های کاربردی» (مرجوع به ساحت تکنولوژی) شده است.

تا اینجا مشخص است که ورود پایا به بحث درباره تکنولوژی، ورودی قیاسی براساس مقایسه جنبه‌ها و ویژگی‌های خاص علم و تکنولوژی است. چرا او تکنولوژی را بذات تعریف نمی‌کند؟ پاسخ به این پرسش به ویژه از آن جهت اساسی است که تکنولوژی، دست کم در نخستین نمود هایش مانند اختراع چرخ، ارتباطی با علم، به ویژه به معنایی که امروزه از علم مراد می‌کنیم ندارد. بسیاری از منجیق‌های اولیه که سده‌های متمادی در جنگ‌ها استفاده می‌شد، بسیاری از تیر و کمان‌ها، شمشیرها، خانه‌ها، خیش‌های شخم‌زنی، دوک‌های نخ‌ریسی و موارد بسیار دیگر از این دست، بدون کوچک‌ترین اطلاعی از علم فیزیک کلاسیک و حتی علم، به آن معنایی که طالس و ازشمیدس را بنیان‌شان می‌دانیم، پدید آمده‌اند. پس تکنولوژی دست کم در نخستین نمود هایش، راهی مستقل را در پیش گرفته بوده است. تنها در دو سه

«واقعیت این است که هنوز بسیاری از افراد و از جمله روشنفکران در جامعه مادچار این توهم‌اند که بدون عبور از کوره تجربه‌های سختی که کشورهای پیشرفته از آن گذر کرده‌اند و بدون دست و پنجه نرم کردن با مشکلاتی که از اقتضانات زایمان دردناک تولد جهان مدرن است، می‌توان یک شبه به ثمرات مدرنیته دست یافت و کشور را گلستان کرد.» (از متن مصاحبه علی پایا با پایگاه اطلاع‌رسانی جامعه‌شناسی ایران)

کتاب «فناوری، فرهنگ و اخلاق» که اخیراً به قلم علی پایا منتشر شده، پاسخی است به همین نیاز؛ پاسخی به نیاز جامعه ایرانی به دانستن معنای پدیده‌هایی که در نتیجه آشنایی با تجربیات جهان مدرن، دفعتاً و ناگهانی، با آنها مواجه می‌شود و این مواجهه سریع، چندین دهه است که با سرعت و حدت ادامه دارد.

علی پایا، دانش‌آموخته دبیرستان البرز و دکترای فلسفه علم از دانشگاه لندن (۱۹۵۵)، تاکنون کتاب‌ها و مقاله‌های پرشماری در حوزه پژوهشی خود به چاپ رسانده است.

پایا همچنین ویراستار ارشد در انتشار کتاب «معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و کاربردهای آینده‌اندیشی: مجموعه مقالات و سخنرانی‌های نخستین کارگاه آینده‌اندیشی» بود که در سال ۱۳۸۴ از سوی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری منتشر شد. از میان ترجمه‌های او، «درس این قرن» یک بار هم با برگردان کوروش زعیب با نام «آزادی و مسؤلیت روشنفکران» از سوی نشر ایران مهر در سال ۷۹ به چاپ رسیده است.

علی پایا دانشیار رشته فلسفه و مدیر گروه آینده‌اندیشی در مرکز تحقیقات سیاسی علمی و استاد مدعو در مرکز تحقیقات درباره دموکراسی در دانشگاه وستمنستر است.

فناوری، فرهنگ و اخلاق

پایا در پیشگفتار کتاب می‌نویسد: «دفتری که پیش رو دارید در بردارنده دو پژوهش مستقل، اما مرتبط در باب شماری از موضوعات است که در سال‌های اخیر هم از جنبه نظری و هم در عرصه عملی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار شده‌اند. از آغاز ظهور بشر روی زمین، فناوری و فرهنگ به‌منزله دو پدیده ساخته بشری، در کار شکل دادن به جوامع انسانی بوده‌اند و هر یک در تعامل با دیگری و سایر عوامل موجود در زیست‌بوم‌های طبیعی و معرفتی مستمرا دستخوش تحول شده‌اند. پیدایی و شکل‌گیری سپهر اخلاقی نیز عمری همتای پدیدار شدن زندگی جمعی دارد.»

این سطور، تا حدی مشخص‌کننده اندیشه‌ای است که موجب شده پایا این سه کلیدواژه (فناوری، فرهنگ و اخلاق) را در کنار یکدیگر ببیند و به بررسی آن بنشیند. اگرچه بنا به تعریف‌هایی که تاکنون از فرهنگ ارائه شده، ممکن است برخی متخصصان بر این باور باشند که فرهنگ، اعم از اخلاق و اخلاق، اخص از فرهنگ است.

بخش نخست این کتاب با عنوان «فناوری‌های نو و فرهنگ» شامل فصل‌های زیر است: تأملی در معنا و مضمون فرهنگ، چیستی تکنولوژی، درباره آینده‌اندیشی و ویژگی‌های آن، تکنولوژی اطلاعات، تکنولوژی زیستی، نانو تکنولوژی، تکنولوژی‌های نو و فرهنگ: جنبه‌های اجتماعی و انسانی، پیشنهادها، ملاحظات درباره ایران، بخش دوم کتاب نیز با عنوان

همواره فناوری و فرهنگ

در کار شکل دادن به جوامع انسانی بوده‌اند و در تعامل با دیگر عوامل موجود در زیست‌بوم‌های طبیعی و معرفتی مستمرا دستخوش تحول شده‌اند



آزاده سیدین

رشد سریع تکنولوژی در کشورهای در حال توسعه و توجه کم به نیروی کار، سبب ایجاد شرایط دشوار برای کارگران شده است. این اوضاع در حالی ایجاد شده که صاحبان نظران حوزه ایمنی و بهداشت حرفه‌ای، نیروی کار سالم را محور توسعه پایدار می‌دانند و معتقدند تنها با تکیه بر چنین نیرویی می‌توان به اهدافی چون رشد اقتصادی و ارتقای سطح رفاه جامعه دسترسی یافت. بنابراین آنها مدیران مراکز صنعتی را موظف می‌دانند که سلامتی کارگران و همچنین به کارگیری راهکارهایی برای تطبیق وضعیت کار با شرایط جسمی و روانی آنها را در اولویت کاری‌شان قرار دهند تا بتوانند از مزایای وجود نیروی انسانی سالم بهره‌مند شوند. کتاب «مدیریت ایمنی و بهداشت شغلی» ترجمه مهندس باقر دلخوش که به تازگی توسط انتشارات فن آوران چاپ شده است به این مقوله علمی مهم می‌پردازد. برای آشنایی بیشتر از محتوای کتاب با مترجم آن گفت‌وگو کرده‌ایم. مهندس دلخوش عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی سمنان است که ۱۵ سال سابقه کار پژوهشی و مدیریتی در زمینه بهداشت حرفه‌ای دارد.

گفت و گو با مهندس محمد باقر دلخوش مترجم کتاب «مدیریت ایمنی و بهداشت شغلی»

بهداشت حرفه‌ای؛ محور توسعه پایدار

کرده‌ام که برقراری این نوع ارتباط برای صنایع ما هم میسر است؛ چرا که بیشتر سازمان‌های بین‌المللی دارای وب سایت هستند و از طریق آن می‌توان با کارشناسان مختلف مرتبط شد و از آنها در پاسخگویی به نیازهای علمی موجود کمک طلبید. تنها تفاوت موجود به اجرای بعضی از قوانین و استانداردهای حاکم در کشورهای پیشرفته، که توسط همین سازمان وضع شده‌اند، مرتبط می‌شود. از جمله آنکه صنایع کشورهای جهان اول در مقابل رعایت نکردن بعضی استانداردها مواخذه می‌شوند، در حالی که ممکن است چنین قوانینی در کشور ما وجود نداشته باشند. آیا ایمنی و بهداشت حرفه‌ای در سایه مدیریت جامع مدیران حاصل می‌شود یا کارگران هم در این زمینه نیاز به آموزش دارند؟

دقیقاً به این پرسش شما در کتاب پاسخ گفته شده که مهم‌ترین راه دسترسی به یک مدیریت راهبردی در ایمنی و بهداشت شغلی این است که بالاترین بخش مدیریت یک مجموعه با ضرورت اجرای چنین علمی آشنا باشد. هر چه کارمندان در سمت‌های پایین چنین ضرورتی را بشناسند اما مدیر ارشد به آن توجهی نکند، هیچ اقدام مثبتی برای حفظ نیروی کار ماهر انجام نخواهد شد. در کتاب گفته شده پس از این مرحله نوبت آموزش است که باید همه سطوح مدیریتی و اجرایی از جمله مدیران ارشد، میانی، سرپرستان و ناظران با اصول مدیریت در علم ایمنی و بهداشت حرفه‌ای آشنا شوند.

کارگران نیز که از سطح سواد اطلاعاتی متفاوت با مدیران برخوردارند به همین نوع آموزش نیاز دارند؟

البته هر چقدر سواد و آگاهی افراد بیشتر باشد زودتر با علوم جدید آشنا می‌شوند. در این کتاب آمده که باید مدیران به آموزش کارگران در حوزه ایمنی و بهداشت حرفه‌ای اهمیت بدهند تا انگیزه، نشاط و سلامت نیروهای کار حفظ شود. برای رسیدن به این مهم مدیران موظفند ابتدا سطح علمی کارگران و شاغلان در محیط کار را بسنجند و متناسب با آن به آموزش آنها بپردازند. امروزه بسیاری از کارگران ما دارای حداقل سواد بوده و حتی بسیاری از آنها دیپلمه هستند که همین امر آموزش آنها را ساده کرده است. اما در کتاب برای افراد با سطح سواد پایین راه حل‌هایی مثل نمایش فیلم یا گفت‌وگوی چهره به چهره ارائه شده است.

مخاطبان کتاب چه کسانی هستند؟

همه کسانی که در رشته بهداشت حرفه‌ای تحصیل می‌کنند، مدیران صنایع و تمام افراد شاغل در بخش‌های مختلف صنعت می‌توانند از مطالب کتاب استفاده کنند.

آیا این کتاب می‌تواند به عنوان یکی از منابع علمی در دانشگاه‌ها تدریس شود؟

تاکنون در این باره کتابی نداشته‌ایم که دانشجویان رشته بهداشت حرفه‌ای آن را مطالعه کنند. اکنون هم بسیاری از استادان بعضی مطالب این کتاب را در کلاس‌های درس مطرح می‌کنند و بعید نیست در آینده‌ای نزدیک به عنوان کتاب درسی به دانشجویان معرفی شود.



در یک کشور توسعه یافته رخ داده یا در حال توسعه، که فقط کشورهای پیشرفته از نظر تکنولوژی یک قدم از ما جلوترند و ما یک قدم از آنها عقب‌تریم. در علم مدیریت ایمنی و بهداشت شغلی تنها این مساله مهم است که اقداماتی انجام شود تا شاهد بروز حوادث خطرناک نباشیم.

اما در بخش‌هایی از کتاب، به ارتباط صنایع با سازمان‌های بین‌المللی مثل OSHA اشاره شده است. آیا صنایع ما نیز با چنین مراکزی در ارتباطند و می‌توانند از حمایت‌های آنان بهره‌مند شوند؟ ما پژوهشگران از انجام کارهای مطالعاتی و تحقیقاتی دو هدف مهم را پیگیری می‌کنیم. یکی از این اهداف پیشبرد مرز علمی کشور است و دیگری به حل یک معضل علمی کمک می‌کند. من در ترجمه این کتاب به هر دو این اهداف توجه داشته‌ام و فکر می‌کنم تا حدودی نیز موفق بوده‌ام. یعنی برای پیشرفت مرزهای علمی کشور، همکارانم را با آن علم مدیریت ایمنی و بهداشت شغلی که در دنیا حاکم است آشنا کرده‌ام و گفته‌ام که در کشورهای پیشرفته این علم چگونه تعریف می‌شود و کاربردش در صنایع چگونه است. برای درک بهتر این مفاهیم نیز به ارتباط صنایع با سازمان‌هایی مثل OSHA اشاره

آنها با خواندن این مجموعه علمی متوجه می‌شوند که برای مدیریت کارگران در هر نوع محیط کاری، از کجا شروع کنند و از چه کسانی کمک بگیرند. اما بخش گسترده‌ای از مطالب کتاب به محیط‌های صنعتی اشاره دارد.

این کتاب توسط نویسنده‌ای خارجی تالیف شده است که من آن را به فارسی ترجمه کردم. نویسنده با توجه به رشد روزافزون تکنولوژی، به خصوص در کشورهای اروپایی و آمریکایی، با استفاده از تجربه‌های شخصی‌اش در مناطق و محیط‌های کار صنعتی و وسیع این کتاب را نوشته است. اگر چه مطالب رویکرد صنعتی دارند اما می‌توان از راه حل‌های ارائه شده به‌طور عمومی در همه محیط‌های کار استفاده کرد.

آیا مطالب کتاب عیناً ترجمه شده‌اند یا مفاهیم را با توجه به شرایط بومی کشورمان تغییر داده‌اید؟ مطالب کتاب کاملاً ترجمه شده هستند و مفهومی را به آنها اضافه نکرده‌ام. ایمنی در همه دنیا به یک شکل مطرح می‌شود و از نظر علمی یک محتوا دارد. وقتی می‌خواهیم نوع حوادث احتمالی در محیط‌های کار را بررسی کنیم دیگر مهم نیست که این واقعه در کجا اتفاق افتاده است. همچنین مهم نیست حادثه

چرا مدیریت ایمنی و بهداشت در محیط‌های صنعتی تا این اندازه برای شما دارای اهمیت است که در این کتاب به آن پرداخته‌اید؟

امروزه انسان را محور توسعه می‌دانند و همین امر سبب شده است تا مدیران صنعتی ما - که در مقابل مدیریت ایمنی و بهداشت شغلی در محیط‌های کار مقاومت می‌کردند - اکنون برای رسیدن به این مهم از کارشناسان بهداشت حرفه‌ای در دانشگاه‌ها کمک بطلبند. برای من که مدت ۱۵ سال در صنعت کار می‌کنم و به‌طور مستقیم با مدیران در کارخانه‌ها تماس دارم، چنین پدیده‌ای بسیار تازه است. امروزه مدیران از ما در دانشگاه‌ها می‌خواهند که کارشناسانی را معرفی کنیم تا آنها را در بالا بردن انگیزه و نشاط کار کارگزارانشان یاری رسانند. همچنین به آنها بگویند چگونه نیروی کار ماهرشان را حفظ کنند یا چگونه از بروز حوادث خطرناک در کارخانه‌ها جلوگیری کنند. مدیران ما متوجه شده‌اند که تنها با داشتن نیروی کار سالم است که صنعتشان پیشرفت می‌کند و به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت اقتصادی خود دسترسی می‌یابند. با توجه به تقاضای گسترده به چنین پدیده‌ای، لازم دیدم که بحث بهداشت و ایمنی را در صنعت مطرح کنم. همچنین تا حالا کتابی با این موضوع نداشته‌ایم و در تمام دوره تحصیلم با فقدان چنین مباحثی مواجه بودم.

آیا علم بهداشت حرفه‌ای در سال‌های اخیر در دنیا مطرح شده است یا قبلاً هم به آن پرداخته‌اند؟ مباحث مرتبط با این رشته تخصصی، سالیانی طولانی است که فکر بشر را به خود مشغول کرده است. هر گاه انسان ابزاری می‌ساخت که می‌دید با شرایطش تناسب ندارد، آن را تغییر می‌داد. یا مثلاً اگر پس از مدت‌ها کار در یک محیط، دیگر احساس شادابی نداشت، فکر می‌کرد که چرا این حالت برای وی اتفاق افتاده است. پزشکان، با مطالعات فراوان در این باره متوجه شدند که افراد شاغل، عوارض مرتبط با محیط کار و نوع شغلشان را بروز می‌دهند و نیاز به مدیریت دارند. به مرور زمان این علم پیشرفت کرد تا به عصر صنعت و ظهور تکنولوژی در دنیا رسیدیم. زمانی که صنعت و تکنولوژی در دستور کار مدیران محیط‌های صنعتی قرار گرفت نیاز بشر به ایمنی و بهداشت حرفه‌ای بیشتر شد و این علم جنبه عمومی‌تری یافت. تا آنجا که امروز شاهدیم کتاب‌ها و مقالات زیادی در این باره نوشته می‌شوند و نگارش این کتاب هم پیر و همین جریان است.

آیا در این کتاب فقط به ایمنی و بهداشت شغلی در محیط‌های کار صنعتی اشاره شده است؟

خیر. ایمنی و بهداشت در همه حرفه‌ها و محیط‌هایی که افرادی در آن شاغل هستند مطرح می‌شود و در این کتاب نیز به آنها اشاره شده است. من در این کتاب گفته‌ام که چگونه متخصصان بهداشت حرفه‌ای به علم ایمنی و بهداشت شغلی نگاه کنند تا بتوانند آن را مدیریت کنند. راهکارهای بسیار مفیدی ارائه شده است تا تئوری‌های موجود در حوزه مدیریت ایمنی و بهداشت اجرایی شوند.

مدیریت ایمنی و بهداشت شغلی

این کتاب دارای یک رویکرد مدیریتی به بحث ایمنی و بهداشت شغلی است که برای مدیران زیرساخت فکری را ایجاد می‌کند تا بتوانند نیازهای اختصاصی مربوط به بهداشت و ایمنی شرکت خود را مدیریت کنند. به همین منظور، در انتهای کتاب منابع مختلفی معرفی شده است که اطلاعات بیشتری درباره مکان‌های کاری مختلف در اختیار مدیران قرار می‌دهد. مهندس محمد باقر دلخوش مترجم این کتاب با این مقدمه در ادامه می‌گوید: «در صفحات این کتاب برای اجرای درست اقدامات ایمنی و بهداشت در محیط کار اصول راهنما و هدف‌گذاری‌هایی را خواهید یافت و در نهایت بهداشت و ایمنی شغلی را به عنوان یک بخش مکمل عملیات شغلی خود محسوب خواهید کرد. پیشنهادها، اصول و اقدامات بیان شده در این کتاب مواردی است که آزمایش خود را پس داده است که مطالعه آن را به همه مدیران توصیه می‌کنم.» این کتاب توسط نشر فن آوران به تازگی راهی بازار نشر شده است که جلد اول آن با قیمت ۷۰۰۰ تومان و جلد دوم با قیمت ۸۰۰۰ تومان به فروش می‌رسد. این انتشارات تا امروز کتاب‌های متعددی در زمینه ایمنی، بهداشت و محیط زیست چاپ کرده است.



رمان «رهنمودهایی برای نزول در دوزخ» اثر دوریس لسینگ، برنده بریتانیایی نوبل ادبیات که در کرمانشاه متولد شده است، با ترجمه علی اصغر بهرامی در ایران منتشر شد. لسینگ این رمان را در سال ۱۹۷۱ با نام اصلی: «briefing for a descent into hell» منتشر کرده و در آن ماجرای سفر یک دانشمند به ساحلی گرمسیری و ناشناخته از دریای آتلانتیک را شرح می‌دهد. بهرامی، مترجم ۶۲ ساله که با ترجمه آثاری از کورت وونه گات شناخته شده، تاکنون هیچ کتابی از این نویسنده را به فارسی ترجمه نکرده است. این مترجم شهرت خود را مدیون ترجمه‌های فارسی آثار وونه گات و شناساندن این نویسنده آمریکایی به ایرانیان است. بهرامی بخش‌هایی از این کتاب لسینگ را متأثر از زندگی شرقی، شهر کرمانشاه و داستان‌های هزار و یک شب می‌داند.

رهنمودهایی برای نزول در دوزخ از زبان علی اصغر بهرامی

هر اثر لسینگ، هوای خود را دارد

داستان‌های هزار و یک شب را تداعی می‌کند. هنگامی که مرغی خارق‌العاده یا یک ماهی، همدم و ناجی شخصیت اصلی داستان می‌شوند و او را از اقیانوس نجات می‌دهند هم خواننده به یاد داستان‌های مشرق زمین می‌افتد.

مجموع آثار لسینگ به بیش از ۵۰ اثر می‌رسد اما چند جلدی از این کتاب‌ها بیشتر به فارسی ترجمه نشده‌اند که ترجمه شما یکی از آنهاست. تا چه اندازه می‌شود از روزن این ترجمه‌ها، لسینگ واقعی را شناخت؟

بسیار دشوار است که از یک یا چند کتاب بتوان نویسنده‌ای را که نیم قرن نوشته است شناخت. او چند دوره متفاوت در نویسندگی دارد اما با همه این احوال، به باور من باید هر کتاب او را یک اثر مجزا دانست و فارغ از سایر تالیفات نویسنده به آن پرداخت. همین کتاب «رهنمودهایی برای نزول در دوزخ» خود ملغمه‌ای عجیب است؛ آمیزه‌ای از سبک‌هایی که نمی‌شود به راحتی نامی روی مجموعه آنها گذاشت. شاید در یک اظهار نظر کلی بشود گفت کتاب یک ماجرای (علمی تخیلی) را تعریف می‌کند. اما این گفته بسیار کلی است و اگر در کتاب ریز شوید، آمیزه‌ای از ده‌ها هنر ادبی متفاوت را خواهید یافت. به هر حال این نویسنده زندگی پرفراز و نشیبی را تجربه کرده. از ۱۴ سالگی کار کرده و بارها مهاجرت را آزموده است. همین است که نمی‌شود به راحتی روی او اسم گذاشت و به عنوان نویسنده یک سبک خاص از او نام برد. آثارش هم مانند زندگی‌اش گوناگون و پراکنده‌اند. به عنوان کسی که ۳۰ سال است این نویسنده را می‌شناسم، توصیه‌ام به علاقه‌مندان فارسی زبان آثار او و منتقدان ادبی این است که هر اثر لسینگ را فارغ از آثار دیگرش بخوانند و بررسی کنند. به جرأت می‌گویم که نه تنها کتاب‌هایی که در ایران منتشر شده بلکه مطالعه کل مجموعه آثار لسینگ هم باعث نمی‌شوند تصویری یکدست از این نویسنده به دست بیاید.

شما می‌گویید نمی‌شود نام خاصی بر این نویسنده گذاشت، ولی عده‌ای لسینگ را نویسنده‌ای فمینیست می‌دانند و برخی دیگر او را نویسنده‌ای می‌دانند که با آثارش علیه آپارتاید و تبعیض نژادی مبارزه کرده است.

اول درباره فمینیست بودن لسینگ باید توضیح بدهم که به باور من و البته به باور بسیاری از منتقدان، برابر طلبی جنسی لسینگ با آنچه فمینیسم می‌نامند متفاوت است. هر چند فمینیسم خود شاخه‌های گوناگون دارد ولی آنچه لسینگ می‌نویسد هیچ‌یک از این شاخه‌ها نیست. به گمان لسینگ، انسان به مرحله‌ای از تکامل تاریخی رسیده است که شاید بشود حالا به سمتی حرکت کرد که مردسالاری، جای خود را به برابری زن و مرد بدهد. او می‌گوید تازه زمان حرکت به این سمت فراهم شده، اما شاید تا ۱۰۰ سال دیگر این خواسته به واقعیت برسد. لسینگ این رانتیچه پیشرفت عقل و دانش انسان می‌داند. با این حال نمی‌شود این را به تمام آثارش تعمیم داد. همان‌طور که مبارزه با تبعیض نژادی را نمی‌شود. هر انسانی عقایدی دارد که در رفتارش بازتاب خواهد یافت. خوب اگر این انسان، نویسنده یا هنرمند باشد، مسلماً این عقاید در اثر هنری یا نوشته‌اش بازتاب می‌یابد. اما درباره لسینگ این بازتاب به گونه‌ای نیست که بشود برچسب خاصی برای او در نظر گرفت.



دیوار که محارم بتوانند در آن رفت و آمد کنند؛ حیاط‌هایی که برخلاف خانه‌های اروپایی، خارج از خانه نیستند و بخشی از خود خانه محسوب می‌شوند. همان سقف‌ها و همان باغ یا باغچه‌های درون خانه. از این گذشته، نثری که لسینگ به کار برده، نثر معمول انگلیسی نیست. او به وضوح از «بند‌های صفتی» که در انگلیسی مرسوم است اجتناب کرده و مانند زبان فارسی، بند‌های جمله‌هایش را کوتاه و پشت هم چیده است. نمی‌خواهم ادعا کنم که لسینگ این کتاب را متأثر از شرق و فرهنگ ایرانی نوشته، اما نمی‌شود هم انکار کرد که ردی از ایران در این کتاب مشهود است. اگر این نیست پس چرا باید کتاب با ترجمه انگلیسی این بیت‌های گلشن راز شروع شود که «اگر که قطره را دل بر شکافی ابرون آید از آن صد بحر صافی/ به هر جزوی ز خاک ار بنگری راست/ هزاران آدم اند روی هویداست/ به اعضا پشه‌ای هم چند فیل است/ در آسمان قطره‌ای مانند نیل است». این بیت‌ها فقط آغازگر کتاب لسینگ نیستند. داستان هم بر اساس معنایی که در این شعر نهفته است پیش می‌رود. حتی لسینگ در توضیح این شعر، نقل قولی از راشل کارسون، زیست‌شناس سده بیستم می‌آورد و بعد داستان را شروع می‌کند. گذشته از این، رمان «رهنمودهایی برای نزول در دوزخ» گاهی فضای

به هر حال، شاید می‌خواستند کتاب سریع‌تر منتشر شود. حتی برای کتاب یک پشت جلد مناسب هم منتشر نشده است. البته برای این خرده‌ایرادها، کسی را مقصر نمی‌دانم و امیدوارم این مسائل در چاپ‌های بعدی اصلاح شود. مقدمه‌ای را که نوشته‌ام به ضمیمه زندگی‌نامه‌ای از لسینگ و معرفی کامل او حتما در نسخه‌های چاپ بعدی کتاب وجود خواهند داشت. دوریس لسینگ در کرمانشاه به دنیا آمده. اما سال‌هایی که در ایران سپری کرده در مقایسه با زندگی‌اش در آفریقای جنوبی، تجربیاتش در حمایت از جنبش‌های چپ، سابقه‌اش در حمایت از حقوق زنان و سال‌هایی که در اروپا به سر برده، بسیار ناچیز است و برای همین انتظار نمی‌رود در اثری از او، ردی از ایران وجود داشته باشد. با این حال این کتاب با شعری از مجموعه گلشن راز شیخ محمود شبستری آغاز می‌شود. آیا می‌شود ردی از فرهنگ ایرانی در این کتاب یافت؟

کاملاً. لسینگ در این کتاب شهری خیالی را تصویر می‌کند که کلاً با شهرهای اروپایی فرق دارد. توصیفی که از معماری خانه‌های این شهر دارد، خواننده و مخصوصاً خواننده ایرانی را به یاد خانه‌های شهرهای ایرانی می‌اندازد. همان حیاط‌های محصور در میان

سوال علی اصغر بهرامی از دوریس لسینگ

خانم لسینگ! شما زمانی به جنبش‌های چپ و مارکسیستی وابستگی فکری داشتید. البته آن دوران گذشت و شما هم دیگر علاقه‌ای به این تفکرات ندارید. اما من به عنوان مترجم دست کم یکی از آثار شما، سوالی ذهنم را مشغول داشته. شما در کتاب «رهنمودهایی برای نزول در دوزخ» از کشور یوگسلاوی، کشوری آرمانی می‌سازید؛ کشوری که مردمش در سایه سوسیالیسم متحد شدند و در مقابل فاشیسم و نازیسم ایستادند. آنها را نمونه جامعه‌ای می‌گیرید که به اتحاد رسیدند و شرف انسانیت را نشان دادند. بسیار خوب. اما سوالی که ذهن من را آشفته این است که حالا چه می‌گویید؟ حالا که این کشور از هم پاشید، درگیر جنگ و خونریزی شد، چند پاره شد و آن اتحاد آرمانی از بین رفت. کاش موضع امروزتان را می‌دانستم. بسیار مشتاق بودم امروز به اندیشه‌های آن زمان خود باز می‌گشتم و حالا در بستر تاریخ، نقدی به آنچه نوشته‌اید، می‌آوردید. این تنها سوال من نیست. شاید باشند دیگری چون من که بخواهند بدانند دوریس لسینگ، مسن‌ترین برنده جایزه نوبل ادبیات. این جایزه طلایی که چون شاهین اقبال بر سر هر نویسنده‌ای بنشیند، او دیگر نامی جاودان در تاریخ ادبیات دارد. حالا، نه درباره یوگسلاوی که درباره اندیشه‌های پیشینش و نه تنها درباره خودش که درباره هزارانی که چنین می‌اندیشیدند، چه می‌گویید؟ کجاست آن جامعه آرمانی و از آن چه مانده؟ شما که به این زیبایی از یوگسلاوی داد سخن دادید، حالا هم کاش چند خطی درباره روزگار مردم این کشور و آنچه بر سرشان آمده می‌نوشتید. می‌گفتید امروز چه می‌اندیشید و به آنان که هنوز چون گذشته شما می‌اندیشند چه می‌گویید و چه توصیه‌هایی دارید؟

شما نویسندگانی چون کورت وونه گات و جیمز گراهام بالارد را برای نخستین بار به فارسی زبانان معرفی کردید. معمولاً هم آثاری از نویسندگانی را ترجمه می‌کنید که در ایران شناخته شده نیستند. چگونه شد که این بار سراغ لسینگ رفتید که دست کم بعد از دریافت نوبل ادبیات در سال ۲۰۰۸ در ایران نویسنده پرآوازه و احتمالاً پرفروشی است؟

شاید خیال کنید بعد از اهدای نوبل ادبیات به لسینگ و با توجه به اقتضای بازار، سراغ لسینگ رفته‌ام و تصمیم به ترجمه کتابی از او گرفته‌ام. البته اهدای نوبل به لسینگ در انتشار این کتاب نقش داشت، اما ماجرای آشنایی من با این نویسنده و این کتاب پیچیده است. سال ۱۳۵۴، وقتی که در شیراز زندگی می‌کردم، برای سفری چندروزه همراه دوستم به تهران آمدم. خوب خاطرم هست دوستم جایی مشغول بود و من برای وقت‌گذرانی به یک کتابفروشی آشنا در خیابان سمیه که آن زمان نامش ثریا بود سرزدم. کتابی با نام «Briefing for a descent into hell» توجه من را به خودش جلب کرد؛ از نویسنده‌ای به نام لسینگ که تاکنون چیزی درباره‌اش نشنیده بودم. همان موقع کتاب را خریدم و همان سال با مطالعه آن با لسینگ آشنا شدم اما انکار نمی‌کنم که ترجمه کتاب کاملاً به جایزه نوبل مربوط است. دقیقاً شبی که اعلام شد جایزه نوبل ادبیات به لسینگ رسیده، مهمانی داشتم از اهل ادب. او لسینگ را نمی‌شناخت و من ماجرای همان سال ۵۴ را برایش تعریف کردم. به اصرار او بود که از همان شب، یعنی دقیقاً از شبی که نام این نویسنده بریتانیایی متولد ایران به عنوان برنده جایزه نوبل ادبیات اعلام شد، شروع به ترجمه این کتاب کردم و دو صفحه از آن را پیش بردم.

ابتدا نام کتاب را «رهنمودهایی برای فرود در دوزخ» ترجمه کرده بودید و فی‌بای کتاب هم به همین نام ثبت شده است. اما در کتابی که هفته پیش منتشر شد، واژه «فرود» به «نزول» تغییر کرده است. اول این که این تغییر چرا صورت گرفته و دوم این که از این دست تغییرات ویرایشی قبل از چاپ تا چه حد در کتاب اعمال شده است؟

واژه «descent» که در عنوان اصلی کتاب آمده، پیش از آن که معنی «فرود» بدهد، به معنای «نزول» یا «سقوط» است. این عنوان با سیر داستانی کتاب هم سازگارتر است. در این کتاب ماجرای گروهی ۱۲ نفره، که یادآور دوازده حواری مسیح است، شرح داده می‌شود که در سفینه‌ای می‌نشینند تا به سفری فضایی بروند و سپس به دوزخ که همان زمین است، بازگردند و آن را نجات دهند. شاید این نکته، یادآور نزول آدم از بهشت به زمین باشد. درباره ویرایش دوباره باید بگویم خیر. اما برای چاپ‌های آینده قرار است کتاب افزون بر این باشد. من مقدمه مفصلی بر کتاب نوشته بودم که در این نسخه به دلایلی چاپ نشد. زندگی‌نامه کاملی هم از لسینگ آماده کرده‌ام. برای این مقدمه بسیار یادداشت‌برداری کرده‌ام و این کار وقت زیادی از من گرفته است.

این مسئله دقیقاً سوالی بود که می‌خواستم از شما بپرسم. کتاب چرا هیچ مقدمه یا موخره‌ای ندارد؟ حالا این مقدمه‌ای که می‌گویید تالیف کرده‌اید چرا در کتاب چاپ نشده است؟ آیا مشکل ممیزی داشته یا ناشر همکاری کافی نکرده است؟

مشکل ممیزی که به هیچ عنوان نداشت. مشکل جای دیگری بوده است که از شرح کامل آن معذورم.



درخشش سعدی بر تارک خرد جمعی جهان

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست‌هایی در حوزه نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت‌وگو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را مهیا می‌کند. در نشست‌هایی که هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه‌های شعر، ادبیات کودک و عرفان و فلسفه در جلساتی جداگانه به بحث و گفت‌وگو نشستند.

رفع اتهام از عرفا با آثار مکتوب

نشست بررسی کتاب «مرآت عشاق» اصطلاحات صوفیان» دو شنبه هفته گذشته با حضور کامران فانی، پژوهشگر، مترجم و کتاب‌شناس، سید مسعود رضوی، پژوهشگر و نویسنده و مرضیه سلیمانی، مصحح این اثر در سرای اهل قلم برگزار شد.

مرضیه سلیمانی: متأسفانه برخی از نسخ خطی از دیده‌ها پنهانند، اما این کتاب با معرفی یکی از استادانم به عنوان پایان‌نامه به من پیشنهاد شد. استنساخ این اثر حدود دو سال طول کشید اما متأسفانه هیچ نسخه بدلی با عنوان «اصطلاحات صوفیان» در هیچ کتابخانه‌ای یافت نشد. بنابراین به همین نسخه منحصر به فرد برای انجام پایان‌نامه قناعت کردم.

من کوشیده‌ام دایرةالمعارف گونه‌ای از اصطلاحات صوفیان تدوین کنم، به این معنا که اصطلاحاتی از آنان را که دارای بار بلاغی خاصی بودند، مبنای قرار داده و معادل آنها را تا جایی که ممکن بود با سایر فرهنگ‌ها تطبیق دادم. این کتاب به فارسی شیوا نگاشته شده و خطی خوش دارد. این اثر چنان ارزشمند است که کار کردن روی آن حکم کلاس درسی را برایم داشت.

متأسفانه به دلیل افتادگی صفحه نخست این اثر، نام مولف تا امروز ناشناخته مانده است و تلاش‌های یازده ساله گروهی نیز برای یافتن نام مولف این کتاب بی‌فایده بود، اما این تلاش‌ها همچنان ادامه دارد. پس از گذشت چند سال از نگاشتن پایان‌نامه کامران فانی که راهنمایی این رساله را برعهده داشت، وی پیشنهاد انتشار آن را در قالب کتاب ارائه کرد.

این اثر در مرز ادبیات و عرفان قرار دارد و جنبه‌های ادبی آن بسیار زیبا و درخور توجه است. ابتدای هر فصل، نویسنده چند صفحه‌ای را به خواص حروف اختصاص داده و خواص و اسرار فلسفی و عرفانی آن را بازگو کرده، اما تصحیح «برتلس» از کتاب «مرآت عشاق» فاقد این بخش است.

کامران فانی: تصحیح متون قدیمی یکی از مهم‌ترین رویدادهای دوران جدید است، زیرا مهم‌ترین تجلیات فرهنگ پربار ایرانی اسلامی در کتاب هاست که متأسفانه در نبود امکانات چاپ، نسخه‌هایی معدود از آنها در دسترس است. به همین دلیل احیای اثری پرارزش و شناساننده فرهنگ ایرانی که تنها یک نسخه از آن وجود دارد و انتشار آن در چند هزار نسخه، از اهمیت بسیاری برخوردار است. در میان فرهنگ‌نامه‌ها، فرهنگ اصطلاحات صوفیان از گستره و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود، زیرا عرفان نفوذ بسیار گسترده‌ای در فرهنگ و ادبیات ایران داشت. دلیل اصرار عرفا به نوشتن چنین آثاری، متهم کردن آنان به استفاده از اصطلاحات کفرآمیز بود. آنان با تشریح این اصطلاحات در پی برطرف ساختن سوءتفاهم‌ها بودند. عرفان در قرن ششم هجری با شعر و ادبیات آمیخت و بستر مناسبی برای بیان اندیشه‌هایش پیدا کرد. در غیر این صورت تأثیرات شگرف عرفان بر فرهنگ ما تا این اندازه نبود.

سید مسعود رضوی: اگر عرفان‌را از فرهنگمان جدا کنیم، چیز دندان‌گیری باقی نمی‌ماند. بیشترین فرهنگ‌نامه‌ها در حواشی ایران نوشته می‌شدند، زیرا ساکنان مناطق حاشیه‌ای ایران با زبان فارسی چندان آشنایی نداشتند و به آموختن اصطلاحات مختلف برای مطالعه کتاب‌ها نیاز داشتند. حوزه جغرافیایی «مرآت عشاق» نیز چندان دور از ایران نیست و براساس حدس‌ها، این اثر باید در نزدیکی‌های هرات نگاشته شده باشد.

سعدی

چگونه در جهان درخشید؟

پنجمین و آخرین نشست «سعدی‌شناسی» با موضوع «مقایسه‌غزل‌های سعدی و حافظ» با حضور نیما تجبر، دبیر نشست، پرویز عباسی داکانی، سخنران و علاقه‌مندان این حوزه در سرای اهل قلم برگزار شد.

نیما تجبر، دبیر نشست‌های «سعدی‌شناسی»: غزل پارسی پیش از حافظ توسط سعدی و مولانا با وحدت موضوع عرفان و عشق به اوج خود رسیده، اما آنچه اهمیت دارد، درک این موضوع است که حافظ با فاصله‌ای صد ساله از این شاعران چه شگردهایی را به کار گرفته تا بتواند این گونه در غزل

برنامه این هفته سرای اهل قلم

برنامه هفتگی سرای دائمی اهل قلم از سوی خانه کتاب به ترتیب زیر اعلام شد:

شنبه ۲۶ دی: نشست عرفان‌در ادبیات ایران با حضور دکتر پرویز عباسی داکانی، دکتر غلامحسین عمرانی، ۱۶/۳۰ تا ۱۷/۳۰.

یکشنبه: نقد و بررسی کتاب «تنهایی پریهاو» با حضور آرزو خمسه و فرحناز علیزاده؛ ۱۶/۳۰ تا ۱۷/۳۰.

دوشنبه: نشست اول؛ کارگاه داستان‌نویسی با حضور فیروز زنوزی جلالی؛ ۱۶/۳۰ تا ۱۷/۳۰.

دوشنبه: نشست دوم؛ نقد و بررسی کتاب «زندگی علمی من» اثر زیگموند فروید با حضور علیرضا طهماسب، مجتبی جعفری، چیستا یثربی و سپیده باطنی؛ ۱۶/۳۰ تا ۱۷/۳۰.

سه‌شنبه: نشست اول؛ جلسه پیرامون «حق مالکیت معنوی آثار» با حضور مصطفی رحماندوست، فرهاد حفریان و مهدی کاموس؛ ۱۶/۳۰ تا ۱۷/۳۰.

سه‌شنبه: نشست دوم؛ شعر خوانی با حضور مژگان عباسلو؛ ۱۶/۳۰ تا ۱۷/۳۰.

چهارشنبه: نقد و بررسی کتاب «قرآنیات» اثر علیرضا ذکاوتی قراگزلو با حضور بخشعلی قنبری؛ ۱۷ تا ۱۹. سرای اهل قلم در خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ واقع و حضور در این جلسات برای عموم آزاد است. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۶۶۹۶۶۱۵۶ تماس بگیرند.

کلاغی برای خودباوری

نشست بررسی کتاب «کلاغ خنزر پنزری» (اثر تقدیری سومین جایزه گام اول) با حضور سروناز پریشان‌زاده نویسنده اثر، سپیده خلیلی و احسان عباسلو دو منتقد ادبی در سرای اهل قلم موسسه خانه کتاب برگزار شد.

سپیده خلیلی، داور جایزه گام اول و منتقد ادبی: در کتاب «کلاغ خنزر پنزری» نوعی اتفاق جدید می‌افتد چراکه تصاویر بسیار خوب بر متن نشسته‌اند و این امتیاز بزرگی برای یک کتاب کودک به حساب می‌آید.

به نظرم با وجود هماهنگی بسیار خوب میان متن و تصاویر این کتاب، اسمی که برای کتاب انتخاب شده با مخاطب کودک ارتباط برقرار نمی‌کند، چراکه اساساً کودک با واژه «خنزرنپز» آشنا نیست.

موضوعی که در این کتاب به آن پرداخته شده موضوعی تکراری است و بارها نویسندگان به موضوع کلاغ و اتفاق‌هایی که برای این پرنده می‌افتد، پرداخته‌اند و از آنجایی که داستان این کتاب هم ماجرای کلاغی است که نمی‌خواست سیاه باشد و اشیاء رنگی به خودش آویزان می‌کرد، نوعی تکرار در روایت اتفاق افتاده است. از طرفی داستان این کتاب نوعی خودباوری در کودک ایجاد می‌کند. این

تخیل در دالان حاج مختار

نشست نقد و بررسی مجموعه شعر «دالان حاج مختار پلاک ۹» سروده مجید سعیدآبادی با حضور منتقدان و علاقه‌مندان حوزه شعر برگزار شد.

حمیدرضا شکارسری، شاعر و منتقد: حرکت طبیعی و تجربه شده شعر نوعی فاصله‌گیری از محوری‌ترین اصل زیبایی‌شناسی شعر و هنر سنتی شعر است که متکی بر تقارن، توازن و فخامت زبانی است. بر همین اساس ما نیما یوشیج را به عنوان فردی که حرکت شعر را نظام‌مند آغاز کرد می‌شناسیم.

بدرخشد.

باید در قیاس میان غزل سعدی و حافظ تاریخ عصر حافظ را بررسی کرد؛ چراکه در این تاریخ نام اشخاص و مکان‌ها به‌طور دقیق ذکر شده و به‌شناخت بیشتر شخصیت حافظ و ویژگی غزل‌های او کمک می‌کند، درحالی‌که بسیاری از سفرهایی که سعدی در شعرش از آنها یاد کرده، توسط علامه قزوینی بررسی و با عنوان خطاهای تاریخی در آثار سعدی نمایان شده است.

سعدی شاعری شریعت‌مدار است و این ویژگی در بوستان و گلستان سعدی بسیار به چشم می‌آید، اما در غزل عاشقانه سعدی او را چنین نمی‌بینیم. غزل‌های حافظ نیز سرشار از لغت و پیچیدگی‌های لفظی است و ساختار زبانی او صنعت‌گراتر است.

درباره مقایسه انسان از نگاه حافظ و سعدی نیز باید گفت که حافظ در پی انسانی آرمانی و کامل است، اما سعدی همین انسانی را که وجود دارد، می‌بیند. شاید یکی از علت‌هایی که سبب شد گلستان او خیلی زود در اروپا شناخته شد نیز همین امر بود و سعدی توانست بر تارک خرد جمعی جهان بنشیند.

معشوق حافظ معشوقی کلی‌تر و غیرقابل دسترس و ناملموس است اما معشوق سعدی از اتفاقات عاشقانه و معشوقش دقیق‌تر و با جزئیات بیشتر یاد می‌کند. به عبارت دیگر معشوق او ملموس‌تر است. **عباسی داکانی، سخنران نشست:** در زمان سعدی شعر او از شرق تا چین و از غرب تا اسپانیا گسترش پیدا کرده بود، پس نمی‌توانست بر حافظ و دیگر شاعران تأثیری نگذاشته باشد.

سفرهای سعدی و شناخت پیرامون خودش سبب شده تا تجربه‌های شخصی فراوانی داشته باشد که به نظرم این امر در شعر حافظ دیده نمی‌شود. پویایی سعدی و ایستایی حافظ در جهان بینی این دو تأثیرگذار بوده است.

درباره شعر حافظ ماتنها و اربابه واسطه غزل‌هایش می‌شناسیم اما زیباترین ترجیع‌بندهای فارسی و قصاید و همچنین نثر آرمانی فارسی از آن سعدی است، درعین حال عمق تفکر حافظ را که در شعرهایش وجود دارد در سعدی نمی‌بینیم. حافظ نسبت به سعدی عمیق‌تر می‌اندیشد. سعدی همانند حافظ در فلسفه و کلام نظری قدرتمند نیست، اما در نظامیه‌ها استاد بزرگی است. از سوی دیگر، سعدی به واقعیت اجتماعی نزدیک‌تر است از این‌رو شاید بتوان گفت او جامعه‌شناس‌ترین فرد در ادب فارسی بوده است.

داستان می‌گوید همه چیز همان‌طور که وجود دارد، خوب است و به کودک در تقویت داشته‌هایش کمک می‌کند.

کودک امروز اگر با مفاهیم تربیتی به‌طور مستقیم برخورد کند ممکن است آنها را پس بزند، ولی معتقدم تصاویر این کتاب به کمک متن می‌آیند تا این اتفاق نیفتد. **سروناز پریشان‌زاده، نویسنده اثر:** این نخستین کتابی است که از من منتشر شده و معتقدم کاری که در این اثر برای کودکان ارائه شده، بر اساس مضامین عرفانی شکل گرفته و چون من گرافیستم، تصویر و متن به‌طور همزمان در ذهن شکل گرفت و اجرا شد.

اسمی که برای این کتاب انتخاب کرده بودم «کلاغ رنگین‌کمان» بود، اما ناشر معتقد بود باید اسمی جذاب‌تر انتخاب شود و با توجه به این که کلاغ این داستان خنزر پنز جمع می‌کند، این اسم را برگزیدیم.

احسان عباسلو، دبیر نشست و منتقد ادبی: با وجود تکراری بودن کاراکتر کلاغ، در کتاب «کلاغ خنزرپنزری» با زاویه‌ای جدید به شخصیت این پرنده پرداخته شده است و معتقدم برخی از مفاهیمی که در جامعه وجود دارد، باید از همان ابتدای کودکی نسبت به تغییر آنها اقدام کرد. در مورد کلاغ هم همیشه نوعی دیدگاه منفی وجود داشته که این کتاب به‌نوعی درصدد تغییر این نگاه است.

پس از او نیز احمد شاملو و دیگران در محورهای زیبایی‌شناسی شعر حرکت‌هایی صورت دادند. در سروده‌های این دفتر صور خیال عرصه را برای توجه به فرم‌هایی که متکی بر آرایه‌های موسیقایی‌اند تنگ کرده و تمام تکنیک‌ها را تحت سلطه خود درآورده است.

غلظت تخیل شاعرانه در این شعرها به اندازه‌ای است که غیر از شعرهایی با درو نمایه مذهبی یا شعرهایی که ارجاعات ویژه سیاسی یا اجتماعی دارند، دیگر شعرها ما را به هیچ‌جا ارجاع نمی‌دهند و فضای ایجادشده، در خود متوقف است.

اکبر میرجعفری: سروده‌های این مجموعه برایم بسیار دلنشین بود. این شعرها به نوعی بازگشت به کودکی‌اند. اما همان‌طور که گفته شد، پایان غیر معمول برخی از سروده‌ها به جذابیت این شعرها لطمه می‌زند.

شاعر مجموعه «دالان حاج مختار پلاک ۹» شاعری با تجربه زیاد زندگی است و تخیل عامل پیش‌برنده شعرهای اوست. تخیل در این شعرها بقیه صناعات ادبی مانند تشبیه و تشخیص را با خود همراه آورده است. از سوی دیگر، ردپای هیچ شاعری در شعرهای سعیدآبادی دیده نمی‌شود.

آسمانک/ چند رسم مردمی
عبدالرحمان عماد/ انتشارات آموث
 چاپ اول ۱۳۸۸/ ۲۱۰ صفحه/ ۴۰۰۰ تومان



کتاب حاضر در پی سلسله آثاری که اخیراً از عبدالرحمان عماد منتشر شده دربرگیرنده پنج مقاله است. این پنج مقاله عبارتند از: شعری هخامنشی درباره آفرینش شادی برای مردم که نوزده بار در سر خط

نوشتارهای هخامنشیان بازگویی شده، آسمانک، آب است در کوهستان طبرستان، ستایش رام یا لام در دیلم و نشانه‌هایی از ستایش عنصر باد و کدو زنی. نویسنده در بخشی از کتاب می‌نویسد: «به هنگام پژوهش برای شناختن کسان و جاهای یاد شده در نوشتار بیستون از داریوش یکم هخامنشی (که بخشی کوچک از کتاب من است که به شعر برای فرهنگ ایران باستان آماده چاپ کرده‌ام) دریافتیم که چند خط سرآغاز بسیاری از نوشتارها از داریوش یکم و جانشینان او شعر است. شعری بسیار درخور اندیشیدن و با معنا، که در آغاز نوشتارها به نام خدای دانا و توانا و آفریننده چیزهای ارزشمند دنیاست، جا داده شده و نوزده بار بازگویی شده است... در نوزده نوشتار، که چون سرودی در سه گفتار به کار رفته، هفت نوشتار، از داریوش نخست در نقش رستم فارس و شوش و یکی در کنار ترعه سوئز مصر و یکی در کوه الوند همدان است...»

تمرینات هوازی و غیر هوازی در فوتبالیست
 دکتر جنر بنگزبوی/ ترجمه: دکتر حمید خداداد
 انتشارات بامداد کتاب/ چاپ اول ۱۳۸۸



۲۰۰ صفحه/ ۵۰۰۰ تومان
 این اثر با ارایه اطلاعاتی نظیر عوامل مختلف انرژی زایی و روش‌های مختلف و به روز افزایش ظرفیت قلبی، عروقی، می‌تواند برای تمام مربیان و ورزشکاران موثر واقع شود.

اثر حاضر در هفت فصل تنظیم شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به رشد جسمانی و آموزش بازیکنان جوان، گرم کردن و برگشت به حالت اولیه، تمرینات هوازی و برنامه ریزی فصلی اشاره کرد. در قسمتی از کتاب آمده است: «تمرینات آمادگی جسمانی به بازیکنان فوتبال کمک می‌کند تا استقامت بدنی لازم را برای اجرای توانمندی‌های فنی در طول مسابقه به دست آورند. هر بازیکن فوتبال که حدود چهارده سال به بالا سن داشته باشد، می‌تواند از مزایای تمرینات آمادگی جسمانی بهره‌مند گردد.»

چرا و چگونه

(مجموعه هفتم، جلد‌های ۳۶ تا ۴۰)
 دکتر رابنر کوهته، آندرنه مرتینی، پترا دایمر، آرنولد کلوداس/ ترجمه: کمال بهروزکیا و مجید عمیق
 انتشارات قدیانی/ چاپ اول ۱۳۸۸/ ۱۲۵۰۰ تومان



کتاب حاضر مجموعه هفتم از سری کتاب‌های چرا و چگونه انتشارات قدیانی است که جلد‌های ۳۶ تا ۴۰ این مجموعه را دربرمی‌گیرد و شامل پنج فصل مجزاست. جنگل‌های بارانی (تعریف، کاربرد، تاریخچه و انواع)

وال‌ها و دلفین‌ها (اجداد، ساختمان بدن و حفاظت از آنها)، طبیعت (پژوهش و حفاظت)، آتشفشان‌ها (نقش آنها در زندگی انسان) و کشتی‌ها (تاریخچه، انواع و کاربردها) عناوین فصل‌های کتاب هستند.

بعضی وقت‌ها در داستان‌های حادثه‌ای، جنگل بارانی به عنوان «جهنم سبز» توصیف شده است. در حقیقت، جنگل بارانی بهشت حیوانات و گیاهانی است که در آن زندگی می‌کنند. حیوانات و گیاهان جنگل بارانی طی روند تکامل، زندگی مشترک حیرت‌آوری یافته‌اند که حیاتشان وابسته به یکدیگر است. قورباغه‌های درختی بر فراز درختان و درون حوضچه‌های کوچک برگ‌ها تخم‌گذاری می‌کنند؛ حشرات برای مخفی ماندن از دید حیوانات مهاجم شکل برگ پژمرده به خود می‌گیرند؛ مارها و مارمولک‌هایی که به حالت سریدن در هوا پرواز می‌کنند بدون آن‌که از بالای درختان پایین بیایند روی شانه‌ها نقل مکان می‌کنند. همچنین درختانی وجود دارند که برای مورچه‌ها پناهگاه فراهم می‌کنند و آنها نیز این درختان را در برابر گیاهان مزاحم و آفت‌ها حفظ می‌کنند... در واقع این‌ها بخشی از دانسته‌هایی است که همراه با تصاویر متنوع و براساس عناوین فصل‌های کتاب در این اثر منتشر شده‌اند و کودکان و نوجوانان را با دنیای دیگری از طبیعت آشنا می‌کنند.

نیمه شبی در حله

مظفر سالاری/ موسسه بوستان کتاب قم
 چاپ چهارم ۱۳۸۸/ ۲۴۴ صفحه/ ۲۹۰۰ تومان



«نیمه شبی در حله» داستانی است جذاب که به مضمونی دینی می‌پردازد. این داستان، افزون بر برخورداری از آنچه یک داستان‌را خواندنی و ماندگار می‌سازد، راهی نو در پرداختن به موضوعات تاریخی - اجتماعی و دینی می‌گشاید.

روح کلی این داستان نمادی از حقانیت شیعه و مکتب اهل بیت (ع) و باورهای ناب پیروان ولایت است. داستانی که در حله اتفاق می‌افتد و ماجرای شگفت‌اسماعیل هرقلی و تشریف‌اف‌به‌محضر حضرت مهدی (عج) و شفا یافتن او و قهرمان داستان، کشش معنوی و جاذبه خاصی دارد که این قصه را خواندنی‌تر می‌کند. در بخشی از این کتاب آمده است: «اسماعیل، روز پنجشنبه بیرون از شهر حله، در دجله غسل کرد و لباس پاکیزه پوشید تا برای آخرین بار به زیارت قبر امامان (ع) و سرداب مقدس برود. وقتی به حصار شهر رسید ناگاه چهار اسب سوار را در مقابل خود دید. یکی از آنها جوان موقر و باهیتی بود. اسماعیل فکر کرد که او از بزرگان این منطقه است، در همین اندیشه بود که مرد موقر پیش آمد و از او پرسید: تو اسماعیل هرقلی هستی؟ اسماعیل در شگفت شد که از کجا نام او را می‌داند و از همین جا ماجرا آغاز شد...»

سیوی سبزه سخن

برگزیده‌ای از نظم و نثر فارسی به اهتمام دکتر عبدالناصر نظریانی، دکتر علیرضا مظفری، دکتر عبدالله طلوعی آذر
 انتشارات آیدین/ چاپ اول ۱۳۸۸
 ۳۲۰ صفحه/ ۴۵۰۰ تومان



کتاب حاضر برای درس فارسی رشته‌های مختلف دانشگاهی (به غیر از رشته زبان و ادبیات فارسی) تنظیم شده است. در تالیف این کتاب، بنا به ادعای ناشر، ضمن رعایت سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سعی شده است که بیشتر متن‌های نظم و نثر گذشته و معاصر زبان و ادبیات شیرین فارسی، از سروده‌ها و نوشته‌های بزرگان ادب فارسی انتخاب شود.

کتاب دربرگیرنده سه بخش است: یک؛ بخش نظم، شامل برگزیده‌هایی از اشعار چهل شاعر زیبا سخن. دو؛ بخش نثر، شامل برگزیده‌هایی از متون نثر هفده نویسنده توانا، سه؛ بخش پیوست‌ها، شامل پاره‌ای از مباحث ضروری سبکی، بلاغی، ادبی و شرح حال شاعران و نویسندگان. در بخش نظم، آثار شاعرانی چون رودکی

سمرقندی، فردوسی طوسی، باباطاهر، فرخی سیستانی، ناصر خسرو قبادیانی و... آمده است و البته به ترتیب تاریخ حیات این شاعران، آثاری هم از دیگر شعرا آمده است که از میان آنها می‌توان به این نام‌ها اشاره کرد: حافظ، سعدی، خیام، مولوی، خاقانی، صائب تبریزی، ایرج میرزا، نیمایوشیج، فروغ فرخزاد، فریدون مشیری، اخوان ثالث، سهراب سپهری، احمدشاملو، شفیعی کدکنی، قیصر امین‌پور، حمید سبزواری، نصرالله مردانی و...

در بخش برگزیده‌متون نثر نیز نویسندگان و روایان حکایت‌ها و سفرنامه‌هایی آمده‌اند که پیش از جمالزاده در قید حیات بوده‌اند. در واقع بخش‌هایی از آثاری چون قابوس‌نامه، گلستان، تاریخ بیهقی، کلیله و دمنه، سندبادنامه، تذکره‌الاولیا، مرزبان‌نامه، سیاست‌نامه ابراهیم بیگ و چرند و پرند دهخدا آمده است.

پی سرزمین

آرمان روشن/ انتشارات بوتیمار
 چاپ اول ۱۳۸۸/ ۸۸ صفحه/ ۲۰۰۰ تومان



پی سرزمین مجموعه‌ای از داستان‌های آرمان روشن، است. کتاب فهرستی ندارد تا عناوین و تعداد داستان‌های این مجموعه مشخص شود. آینده، افسانه انتظار، اروشا (عروس دریا)، او که رفت و... نام برخی از داستان‌های

این مجموعه‌اند. آرمان روشن متولد سال ۱۳۵۹ است. داستان سقوط راوی چنین شروع می‌شود: - از ارتفاع هیچ سازه‌ای نبود که حالا بلند ساخته باشند روی هم.

- برج؟!
 - آره برج... ام... شاید! شاید نه!
 - هر روز هزار تا از اینها فرش پیاده‌رو می‌شوند. ببین! هنوز دو نی نی مرموز از حدقه درآمده‌اش به چراغ نیمه روشن طبقه بیست و هشتم خیره‌اند. غروب، ظهر یا عصر، چه فرقی می‌توانست داشته باشد. وقتی کسی حتی به له شده‌ات هم اهمیتی ندهد و آنقدر مانده باشی که گندیده باشی و بوی گندت حوصله‌ات را سرببرد که نمی‌توانی بوندت را امتداد بدهی و چشم‌های از حدقه درآمده‌ات چند قدم آن طرف‌تر زل زده باشند به خاکستری همیشه توی آسمان و مگس‌های سبز طلایی در حال مکیدن شیرابه لژی از درون آن باشند با گرم‌های تپلی که توی ران‌ها و شکمت در حال چرخیدنند و حریمانه وول می‌خورند و جابه‌جا می‌شوند، و نتوانی برای خودت کاری بکنی و آبان بدون آن‌که نگاهی به این پایین بیندازد نشسته باشد و کانال ماهواره را تند تند عوض کند تا رفاصه‌های مضحک...»

آرمان روشن در همین چند سطر نشان می‌دهد که برخورد مناسبی با زبان داستانی دارد و روایت را به گونه‌ای شروع می‌کند که کشش برای خواندن ادامه داستان وجود داشته باشد.

تبلیغات در منظر امام خمینی (ره)

سیدعباس گرگانی تفرشی/ انتشارات مدحت
 چاپ اول ۱۳۸۸/ ۹۸ صفحه/ ۱۸۰۰ تومان



از میان سئوالات بی‌کرانه‌ای که در بررسی پدیده انقلاب اسلامی ذهن هر پژوهشگر رابه خود جلب می‌کند یک سوال جنبه کلی‌تری دارد و آن این است که آیا رهبری امام و روش‌های مدیریتی و تبلیغی

اتخاذ شده از سوی ایشان به دلیل این‌که رهبر دینی یا به قول ماکس وبر «کاربر ماتریک» بود، صرفاً جنبه متافیزیکی (غیردنیایی) دارد؟ اگر تضاد آن دیده شد آیا در حدی است که جنبه متافیزیکی رهبری (بسیج مردم و ترغیب آنها) تحت الشعاع قرار دهد؟ آیا عناصر دنیوی و متافیزیکی در رهبری حضور دارند یا ندارند؟ میزان حضور این عناصر چقدر

است؟ اگر دولت دستور بسیج می‌داد یا از ابزار نیروهای مسلح استفاده می‌کرد به دلایل ذکر شده توفیقی نمی‌یافت. بنابراین امام خمینی (ره) از پتانسیل‌های مردمی برای پرکردن خلأ عدم حضور ارتش بهره می‌بردند به گونه‌ای جلوی پیشروی اولیه نظامیان عراقی گرفته شد.

در این کتاب به پرسش‌های متعددی پاسخ داده می‌شود؛ این‌که رهبر دینی از کدام الگوی مدیریتی و تبلیغی برای نفوذ میان پیروان استفاده می‌کند؟ آیا از مکانیسم‌های برون‌دینی در ایجاد انگیزش و بسیج مردمی بیشتر استفاده شده یا از مکانیسم‌های درون‌دینی یا از هر دو عامل در شرایط خاص؟

فرهنگ‌پذیری، جامعه‌پذیری، مفهوم و مبانی تبلیغات، ابزار تبلیغ، موانع و مبانی تبلیغ، عوامل منفی تبلیغات، روان‌شناسی اجتماعی تبلیغ و... عناوین فصل‌های این کتاب هستند.

هانی اوچار داخلار؟ هانی او باغلار؟

جواد دربندی/ انتشارات فروغ آزادی
 چاپ اول ۱۳۸۸/ ۵۶ صفحه/ ۲۰۰۰ تومان



این کتاب مجموعه‌ای از شعرهای جواد دربندی به زبان آذری است. دکتر نوذر یزدانی هم مقدمه‌ای کوتاه بر این مجموعه نوشته و در بخشی از آن آورده است: «ادبیات آینه تمام‌نمای مناسبات اجتماعی است و

شناخت طرز زندگی و روابط اجتماعی و چگونگی کسب درآمد مردم که عمدتاً از طریق کشاورزی، به خصوص باغداری بوده است در لابه‌لای اشعار منظومه منعکس است و به عبارت دیگر اشعار منظومه منبع غنی و صادقی از اطلاعات مورد نیاز محقق است که بخواهد درباره روابط اجتماعی و تعاملات بین مردم در آن زمان تحقیق نماید...»

قدرت و جنگ نرم: از نظریه تا عمل

حجت‌الله مرادی/ نشر ساقی، با مشارکت معاونت فرهنگی - اجتماعی سازمان بسیج مستضعفین
 چاپ اول ۱۳۸۸/ ۵۵۹ صفحه/ ۲۲۰۰ تومان



رویکرد جنگ نرم در سیاست‌های نظامی - امنیتی معاصر برخاسته از ملاحظات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی است و مشاهدات تاریخی نیز بر اهمیت آن تأکید دارد. به‌طور اصولی هر نوع اقدام در حوزه تأمین منافع ملی که

با چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همراه است، مستلزم متقاعد نمودن افکار عمومی داخل و خارج از کشور است. این نوع جنگ، می‌تواند خطرهای اصلی را پنهان کند یا کوچک‌تر و کم‌اهمیت‌تر از آنچه هستند، نشان دهد. همچنین می‌تواند دشمنانی بیافریند که وجود ندارند یا این‌که ناچیزتر از آن باشند که سرمایه‌ها و توان ملی را صرف آنها ساخت. اتحاد جماهیر شوروی، سال‌ها در رقابت با تبلیغات نظامی بلوک غرب و آمریکا، تمام پتانسیل ملی خود را صرف تجهیز و انباشت تسلیحات نظامی کرد و سرانجام در جبهه‌ای دیگر بازی را به حریف واگذار کرد.

بنا بر گفته ناشر کتاب، این اثر، افزون بر آن‌که می‌تواند به منزله یک منبع کاربردی مورد استفاده مدیران و کارکنان حوزه مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار گیرد به منزله یک منبع نسبتاً جامع نظری و برخوردار از پشتوانه پژوهشی محققان، خوانندگان که پژوهش، مطالعه و بررسی در حیطه‌هایی همچون جنگ نرم، قدرت نرم، جنگ مجازی، تهدیدات نرم رسانه‌ای و جز آن را و جبهه همت خویش قرار داده‌اند، یاری رساند.

قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل در ۳ بخش نوشته است؛ اصول و مبانی تهدید نرم، روش‌ها و ابزارها و مطالعات موردی عناوین سرفصل‌های این کتاب هستند.

نگاهی به کتاب «کمر درد» (تسکین و رفع دردهای کمر با تاکید بر تمرینات ورزشی)

کتابی برای رهایی از درد



امکان از طرح‌هایی بی‌عیب و نقص استفاده کند و اینجاست که برخی نقایص رخ می‌نمایند. به عنوان مثال، در بسیاری از صفحات کتاب، طرح‌هایی برای قرار گرفتن نادرست در موقعیت‌های مختلف فیزیکی به ویژه ایستادن‌ها به کار رفته اما در کنار طرح‌های متعدد نادرست، طرحی با عنوان نحوه صحیح یا درست ایستادن یا قرار گرفتن در وضعیت‌های دیگر به چشم می‌خورد و این یک ضعف است. هر چند این ضعف در بخش‌های بعدی تا حدی جبران شده است. آنچه این کتاب را در زمره کتاب‌های خوب حوزه سلامت قرار می‌دهد، کاربردی بودن آن برای همه مردم، بدون نیاز به استفاده از امکانات خاص است. ضمن این که مراحل گوناگون آن به شکلی طراحی شده‌اند که مخاطب می‌تواند روند غلبه بر کمر درد را پله به پله و قدم به قدم طی کند. این کتاب دارای طراح جلد زیبا در روی جلد و خلاصه‌ای قابل تأمل و خواندنی در پشت جلد است. چاپ نخست کتاب «کمر درد» (تسکین و رفع دردهای کمر با تاکید بر تمرینات ورزشی) در شمارگان دو هزار نسخه، ۱۶۰ صفحه، قطع وزیری و قیمت ۳۵۰۰ تومان از سوی نشر بامداد کتاب روانه کتابفروشی‌ها شده است.

جدول‌های گوناگون، به کاربردی شدن کتاب آن هم به شکلی عامه‌فهم، کمک شایانی می‌کند. در حقیقت، مخاطب هنگام مطالعه این اثر با مطالبی روبه‌روست که هم از دایره نصیحت و توضیح واضحات بیرون است و هم امکان انجام دستورات آن در تمامی محیط‌های زندگی و کار فراهم است. وقتی با نام دکتر فریبرز هوانلو؛ عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی در شناسنامه کتاب به عنوان ویراستار علمی روبه‌رو می‌شویم، راحت‌تر می‌توان به بخش دوم کتاب با عنوان «انتخاب مسکن» اطمینان کرد، جایی که حتی صحبت از مصرف قرصی به نام «دیزپام» (والیوم) به میان می‌آید. از جمله ویژگی‌های دیگر این کتاب، وجود طرح‌هایی برای نمایش چگونگی انجام برخی حرکات کششی، تمرینی و همچنین نحوه صحیح ایستادن و نشستن در شرایط گوناگون است. اما این کتاب کاربردی حوزه سلامت، با وجود تمام ویژگی‌های مثبتی که دارد، گرفتار نقص‌های متعددی نیز هست که اگر بتوان از آنها به خاطر مطرح نبودن نام مولفانش گذر کرد، به سختی می‌توان به خاطر چاپ این اثر از سوی نشر بامداد کتاب به عنوان ناشر تخصصی حوزه تربیت بدنی و ورزشی گذشت. این کتاب با وجود این که نام یک ویراستار ادبی را در شناسنامه به همراه دارد، اما از نخستین صفحه خود دچار ضعف‌های مشهودی در حوزه ویرایش است به طور مثال، مخاطب بعد از خواندن مقدمه‌ای یک صفحه‌ای و کوتاه که محتوای ضعیفی هم دارد، در پایان مقدمه به نام و امضای هیچ فردی بر نمی‌خورد و در نتیجه مشخص نمی‌شود که چنین

مقدمه‌ای به اصطلاح دست‌پخت کیست! به عنوان مثال، در بخشی از این مقدمه آمده است: «ما نباید به بیماری کمر درد همانند باری گریز ناپذیر بنگریم که قابل چاره‌جویی نیست چرا که می‌توان زندگی پویا و شرافتمندانه را بدون مشکلات پیاپی کمر سپری کرد.» در اینجا باید از ویراستار ادبی کتاب پرسید که مگر زندگی کردن شرافتمندانه با وجود کمر درد میسر نیست؟! در پیشگفتار یک صفحه‌ای این کتاب نیز وضعیت خیلی بهتر از این نیست. در بخشی از این پیشگفتار که آن هم بدون نام و امضا به پایان می‌رسد، آمده است: «درد کمر منشأ اصلی ناراحتی جمعیت روبه افزایش جامعه می‌باشد.» اگر منظور نگارنده پیشگفتار، از کلمه جامعه همین جامعه کنونی کشورمان باشد، به راحتی می‌توان فهمید که نگارنده راه را به اشتباه رفته است، زیرا در میان دردها به ویژه دردهای فیزیکی، کمر درد تنها یکی از دردهای شایع است، نه منشأ ناراحتی جمعیت روبه افزایش جامعه و در حوزه ناراحتی‌های روحی و روانی نیز که اصلاً بحث اشتباهی شروع شده است! در بخش‌های مختلف کتاب، آنچه، هم می‌تواند به عنوان ویژگی مثبت و هم گاهی به عنوان نقطه ضعف کتاب به حساب بیاید، طرح‌های به کار رفته به جای تصویر است. ناگفته پیداست که اگر ناشر می‌توانست از عکس به جای تصویر استفاده کند، هرگز نقاط ضعف در این حوزه به این حد نمایان نمی‌شد، اما وقتی به هر دلیل مجبور به استفاده از طرح می‌شود، باید تا حد

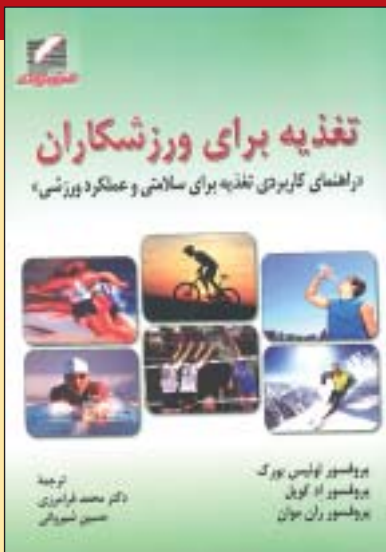
سلامتی، یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوندی است که انسان از زمانی که آن را از دست ندهد، کمتر قدرش را می‌داند. زندگی ماشینی نیز بر افزایش این غفلت آدمی تأثیر گذار است و فقر حرکتی، زمینه‌ساز بسیاری از بیماری‌ها و از جمله کمر درد می‌شود. کتاب «کمر درد» که توسط محمد پورکیانی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، صفورا صباغیان‌راد؛ عضو هیأت علمی دانشگاه قم و امیر حسین عفتیان، به نگارش درآمده است، به بیان چگونگی تسکین و رفع دردهای ناحیه کمر با تاکید بر تمرینات ورزشی می‌پردازد. اهمیت پرداختن به این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که امروزه افراد زیادی به ویژه از رده سنی میانسال به بالاتر، گرفتار این دردند. این نوشتار را که نتیجه نگارش سه نفر از متخصصان حوزه تربیت بدنی و ورزش است می‌توان در زمره کتاب‌های کاربردی حوزه سلامت دسته‌بندی کرد. متن روان و ساده به کار رفته در نگارش این اثر، هر خواننده‌ای را با هر سطح سواد، با دستورالعمل‌هایی آسان به سوی عملیاتی کردن مباحث رهنمون می‌سازد و در عین حال، تأکید می‌کند که مخاطب هرگز با یک کتاب علمی و تخصصی روبه‌رو نیست و این از ویژگی‌های کتاب‌های حوزه سلامت به حساب می‌آید. درباره محتوای کتاب به طور خلاصه می‌توان گفت که تشخیص دردها و شناخت و ریشه‌یابی آنها، چگونگی رهایی از درد و راهکارهای حفظ سلامت بدن، محورهای اصلی این اثر را تشکیل می‌دهند که در کنار آنها، وجود پرسشنامه‌ها و

بررسی کتاب «تغذیه برای ورزشکاران»

دایرة المعارف کوچک تغذیه

روبه‌روست، از این‌رو استفاده از منابع معتبر پژوهشی خارجی می‌تواند این خلأ را پر کند. پیش از پرداختن به نقد و بررسی کتاب «تغذیه برای ورزشکاران»، بهتر است نکته‌ای درباره آثار مکتوب نشر علم و حرکت بیان شود. کتاب «تغذیه برای ورزشکاران» را می‌توان ترجمه‌ای از یک منبع موثق به حساب آورد زیرا استادانی که تالیف آن را بر عهده داشته‌اند، همگی عضو گروه تغذیه کمیسیون پزشکی کمیته بین‌المللی المپیک‌اند. این کتاب در حقیقت دربرگیرنده مجموعه اطلاعات ارائه شده در یکی از معتبرترین کنفرانس‌های تغذیه ورزشی است. اگر بخواهیم در یک دسته‌بندی کلی، مطالب این اثر را تقسیم‌بندی کنیم، باید بگوییم که بیان مفاهیم اصلی و پایه‌ای تغذیه با رویکردی کاربردی و موارد کاربردی مهم در تغذیه رشته‌های مختلف ورزشی در شرایط محیطی گوناگون، دو محور اصلی این کتاب به شمار می‌آیند. مقدمه این کتاب نیز در دو صفحه، مطالب تقریباً کاملی را درباره تغذیه ورزشی و اهمیت آن بیان کرده است و می‌توان آن را ورودی مناسب برای آغاز مطالب علمی کتاب به حساب آورد. همان‌گونه که هنگام انجام تمرینات ورزشی

تغذیه از جمله مباحث بسیار مهم و شاخه‌های پر بار علم ورزش محسوب می‌شود، موضوعی که تاکنون زمینه تحقیق و پژوهش‌های بسیاری بوده و کتاب‌های فراوانی نیز در این باره به رشته تحریر درآمده است. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به کتاب «تغذیه برای ورزشکاران» اشاره کرد. این کتاب به نوعی، یک دایرة المعارف کوچک تغذیه ورزشی به حساب می‌آید، زیرا نویسندگان آن یعنی پروفیسور لوئیس بورک، پروفیسور اد کویل و پروفیسور ران موان در آن، نتیجه تحقیقات مفصلی را به صورت چکیده آورده‌اند و نشر علم و حرکت نیز این مطالب را با ترجمه دکتر محمد فرامرزی و حسین شیروانی در ۷۱ صفحه منتشر کرده است. این کتاب در حقیقت راهنمایی کاربردی برای سلامتی و عملکرد ورزشی است که نوع تغذیه، پیش، هنگام و پس از مسابقات ورزشی را بیان می‌کند. از آنجا که برخوردار از این اطلاعات برای تمامی مربیان و ورزشکاران، ضرورتی انکارناپذیر است، تحقیق و پژوهش محققان ورزشی و تبدیل آن به آثار مکتوب نیز ارزش فراوانی دارد اما متأسفانه هنوز حوزه تحقیق و پژوهش در تربیت بدنی و ورزش کشورمان با کاستی‌های فراوانی



آنتی‌اکسیدان‌ها برای تمرین و حفظ تندرستی سخن به میان می‌آید. از فصل دهم تا چهاردهم نیز نیازهای تغذیه‌ای ورزش‌های استقامتی، تیمی، سرعتی و توانی، زمستانی و رده وزنی به طور اختصاصی بیان می‌شوند. مولفان این کتاب هنگامی که مطالب مربوط به مکمل‌ها و مواد غذایی را می‌نویسند، بلافاصله مبحث رویکرد دوپینگ آنها را نیز در فصلی جداگانه به رشته تحریر درمی‌آورند تا اطلاع‌رسانی لازم را در این باره انجام دهند. از جمله ویژگی‌های این اثر می‌توان به پانویس‌های لاتین هر صفحه اشاره کرد. این پانویس‌ها از یک طرف، تلفظ صحیح کلمات را برای مخاطب آسان می‌کند و از طرف دیگر، امکان جست‌وجوی مخاطب درباره هر موضوع را در فضای اینترنت، آن هم در مطالب ترجمه نشده، فراهم می‌آورد. ذکر منابع این کتاب به زبان لاتین در انتهای این اثر نیز از جمله ویژگی‌های کتاب به حساب می‌آید. از آنجا که اهالی ورزش به ویژه حرفه‌ای‌ها زمان اندکی برای مطالعه دارند، قرار دادن اهم و خلاصه مطالب هر بخش در باکس‌های جداگانه این امکان را به وجود می‌آورد که ورزشکاران و مربیان برای مرور و استفاده اجمالی از این کتاب، با مشکل روبه‌رو نشوند. چاپ نخست کتاب «تغذیه برای ورزشکاران» از سوی نشر علم و حرکت در شمارگان ۳۳۰۰ نسخه، ۷۱ صفحه، قطع وزیری و قیمت ۱۵۰۰ تومان منتشر و روانه بازار نشر شده است.

ورزشکار باید حرکاتش را به آرامی شروع کند و به اصطلاح، ابتدا بدنش را گرم کند، مطالب این کتاب نیز به گونه‌ای دسته‌بندی شده‌اند که مخاطب، آماده مطالعه مطالب تخصصی می‌شود، آن هم ابتدا با خواندن مباحث ساده و در عین حال مهمی نظیر «فوائد تغذیه مطلوب»، «نیازهای انرژی و کنترل وزن» و... اگر چه مطالعه این کتاب برای ورزشکاران مبتدی (آماتور) بی‌فایده نیست، اما بهتر است این کتاب را در زمره آثار نسبتاً تخصصی حوزه تغذیه به حساب آورد، زیرا از فصل سوم به بعد، مطالب جنبه کاملاً تخصصی به خود می‌گیرند به ویژه هنگامی که از ویتامین‌ها، مواد معدنی و



کاوه رحمانی

«فرار شاه» در روز ۲۶ دی ماه، یکی از مهمترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران است. پهلوی دوم، چهارمین شاه ایرانی معاصر است که مجبور شد کشورش را ترک کند. پدر او نیز چنین کرده بود، با این تفاوت که پهلوی دوم از ترس مردم فرار کرد و پهلوی اول به دست متفقین سرمست از پیروزی در جنگ دوم جهانی از ایران رفت. با این همه و با توجه به اهمیتی که موضوعی همچون فرار شاه دارد، تاکنون کتابی مستقل در این باره منتشر نشده است، با ذکر این موضوع که به تازگی، جلد یازدهم «روزشمار تاریخ انقلاب اسلامی» منتشر شده که این مساله را دربر گرفته است. در ادامه متنی که پیش رو دارید، با میرزا باقرعلیان نژاد، پژوهشگری که این کتاب را تالیف کرده به گفت و گو نشستیم. وی علاوه بر تالیف کتاب «او یک ملت بود؛ زندگی شهید بهشتی» و مقالات پژوهشی فراوان، در کارهای پژوهشی تاریخی نیز شرکت داشته است که از جمله آنها می توان به تالیف مجلدات «۹ - ۱۱ روزشمار تاریخ انقلاب» اشاره کرد. علیان نژاد یکی از محققان «دایره المعارف انقلاب اسلامی» نیز بوده است.

میرزا باقرعلیان نژاد:

کتابی جامع درباره فرار شاه نداریم

وجود کتاب هایی همچون «روزشمار تاریخ انقلاب»، چه دستاوردی برای پژوهشگران این حوزه دارد؟

ماتحلیل وقایع را در شرایط فعلی به خواننده واگذار کرده ایم. یعنی انتظار داریم که پژوهشگر و خواننده جلدی کتاب، با خواندن اطلاعاتی که در کتاب وجود دارد، به تحلیل برسد. بعید می دانم که مخاطب عام فرصت این را داشته باشد که ۱۷ مجلد روزشمار تاریخ انقلاب را مورد توجه قرار دهد، چرا که ما به جزئیات بسیاری پرداخته ایم که شاید در حوصله این مخاطب نباشد. دانشجویان علوم سیاسی، تاریخ، علوم اجتماعی و حتی روابط بین الملل می توانند مخاطبان احتمالی این مجلدات باشند. این پژوهشگران می توانند از این آثار استفاده کنند و خود مولد پژوهش هایی تازه در این عرصه باشند. ما در این مجلدات، تقریباً همه اطلاعاتی را که یک پژوهشگر نیاز دارد، در اختیار او گذاشته ایم. یعنی یک پژوهشگر، به جای آنکه وقت خود را صرف پیدا کردن منابع مختلف کند، می تواند با رجوع به «روزشمار تاریخ انقلاب»، بسیاری از این اطلاعات را بیابد. ما تقریباً کل نشریات، اخبار و کتاب های آن دوره تاریخی را در این کتاب مورد توجه قرار داده ایم. حتی در این کتاب، اخباری را که در فرانسه، انگلیس و آمریکا در همان روزها منتشر شده، گردآوری کرده ایم. نکته دیگر آن است که همه اخباری که در این کتاب درج شده، با ذکر منبع اصلی در پاورقی همراه است. به همین دلیل محققان می توانند به اصل اخبار نیز رجوع کرده و از آنها نیز استفاده کنند.

نگهداری و استفاده از کتابی با این حجم، دشواری های خود را دارد. قرار نیست نرم افزاری از این کتاب ها تهیه شود؟

واحد تاریخ در حال آماده سازی نرم افزاری است که ۱۰ جلد نخستین این کتاب را در خود خواهد داشت و امیدواریم این نرم افزار همزمان با دهه فجر امسال آماده شود.

با توجه به نکاتی که در مصاحبه مطرح شد، به همان سوال اول برگردیم. کتاب هایی که در مورد «فرار شاه» منتشر شده، تا چه اندازه واقعیت های این رویداد را به نمایش می گذارد؟

ما تقریباً هیچ کتاب مفصل و دقیقی که درباره فرار باشد، در اختیار نداریم. به عنوان مثال برخی از کتاب ها همچون «آخرین سفر شاه» را داریم که البته مختص فرار او نیست و معمولاً به این قضیه از دیدگاهی تک بعدی نگاه کرده اند. شاید اگر شما نگاهی به فصلنامه مطالعات تاریخی داشته باشید، راحت تر بتوانید به جواب این پرسش برسید. در جلد یازدهم این مجموعه، به فرار شاه پرداخته شده است. به هر حال ما کتابی مستقل در این باره نداریم، اما در بسیاری از کتاب ها، از آنجا که این مساله بخش مهمی از تاریخ پیروزی انقلاب اسلامی را شامل می شود، به آن اشاره شده است. هر یک از کتاب ها تحلیلی متفاوت دارند. انتشار کتاب «روزشمار تاریخ انقلاب» نیز به دلیل همین ضرورت صورت گرفت. ما در این کتاب سعی کرده ایم تا مواد خام را به صورت طبقه بندی شده و موضوعی در اختیار مخاطب قرار دهیم که امیدوارم با انجام بخش بعدی این پروژه، تحلیلی جامع نیز در این عرصه به مخاطب عرضه شود.



ما در مجلدات «روزشمار تاریخ انقلاب»، بیشتر کار گزارشی انجام می دهیم. ما در این کتاب ها، روند پیروزی انقلاب را به نوعی گزارش کرده ایم. در بخشی از متون گزارش گونه، پیام ها و سخنان امام خمینی (ره) آمده، در بخشی دیگر اقدامات حکومت و در بخشی دیگر به فعالیت های مردمی پرداخته شده است. این تقسیم بندی ها در کتاب صورت گرفته است.

یعنی نمی توان بخشی تحلیلی هم به کتاب افزود؟ ما در مرحله اول، همان کار گزارشی را انجام می دهیم و هنوز وارد فاز تحلیل نشده ایم، هرچند که برخی از تحلیل هایی که در این زمینه انجام شده، در این کتاب ها آمده است.

یعنی قرار نیست کتاب هایی با این رویکرد تهیه شود؟

چرا. دفتر «تاریخ انقلاب اسلامی» قصد دارد پس از پایان کار «روزشمار تاریخ انقلاب»، کتاب هایی تحلیلی نیز در این عرصه منتشر کند. بعد از آنکه شکل گزارشی کار منتشر شد، می توان به صورت تحلیلی روی هر یک از این مسائل کار کرد. اما در فاز اول، به روزشمار انقلاب اسلامی پرداخته ایم.

شما در بخش منابع به کتاب هایی اشاره کردید که به این مساله پرداخته بودند. چقدر از کتاب هایی که خارج از ایران چاپ شده استفاده کرده اید؟

ما از برخی کتاب ها، مانند کتاب «یک رنگی» شاپور بختیار و خاطرات بنی صدر استفاده کرده ایم، چرا که بسیاری از مطالبی که در آنها نقل شده، در منابع دیگر موجود نیست. مثلاً ماجرای دیدار شاه و بختیار در هیچ منبعی نیامده، مگر کتاب «پاسخ به تاریخ» که در ایران نیز منتشر شده است. به هر حال باید این آثار را در کنار هم قرار داد تا نتیجه درست حاصل شود. یعنی ممکن است نظرات این افراد - هر چند که ممکن است مخالف آرای ما باشد - در این کتاب ها آمده باشد؟

بله. چنین مواردی نیز در کتاب وجود دارد. به هر حال، ضرورت پژوهش های تاریخی این است که این موارد نیز مطرح شود.

منعکس می کرد. یعنی چیزی حدود ۹۰ درصد منابع ما، منابع به روز همان موقع بوده که معمولاً نیز در آن دخل و تصرفی نشده است.

معمولاً یعنی چه؟ یعنی در برخی از موارد، دخل و تصرف صورت گرفته؟

خیلی کم و از نظر ساختاری و نه از نظر محتوایی. مثلاً ممکن است خبر نگاری، توانسته باشد خبری را خوب تنظیم کند. ما این اخبار را اندکی ویرایش کرده ایم. تنها کاری که ما کرده ایم این است که این اخبار را کنار هم قرار داده ایم. در برخی از موارد هم با نکاتی جالب روبه رو شدیم. مثلاً همان روزی که شاه از کشور فرار کرد، یعنی ساعت ۱۳ و ۸ دقیقه بعد از ظهر، روزنامه اطلاعات این خبر را با عکسی منتشر کرد. این ابهام برای ما به وجود آمد که چگونه روزنامه ای که ساعت ۲ بعد از ظهر روی دکه ها قرار داشت، توانسته بود خبر «شاه رفت» را با این تیترو عکس منتشر کند. بعدها در خاطرات آقای صالحیار، سردبیر وقت روزنامه اطلاعات خواندیم که او چند روز قبل از آنکه شاه از کشور خارج شود، این خبر را داشته است. او می دانست که بعد از رای اعتماد مجلس به بختیار، شاه از کشور می رود، به همین دلیل، تیترو خبر «شاه رفت» را آماده کرده و از سوی یکی از عکس های آرشیوی را که شاه و فرح در آن، لباس زمستانی به تن داشتند، برای انتشار انتخاب کرده بود. همان تیترو همان روزنامه، بدل به پلاکارد مردم در تظاهرات شد. می گویند که حتی روزنامه هنگام خروج شاه، به دست او نیز رسیده بود.

به هر حال، جمع آوری این منابع دارای دشواری هایی است. اما شما به عنوان مولف چه کاری روی کتاب انجام داده اید؟

ما در حوزه هنری، واحدی داریم تحت عنوان «تاریخ انقلاب اسلامی» که در آن منابع گوناگون جمع آوری شده است. یعنی منابع مختلف از روزنامه ها، اسناد، کتاب ها و... تا آنجا که می شده، فیش برداری شده است. این منابع خام در اختیار نویسنده قرار می گیرد. نویسنده این مطالب را دسته بندی می کند و با توجه به صحت خبر ها، آنها را در موضوعات مختلف تنظیم می کند. بعد از نگارش اولیه، نوشتن پاورقی ها انجام می شود. در بعضی از موارد ما گویاسازی داریم، که در آنها به روشن سازی برخی از ابهامات می پردازیم.

این مسائل بیشتر به جنبه های فنی کار اشاره دارد. از نظر خلاقه چه می کنید؟ مثلاً کاری از جنس تحلیل هم انجام می دهید؟

بهترین منبعی که می تواند واقعه فرار شاه را در اختیار ما بگذارد، رسانه ها و مطبوعات آن دوره اند که ما برای نوشتن کتاب روزشمار تاریخ انقلاب از آنها استفاده کرده ایم

معمولاً از دو دیدگاه به رویداد «فرار شاه» نگاه شده است. شما کتاب هایی را که در این باره تا کنون منتشر شده اند، بطور ارزیابی می کنید؟ آیا این کتاب ها توانسته اند ابعاد این واقعه تاریخی را به نمایش بگذارند؟

در این حوزه فراط و تفریط هایی توسط پژوهشگران انجام شده است، که دلیل این مساله را می توان به روز بودن این ماجرا دانست. اغلب این کتاب ها با نوعی نقد و تحلیل همراهند. در نتیجه، همه واقعه را در بر نمی گیرند. ما در جلد یازدهم روزشمار انقلاب اسلامی، به این مساله پرداخته ایم. یعنی همه اخباری که در آن روزها درباره این واقعه، توسط رسانه های داخلی و خارجی مخابره شده، در این کتاب آمده است. برخی از این مطبوعات، خروج شاه را به فرار تشبیه کرده اند و برخی دیگر، دلیل آن را درمان بیماری دانسته اند، چرا که معتقد بودند شاه پیش از آن که دولت بختیار بر سر کار بیاید، گفته بود که بعد از تثبیت وی، برای درمان از کشور خارج خواهد شد. البته چنان که می دانیم، این مساله تا حد زیادی بهانه بود، اما در نهایت شاه به دلیل همین بیماری سرطان مرد. اگر شاه تنها به دلیل درمان از کشور خارج می شد، به یک کشور اروپایی یا آمریکا می رفت که امکانات درمانی دارند، نه به آن منطقه دور افتاده.

این کتاب ها تا چه اندازه توانسته اند واقعیت این ماجرا را به نمایش بگذارند؟

مطبوعات داخلی از عنوان «فرار شاه» یاد می کنند، چرا که مردم راز بهبودی شرایط را در عزل او از حکومت می دانستند. اما شاه فکر می کرد که با خروج از کشور، این فرصت به بختیار داده می شود که بتواند کشور را از بحران خارج کند. حتی زمانی که شاه در مصر بود، امید داشت که همچون ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، اتفاقی بیفتد و او دوباره به کشور برگردد. یکی از دلایلی که او به آمریکا رفت نیز همین مورد بود. اما در همان زمان، رسانه هایی همچون بی بی سی، خروج شاه از کشور را به نوعی تبعید تشبیه کردند و خبرگزاری تاس، خروج شاه را به فرار یک فراری از کشور، شبیه دانسته بود. منظوم این است که بهترین منبعی که می تواند، واقعه فرار شاه را در اختیار ما بگذارد، رسانه ها و مطبوعات آن دوره هستند که ما برای نوشتن کتاب روزشمار تاریخ انقلاب از آنها استفاده کرده ایم.

در این مجلد از چه منابعی استفاده کرده اید؟

برای یک پژوهش تاریخی، سایت های اینترنتی چندان قابل استناد نیستند. منابعی که ما از آنها استفاده کرده ایم، بیشتر روزنامه های همان دوره است از جمله کیهان، اطلاعات، آیندگان و چند روزنامه دیگر. همچنین ما از بولتن محرمانه خبرگزاری پارس، که مطالب مهم و سری را برای مقامات و روزنامه های خاص تهیه می کردند، استفاده کرده ایم. افزون بر این، دسته ای از اسناد ساواک وجود داشت که بعد از انقلاب منتشر شدند. خاطرات مبارزان از انقلاب و همچنین نشریاتی همچون تایم، نیوزویک و واشینگتن نیز مورد استفاده ما قرار گرفتند. البته از کتاب هایی که در این مورد نوشته شده اند نیز غافل نبوده ایم. اما منبع اصلی ما، بولتن های محرمانه خبرگزاری پارس بود که اخبار رسانه های همچون آسوشیتدپرس، یونایتدپرس، خبرگزاری فرانسه، تاس و رویترز را

به مناسبت ۲۹ دی ماه، سالروز ولادت امام محمد باقر(ع)

نقد و مناظره، الگوی موفق ترویج فرهنگ دینی

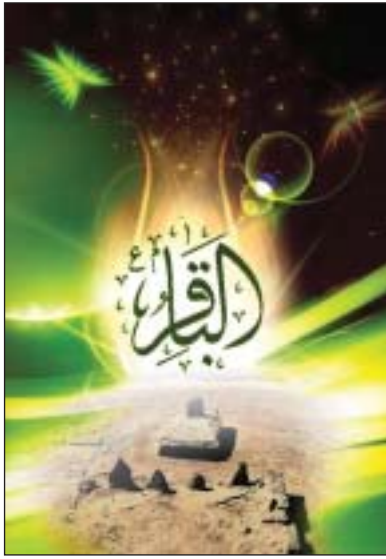
اندیشه و تضارب آرای باشد که به رشد و تولیدات فکری و فرهنگی منتهی شوند. در این صورت نتیجه این نشست ها ظهور افکار جدید، روشن شدن نقاط ابهام و زایش علم است.

برپایی حلقه های نقد و کرسی های مناظره نه تنها به تولید علم و پالایش اندیشه هامنجر می شوند بلکه یکی از کارکردهای آنها مبارزه با جمود فکری و نحله های انحرافی است. این گونه است که دیگر، فرصتی برای نفوذ اندیشه های مخرب بیگانه وجود نخواهد داشت. حجت الاسلام والمسلمین رمضانعلی رفیعی عضو هیات علمی پژوهشگاه تحقیقات اسلامی، نویسنده و پژوهشگر حوزه های دین و اندیشه، با اشاره به فضای آلوده به اختلافی که امام باقر(ع) در دوران امامتشان با آن مواجه بودند، بیان می دارد: «در آن زمان ضرورت تقیه و پایه گذاری نهضت علمی و فرهنگی از مهم ترین گام های دعوت هدف دار و بنیادین امام(ع) بود که زمینه ها و مقدمات تاسیس دانشگاه بزرگ اسلامی را در دوران امامت فرزندان، امام صادق(ع) فراهم ساخت. ابعاد آن حرکت تاحدی گسترده بود که علاوه بر مراکز شیعه نشین، مناطق جدیدی را نیز که تحت سلطه حکومت امویان بود، دربر گرفت.» وی با بیان این موضوع که فعالیت های فرهنگی باقرالعلوم(ع) ابعاد گسترده ای داشت، می افزاید: «احیاء گسترش احادیث نبوی، تبیین و گسترش فقه اهل بیت(ع) و نشر سایر علوم انسانی اعم از مباحث اعتقادی، تفسیری، تاریخی، اخلاق و همچنین تعلیم و تربیت افراد مستعد و مبارزه با مسلک های انحرافی، از جمله آنهاست. بخشی از فعالیت های فرهنگی و علمی امام باقر(ع) مبارزه با جمود فکری و بیگانگی از فرهنگ و معارف اسلامی بود که سراسر جهان اسلام را فراگرفته بود، عالمان و فقهاء مشهور با به دربار وابسته بودند یا به حوزه های فکری منحرف و سرگرم کننده اشتغال داشتند. در این زمان برخی از دانشمندان یهودی و نصرانی با استفاده از خلأ موجود سعی در تزریق اعتقادات خود به جامعه اسلامی داشتند که امام باقر(ع) با نهضت فرهنگی خود به مقابله با آنها پرداخت.

روشنگری های امام باقر(ع) در این فضای فکری و فرهنگی آثار ارزشمندی را در جامعه آن روز پدید آورد و تشنگان حقیقت را به سوی مسجد رسول اکرم(ص) به عنوان مرکز آموزش امام باقر(ع) فراخواند و زمینه تحقق دانشگاه جعفری را فراهم ساخت.»

پژوهشگر حوزه معارف اهل بیت(ع) درباره نقش برپایی این جلسات در زمان کنونی می گوید: «برپایی نشست های بحث و مناظره و نقد افکار مکتوب و غیر مکتوب در عصر حاضر می تواند الگوی مناسبی برای نشر و گسترش فرهنگ دینی و سایر علوم باشد. برپایی این نشست ها موجب تولید علم و باز شدن باب های جدید در حوزه های گوناگون علوم انسانی، رسیدن به نظریات جدید خواهد شد.»

از دیگر کاربردهای جلسات مناظره می توان به نقد اندیشه ها به ویژه درباره مکتوبات اشاره کرد که در زمان حاضر توجه برخی از موسسات و نهادها به برپایی دوره های آنها جلب شده، اما تعداد آنها و بازده اطلاع رسانی و توان حضور افراد متعدد در این نشست ها اندک است و به حوزه های برخی از کلاس های دانشگاهی محدود می شود. از این نشست ها می توان در نقد کتاب هایی که در مراحل پیش تولید یا در مواردی برای تصحیح چاپ آثار از نظر محتوا و شکل ظاهری کمک گرفت، چراکه چندین تفکر همواره بهتر از یک فکراست و جرقه هایی از اندیشه های نوپدید را در کنار برطرف کردن ابهامات در اذهان ایجاد می کند.



دانشگاه به صورت استاد محور و این که تنها یک متکلم به ارائه مطلب می پردازد، خلاصه شده اند. با بازگشت به گذشته و الگوگیری از شیوه های آموزش و تعلیم اهل بیت(ع) علاوه بر پیدایش زمینه های جدیدی برای مباحثه و نقد، سرعت تولید علم و ایجاد تفکرات جدید نیز در جلسات و اکوای اندیشه ها افزایش خواهد یافت. بیان ویژگی های چنین روش هایی در آثار مکتوب، می تواند به بسط و گسترش این روش ها منجر شود.» در این زمینه حجت الاسلام علیرضا سبحانی نسب مدیر انتشارات جمال قم، نویسنده و پژوهشگر حوزه دین و مدرس حوزه، زندگی پنجمین پیشوای شیعیان را تکه بزرگی از پازل زندگی علمی اهل بیت(ع) می داند و می گوید: «با شناخت و درک نقش بسزای پنجمین پیشوای بلندنگ تفکر اسلامی به ویژه تفکر شیعی، از اهمیت و ارزش تفکر، علم و دانش از نگاه قرآن کریم و روایات آگاه می شویم.»

وی رعایت آداب مباحثه و مناظره را از اصلی ترین نکات شکل گیری این حلقه های آموزش و نقد می داند و بیان می دارد: «برای درست اندیشیدن، انتقال صحیح افکار و توان پذیرش اندیشه های دیگران، امام باقر(ع) الگویی ارزشمندند. آنچه به عنوان ارزش تفکر، نقد و آداب گفت و گوی علمی در دین اسلام داریم، در جلسات مباحثه امام محمد باقر(ع) قابل مشاهده اند. باید رفتارهای این پیشوا را در رویارویی با اندیشه های مخالفان حتی ملحدان مطالعه کنیم و آنها را در سطح کارهای علمی، هم در حوزه مکتوبات و هم در حوزه اندیشه های شفاهی، پیاده سازیم. زمانی که بتوانیم بخش کوچکی از این رفتارها را در حوزه اندیشه پیاده کنیم، در زمینه علم و دانش اندوژی، قرن ها پیشرفت خواهیم کرد. باید موضوعاتی با این درجه اهمیت را در آثار مکتوب به نسل امروز ارائه کنیم.» وی مرکز ثقل اندیشه های فقهی شیعه را پیشوایان پنجم و ششم(ع) برمی شمرد و می گوید: «با توجه به دیدگاه های این بزرگان در مقابله با اندیشه دیگر و نقدها، می آموزیم که چگونه اندیشه هایمان را به درستی مطرح کنیم.»

نویسنده کتاب «مدرسه محمدی(ص)» می افزاید: «در جلسات بحث و گفت و گو، نقاط ضعف یک اندیشه گرفته می شود و صاحب نظران گوناگون به ترمیم آن می پردازند. این جلسات علاوه بر موضوع و مخاطبان خاص، شرایط و جایگاه خاصی را حتی از لحاظ جغرافیایی نیازمندند که بدون توجه به آنها نتایج درستی از این نشست ها حاصل نخواهد شد. بستر این گفتمان ها باید فراهم شود تا نتیجه این نشست ها تولید

رسیدن به درجات بالاتر حرکت می کردند.» نویسنده کتاب «روی دست آسمان» با تاکید بر این که تمامی روایات فقهی را که موجب رشد و اعتلای مکتب شیعه شده اند و امدار پرورش شاگردان امام باقر(ع) و امام صادق(ع) هستیم، اظهار می کند: «اهل بیت(ع) و پیروان بر حق آنها در مکتب شاگردپروری با تشخیص ذوق و علایق شاگردان و توانایی آنها در انجام امور و ادامه راه، آنها را پرورش می دادند، برخلاف آنچه امروزه در مسیر آموزشی مرسوم است و تمامی دانش پژوهان یک رشته باید دروس مشخصی را آموزش ببینند.»

وی می افزاید: «در مکتب شاگردپروری، استاد به تنهایی سخن نمی گوید، بلکه با طرح مساله از شاگردان می خواهد که آن موضوع را بررسی کنند و در این جلسات مباحثه ای، مناظراتی نیز در راستای نقد آرای متضاد عنوان می شود که با هدایت استاد موجبات تعالی آموزه ها و تبلور اندیشه های جدید و علم افزایی فراهم می شود.» در این جلسات شاگردان علاوه بر آموزش مهارت بیان نظرات و دیدگاه های خود، با آرای گوناگون و گاهی متضاد نیز آشنا می شوند و در جریان یادگیری تحمل شنیدن و در مواردی پذیرفتن آرای مخالف، درست فکر کردن و دستیابی به راهکارهای نوین در باز تولید علم را تمرین و ممارست می کنند.

حجت الاسلام والمسلمین خدامیان آرانی با اشاره به این موضوع که امام باقر(ع) و امام صادق(ع) شاگردان مشترک متعددی نیز داشتند، یادآوری می شود: «نخستین کتاب حدیثی در جهان اسلام توسط شاگردان این دو امام بزرگوار به رشته تحریر درآمد. از آنجا که اهل بیت(ع) تاکید بسیاری در نوشتن احادیث داشتند، با تقریرات عبدالله حلبی، «عصر طلایی حدیث» آغاز شد و به گونه ای رشد کرد که نخستین کتاب حدیثی اهل سنت سی سال پس از حرکت علمی تالیفی شیعه تدوین شد، چراکه اهل سنت آن روزگار نوشتن احادیث را حرام می دانستند، با این وجود از گسترش اندیشه های شیعی تأثیر پذیرفتند.»

مدیر موسسه اندیشه سبز شیعه اصفهان، در پایان با اشاره به مقام علمی امام باقر(ع) و شهرت ایشان به عنوان شکافنده علوم یادآوری می کند: «هنگامی که زراره، یکی از اصحاب و شاگردان امام باقر(ع)، برای پرسش مطلبی نزد ایشان آمد، این امام بزرگوار با وجود علم الهی خود، کتاب «صحیفه جامعه» را آوردند و پاسخ سوال را بر اساس متن کتاب برای زراره خواندند. این حرکت امام(ع) بهترین تشویق علمی و عملی در نگارش کتاب و استفاده از مکتوبات معتبر است. ایشان همواره یاران خود را به نوشتن و تالیف ترغیب می کردند.

اما اکنون به دلیل سرعتی که در یادگیری و آموزش علوم داریم، از این جلسات مباحثه که تأثیر شگرفی در تعمیق و ماندگاری آموزه ها در اذهان دارد، غافل شده ایم و اغلب آموزش ها و تدریس ها در مدارس، حوزه و

با شناخت و درک نقش بسزای پنجمین پیشوا در بالندگی تفکر اسلامی به ویژه تفکر شیعی، از اهمیت و ارزش تفکر، علم و دانش از نگاه قرآن کریم و روایات آگاه می شویم

تشکیل جلسات علمی بحث و مناظره برای توسعه علوم و نقد اندیشه ها، از روش هایی است که سابقه ای دیرینه در تبیین و تدریس علوم به ویژه علوم اسلامی و انسانی دارد. در این حلقه های بحث و نقد آراء، اغلب در پیچه هایی گشوده می شوند که نگاه صاحب نظران را به افق های دور، ظهور افکار جدید و زودن ابهامات خیره می کنند.

در زمان های گذشته، آموزش بسیاری از علوم به ویژه در حوزه های علمیه در حلقه شاگردان و استاد صورت می گرفت. در این جلسات که اغلب حاضران به صورت دایره وار در کنار یکدیگر قرار می گرفتند، تقریباً فاصله تمامی شاگردان این حلقه با استاد یکسان بود، همه به یک اندازه در مباحث شرکت داشتند و از مطالب عنوان شده، استفاده می بردند و وقتی انتقاد یا بر اهینی برای رد مباحث داشتند، فرصت های یکسانی برای ارائه آرای خودشان به دست می آوردند. حتی میزان توجه استاد نیز به تمامی شاگردان یکسان بود و به خوبی می توانست از میزان یادگیری، استعداد، علایق و حوصله آنان در پرداختن به مسائل گوناگون آگاه شود.

نشانه های اولیه این آموزش ها و به نوعی نخستین دانشگاه های اسلامی را در حلقه شاگردان امام باقر(ع) به عنوان پایه گذار مکتب فرهنگی شیعه می توان جست. پنجمین پیشوای شیعیان(ع) که در دوران امامتشان با خفقان شدید سیاسی مواجه بودند، برای پایداری دین اسلام و ترویج آموزه های الهی این دین در منزل، مساجد و در زمان های گوناگون به مباحثه با صاحبان اندیشه و آموزش علوم و معارف اسلامی به شاگردان و علاقه مندان به اهل بیت(ع) با استفاده از روش های خاصی نظیر استعدادیابی و توجه به علایق شاگردان، می پرداختند. عده ای از پژوهشگران که بر تاریخ اسلام تسلط فراوانی دارند، با توجه به یافته های گوناگون خود، آرای متفاوتی ارائه می دهند که در برخی موارد آمیخته شدن نگرش های توده جامعه مبتنی بر برخی از اغراق ها یا پندارهای نادرست را تصحیح می کند.

حجت الاسلام والمسلمین «مهدی خدامیان آرانی» مدیر موسسه اندیشه سبز شیعه اصفهان و برنده جایزه نخست کتاب رضوی بیروت، با اشاره به این که آنچه به عنوان دانشگاه امام باقر(ع) و امام صادق(ع) می شناسیم، متفاوت از حقیقت است، می گوید: «این گونه نبوده است که بیش از ۲۰۰ دانشجو که گاهی عده آنها بالغ بر چند هزار نفر عنوان شده اند، پیرامون حضرت به فراگیری آموزه های ایشان می پرداختند، آن هم در شرایطی که امام صادق(ع) حتی اجازه نداشتند در مسجدالنبی به عنوان امام جماعت نماز بخوانند. در حقیقت این بزرگواران از فرصت های گوناگونی که ایجاد می شد، برای ترویج مکتب شیعه استفاده می کردند، نه به این عنوان که محفل علمی تشکیل دهند و افرادی را در اطراف خود گرد آورند، بلکه شاگردان انگشت شماری داشتند که با توجه به استعدادها و زمینه های وجودی شان به آموزش آنها می پرداختند.»

وی با اشاره به شباهت های فراوان این آموزش ها با مکتب سامرا که «میرزای شیرازی» در حلقه درسش تشکیل می داد، بیان می دارد: «اساس این حلقه ها شاگرد محوری بود. چیزی که اکنون در حوزه ها و دانشگاه ها به آن احتیاج داریم در این جلسات باسنجش استعدادها، علایق و میزان آموزه های هر فرد، استاد به آموزش و پرورش او برای فعالیت در رشته های گوناگون علمی نظیر فقه، کلام، اندیشه... می پرداخت و لزوماً تمامی شاگردان نباید در مراحل یکسانی برای



کالبدشکافی شخصیت و آثار نویسنده‌ای با ۲۰ نام مستعار

مردی در جستجوی خودش



قصه‌های بلند و خواندنی «ژرژ سیمون» نویسنده بلژیکی تبار، اغلب و اصولاً در لحظه بحران آغاز می‌شوند و با شتاب و به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر به تراژدی ختم می‌شوند. به واقع در نوشته‌های این داستان‌نویس فوق‌العاده پرکار، جایی برای مقدمه پردازی‌های ملال‌آور و طولانی و شرح مفصل سابقه شخصیت‌ها نیست. اگر هم به

گذشته اشاره‌ای می‌شود، سریع و کوتاه است تا داستان از تپش و نفس‌نیفتد و مخاطب دل‌سرد نشود. گویا نویسنده هیچ‌و‌همه‌ای از در و درو شدن مخاطبش با پلیدی‌ها و جنایت‌ها ندارد و در این راه، چهره دیگری از انسان را پیش چشم قرار می‌دهد. برخی از علاقه‌مندان به آثار سیمون، کتاب‌های او را به کابوس‌هایی تشبیه می‌کنند که هنرمندانه توصیف شده‌اند و کمتر کسی جرأت آن را دارد که به اعمالقشان نظر بیندازد. به قولی در رمان‌های سیمون، ترس‌های پنهان، دسیسه‌ها و اضطراب‌های نهفته در پس پرده عادت‌های روزانه، امور دم‌دستی و عادی زندگی و نظم حاکم بر آنها، توصیف شده‌اند که ناگهان به لحظه انفجار می‌رسند و به بروز خشونت یا جنایت می‌انجامند.

خود نویسنده در این باره می‌نویسد: «مانند طبیعت‌شناسان، دوست دارم توجهم را تنها بر پاره‌ای از مکانیسم‌های رفتاری و کنش‌های انسانی متمرکز کنم. احساسات و هیجانات عاطفی پر شور، مرا به خود جذب نمی‌کنند. موضوعات بنیادین مربوط به اخلاقیات و فضیلت‌شناسی هم برایم جالب نیستند». با خواندن چند کتاب از ژرژ سیمون به سادگی می‌توان به این نتیجه رسید که او نویسنده‌ای است برآمده از تشویق‌ها، خشونت‌ها، درگیری‌ها، هراس‌ها، زدوبندها و مناسبات ویران‌انسانی در متن جامعه‌ای بزرگ از آدم‌ها و ماشین‌ها در گستره قرن بیستم.

به زبان دیگر، از لحظه خلق نخستین رمان جدی این نویسنده در سال ۱۹۲۴ تا واپسین کتاب او در سال ۱۹۸۱، مخاطب می‌تواند تصویری متنوع و رنگارنگ از موقعیت‌های اجتماعی گوناگون زندگی بشری را در قالب آثار پاکیزه این داستان‌پرداز به تماشا بنشیند و به صدای روایت او گوش بسپارد و درست بر پایه همین ویژگی است که سیمون به زبان داستانش، طور دیگری نگاه می‌کند و برخلاف گروهی از نویسندگان هم‌دوره‌اش، ناباوری او نسبت به زبان و اعتقادش به این که لفاظی و پیرایه‌های کلامی در بسیاری مواقع موجب قلب‌تفکر می‌شوند. در مقایسه با «صغرا کبری» روایت و چشم‌اندازی که با آن سروکار دارد، منطقی، موجه و صادقانه جلوه می‌کند.

در ستایش کلمه‌ها و ترکیب‌های کهنه
قهرمان‌های شما از گفت و گو و باز کردن دریچه دل نفرت دارند، کمتر حرف می‌زنند، کمتر حرف دلشان را می‌زنند و زبان همدیگر را بی‌توسل به کلمات درک می‌کنند؛ انگار از حرف زدن و گفت و گو می‌ترسند.

با شنیدن آخرین کلمه از این پرسش، نویسنده مکث می‌کند. به چشم‌های خبرنگار دقیق می‌شود و این بار به جای این که بخواید از روی خط اتوی پیراهن یا لرزش سیبک گلوی او، حدس بزنید که ظهر، پیش از آماده شدن برای مصاحبه، او تا چه اندازه مضطرب بوده، صاف و ساده پاسخ می‌دهد: «همین طور است، کلمات ارزش واحدی ندارند. به این سبب، کلمات بسیار کمی توی رمان‌هایم به کار می‌برم - کلماتی که چندان بیش از دو هزار تانیستند،

«دزیره سیمون» را به او بخشید. نویسنده نسبت به پدرش محبتی ستایش‌آمیز داشت و او را عامل رستگاری خویش از خطر گرفتار شدن در برهکاری و شرارت می‌شناخت. به همین دلیل، مگره مانند سیمون به همون‌عاش محبت می‌ورزد و آنان را درک می‌کند، اما بشنوید از زبان خالقی که از چگونگی خلق این شخصیت پرده برمی‌دارد و هرگونه پیشنهادی را بی‌ثمر می‌سازد: «اوایل مگره بسیار ساده بود. آدم گنده ملایم و خونسردی بود که مثل من بیشتر از آثار انگشت و ترفندهای پلیسی، به‌غریزه ایمان داشت. بعد اندک‌اندک به جایی رسیدیم که کمی شبیه به هم شدیم. ببینید، اغلب مخاطبان متحیر مانده‌اند که مگره، با آن همه علاقه‌ای که به داشتن بچه داشت، چرا بچه ندارد. این نکته حسرت‌برانگیز است. علت آن است که چون رمان‌های مگره را شروع کردم، نخستین زنب بچه نمی‌خواست و باید بگویم که من پیش از آن که خودم بچه‌ای داشته باشم، در حدود ۳۰ جلد رمان نوشتم که قهرمان اصلی همه‌شان مگره بود. زنب پیش از ازدواج قول گرفته بود بچه نداشته باشم و من از این بابت بسیار رنج می‌بردم چون بچه‌ها را می‌پرستیدم؛ همان طور که مگره بچه‌ها را می‌پرستید. برای همین قادر نبودم مگره را در چنان وضعی نشان بدهم که هر وقت به خانه برمی‌گردد، یکی، دو بچه ببیند. من این چیزها را نمی‌دانستم، در نتیجه ناگزیر شدم زوجی بیافرینم که نمی‌توانستند بچه داشته باشند. دلیل همین است... اگر مگره در میان قهرمانانی که آفریده‌ام، یگانه قهرمانی نباشد که وجوه مشترکی با من دارد، بی‌گمان یکی از آن قهرمانان انگشت شمار من است که با من وجوه مشترک دارند. قهرمانان دیگر همه‌شان کاملاً از من مستقل‌اند».

ایستگاه آخر

ژرژ سیمون بیش از ۳۲۰ رمان و داستان کوتاه نوشت که در این بین ماجراهای مگره، ۱۰۲ رمان و داستان کوتاه را با نام خود گره زد تا قریب به ۵۰ فیلم سینمایی بر این اساس به‌پرده‌نقشه‌ای راه‌یابد. سیمون در ۶۹ سالگی اعلام کرد که دیگر رمان نخواهد نوشت، اما چندی نگذشت که دریافت نمی‌تواند از وسوسه نوشتن و در قالب شخصیت‌ها فرو رفتن دست بردارد. بنابراین هشت سال پیش از خاموشی‌اش، کتاب «خاطرات خودمانی» را به عنوان آخرین اثر از خود به یادگار گذاشت و از جهان رفت. در کشور ما آثار متعددی از این نویسنده به فارسی برگردانده شده است که در این بین، ترجمه‌های پاکیزه‌ای مربوط به آغاز دهه ۴۰ با ترجمه کریم کشاورز به دست علاقه‌مندان رسیده و در سال‌های گذشته نیز مترجمانی نظیر کاوه میرعباسی یا مرحوم عبدالله توکل به ترجمه شایسته آثار او همت کرده‌اند. سیمون جدای از انتشار ۱۹۰ اثر که تنها برای کسب درآمد آنها را نوشت و پای آنها بیش از بیست نام مستعار گذاشت، ۳۳۰ رمان و داستان ۲۵ زندگینامه در کارنامه ادبی‌اش به ثبت رساند. آثار او تا به امروز به ۵۷ زبان ترجمه شده و بالغ بر ۶۰۰ میلیون نسخه از کتاب‌هایش در سراسر دنیا منتشر شده تا ما را به یاد نخستین گریه نوزادی‌اش بیندازد و به ما بیاوراند چه کارها که می‌تواند در فرصت کوتاه زندگی کرد.

آخرین کتاب آقای نویسنده، «خاطرات خودمانی» در ۱۹۸۱ نوشته شد. او هشت سال پایان عمر را در آرامش سپری کرد و سرانجام در ۱۹۸۹ زندگی را بدرود گفت.

پس وقتی این طور قلم می‌زنم، در فکر نگهداری قهرمان خودم هستم و می‌خواهم توی جلد او بمانم. گاهی فکر می‌کنم آیا نویسندگان محبوب من هم همین حال و هوا را داشته‌اند؟ آیا گوگول - بزرگترین نویسنده قرن نوزدهم - یا فاکتر - نویسنده نویسنده‌ها - هم گاهی اسیر دام مخلوقاتشان می‌شوند؟ حقیقت این است که نوشتن از لحاظ من تقریباً جست‌وجوی خودم بود. وقتی رمان می‌نویسم، تصور می‌کنم به انسان نزدیک‌تر می‌شوم. رمان‌هایی وجود دارند که سراسر به یاری ناخودآگاه نوشته می‌شوند. در قالب شخصیتی فرو می‌رویم و هیچ نمی‌دانیم ما را کجا خواهد برد. هر روز مرتب و منظم دنبالش می‌کنیم و تنها در فصل آخر است که می‌فهمیم چه به سرش آمده است.

وقتی صحبت از قصه‌های پلیسی سیمون به میان می‌آید، نمی‌توان نام و سیمای کمیسر مگره را از یاد برد. شخصیت مگره نخستین بار در داستان‌های کوتاه سیمون، به درخواست مدیر مجله «کارآگاه» ظاهر شد. در ۱۹۲۹ نویسنده قراردادی برای نگارش ۱۸ رمان از ماجراهای این شخصیت بست؛ اگر چه در ابتدا بنا بود پس از انجام تعهدش، این ژانر ادبی را کنار بگذارد، اما در ۶۵ رمان و ۱۸ داستان کوتاه، باز به سراغ مگره رفت و اینچنین بود که شخصیت کارآگاه مگره به جهان داستان‌های پلیسی راه یافت و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد.

در میان شخصیت‌های مشهور ادبیات پلیسی مثل هرکول پوآرو، هولمز، آرسن لوپن، فیلیپ مالر و کمیسر مگره شخصیتی است که درباره زندگی خصوصی‌اش بیشترین اطلاعات را داریم؛ روستازاده بود و در دهی به دنیا آمد به نام «آلیه». ابتدا قصد تحصیل در رشته پزشکی را داشت، اما پس از دو سال تحصیل را رها کرد و به خدمت پلیس درآمد. نویسنده، خودش به کنج‌کاوای ما در این مورد پاسخ‌های روشنی داده است؛ از توتون پیش‌گرفته تا تیک‌های عصبی، دلمشغولی‌های شخصی، خاطرات دوران کودکی، وسوسه‌های ذهنی، چگونگی ازدواجش و...، جملگی با خواننده در میان گذاشته می‌شوند. نویسنده‌ای در توضیح بیشتر برای باز شناختن شخصیت این کارآگاه دست پرورده ژرژ سیمون، نوشته است که سیمون در جوانی نیاز به یافتن کسی داشت که هم طیب جسم باشد و هم طیب جان. در این فکر بود که شخصیت مگره را آفرید و ناخودآگاه بسیاری از خصلت‌های پدرش

در صورتی که کلمات بیشتری در اختیار دارم. چرا این کار را می‌کنم؟

برحسب تازه‌ترین آمار می‌توان گفت که در دست دارم، یک دهقان فرانسوی، حدود ۲۰ - ۳۰ سال پیش، به طور متوسط ۶۰۰ کلمه به کار می‌برد. بعد کارکنان اداره‌ها، اشخاص وابسته به اصناف شهرهای کوچک تا ۱۲۰۰ کلمه و بعد آنهایی که وضع مالی خیلی بهتری دارند تا ۱۵۰۰ کلمه استفاده می‌کردند.

اگر بخواهیم به آدم‌هایی برسیم که ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کلمه، مجموعه لغات داشته باشند، باید سراغ کسانی برویم که خصلت اندیشه‌گری دارند. برای همین است که معتقدم در رمان یا هر متن دیگری، هر چه بیشتر کلمه به کار ببرید، دایره امکان دریافت معنی نوشته را تنگ کرده‌اید. دست کم از تعداد کسانی که از معنی درست نوشته سر در بیاورند کاسته‌اید. من از همان اول که قلم به دست گرفتم، جهد کردم تا آنجا که امکان داشته باشد با کلمات ملموس و عینی بنویسم. میز چیزی است که همه می‌دانند چیست. ابر، ابر است. بدون شک به همین علت است که کتاب‌های من به ۱۰۰ زبان برگردانده شده‌اند. آدم‌های واقعی از حالات روحی خودشان حرف نمی‌زنند؛ آنها عمل می‌کنند و با حرکاتشان دیده می‌شوند».

پنج کیلو افت وزن برای هر رمان

با وجود این که سیمون در آثارش به تراژدی می‌پردازد و به شخصیت‌های بزرگ‌هایی به عنوان ارزش مثبت سنجاق نمی‌کند، اما باید پذیرفت که نویسنده‌ای خوشبین است. از خلال آثارش به سادگی می‌توان به عشق او نسبت به زندگی و لذت‌های زندگی پی برد. خودش در کتاب «آدمی مثل باقی آدم‌ها» می‌نویسد: «هر چند برخی از نوشته‌های من ظاهراً بدبینانه به نظر می‌رسند، اما خودم نسبت به زندگی بدبین نیستم. درست برعکس از هر ساعت روز، از هر منظره‌ای، از هر نوع آب و هوا - بارانی یا برفی، آفتابی یا یخبندان - لذت می‌برم... همین طور اضافه‌کنم که وقت نوشتن هم با نوشتن لذت می‌برم. تنها با شخصیت‌هایی که آفریده‌ام و می‌خواهم با آنها انسان را بیشتر بشناسم درگیرم. برای همین هم از روی یادداشت‌های منتقدانم خبردار می‌شوم که خواسته‌ام چه بگویم! واقعیت این است که هنگام نوشتن چنان حالی داشته‌ام که یک فصل ۲۰ صفحه‌ای را طی دو ساعت می‌نوشتم، در حالی که ۸۰۰ گرم از وزنم کم می‌شد. با یک حساب سرانگشتی، این وزن کم کردن برای هر رمان تقریباً پنج کیلو درمی‌آمد!

گفت و گو با مهراوه فیروز
تطابق با فرهنگ ایرانی

علی صاحب‌دل

متنی که در ادامه می‌آید، گفت‌وگویی کوتاه با مهراوه فیروز، سرویراستار انتشارات البرز است. او که به تازگی ترجمه کتاب «مثل یک مرد فکر کن، مثل یک زن رفتار کن» را منتشر کرده، آثاری همچون «پری دریایی می‌سی‌سی‌پی»، «پول و قانون جذب»، «همه آنچه انجام دادم نتیجه داد» و «همه آنچه می‌توانی باش» را در کارنامه دارد. وی ترجمه رمان «نماد گمشده» را نیز در دست انتشار دارد.

شما چطور این کتاب‌ها را انتخاب می‌کنید؟

من مدیر فنی و سرویراستار نشر البرز هستم، به سایت‌های مختلف از جمله آمازون سر می‌زنم و کتاب‌های مورد علاقه خودمان را انتخاب می‌کنیم. یکی از ملاک‌های انتخاب ما پرفروش بودن کتاب است. اینکه نویسنده کتاب سرشناس باشد نیز برای ما دارای اهمیت است. پس از ارزیابی اولیه، خلاصه‌ای از کتاب را که در سایت آمده، می‌خوانیم. خوانندگانی که کتاب را خوانده‌اند، در بخشی از سایت آمازون، نظرات خود را آورده‌اند. با توجه به مجموعه این نظرات، کتاب را سفارش می‌دهیم. وقتی کتاب به دستمان رسید، من یا یکی از مترجم‌های ما کتاب را تا انتها می‌خوانیم، اگر دیدیم که کتاب مورد نیاز جامعه کتابخوان ایرانی هست و با فرهنگ و دین ما تطابق دارد، کار ترجمه را شروع می‌کنیم.

یعنی کتاب‌هایی بوده که شما دریافت کنید و مناسب ترجمه نباشد؟

بله، موارد بسیاری بوده. برخی از کتاب‌ها را تا نیمه خوانده‌ایم و دیده‌ایم که مورد نیاز جامعه نیست و در ایران کاربردی ندارند. برخی از کتاب‌ها نیز متناسب با فرهنگ و مذهب ما نیستند. بسیاری از منتقدان و پژوهشگران، کتاب‌های کاربردی روانشناسی را چندان جدی نمی‌گیرند. به نظر شما چرا این اتفاق می‌افتد؟

اولین علت آن است که در انتخاب این کتاب‌ها دقت لازم مبذول نمی‌شود و گاهی کتاب‌هایی تالیف یا ترجمه می‌شوند که مورد نیاز جامعه نیستند یا حرف تازه‌ای را بیان نکرده‌اند. در نتیجه، کل کتاب‌های این عرصه در معرض انتقاد قرار می‌گیرد. اما اگر در انتخاب اولیه دقت لازم صورت گیرد، کمتر ممکن است این اتفاق بیفتد. به عنوان نمونه، کتاب باید برای خود منی که آن را ترجمه می‌کنم، لذت بخش باشد. اگر من مترجم از کتاب چیزی یاد نگیرم، به طور قطع کتاب برای دیگران هم چیزی نخواهد داشت.

شما به طور خاص، کتاب «مثل یک مرد فکر کن، مثل یک زن رفتار کن» را چطور انتخاب کردید؟ در اولین برخورد، عنوان کتاب برایم خیلی جذاب بود. از سوی دیگر، وقتی کتاب را خواندم دیدم که خیلی عملی به مسائل پرداخته است، در حالی که در بسیاری از کتاب‌های دیگر دیده‌ایم که این مساله به طور شعاری طرح شده. از سوی دیگر کتاب به زبانی ساده نوشته شده و تعبیری بسیار ملموس را به کار گرفته است. شاید این مساله از آن روست که نویسنده کتاب یک روانشناس نیست. او کم‌دینی است که تجارب خود از یک برنامه رادیویی را عنوان کرده است. این تجربی بودن کار خیلی به دلم نشست.

آیا این تغییر کوچکی که در اسم کتاب لحاظ شده، در داخل کتاب هم اعمال شده است؟

بله. بخشی از کتاب، بعد از ترجمه به دلیل آن که با موازین جامعه ما همخوان نبود، پیش از آنکه به وزارت ارشاد ارائه شود، از سوی خود من حذف شد. برخی از مسائلی هم که با فرهنگ ما جور نبود، کمی تغییر کرد، نه آنکه به متن وفادار نبوده باشیم.

گفت و گو



سجاد صاحبان زند

هر چند کتاب‌هایی که در عرصه روانشناسی کاربردی منتشر می‌شوند، گاه به بستر کتابسازی و کتاب‌های بازاری می‌افتند، اما می‌توان آثاری را در این حوزه دید که بسیار کارآمدند. «راز سلامت و آرامش درون» تالیف دکتر محمود نیکزاد را می‌توان یکی از این آثار دانست. این کتاب به تازگی توسط نشر البرز منتشر شده است. نیکزاد دارای مدرک دکترای روانشناسی کاربردی از دانشگاه آمریکن یونیورسیتی است. او پیش از اخذ این مدرک نیز در دو رشته «فلسفه و علوم تربیتی» و «راهنمایی و مشاوره» را در ایران اخذ کرده بود. دکتر نیکزاد تا کنون کتاب‌هایی چون «مکاتب کلاسیک و جدید روانشناسان بزرگ»، «راهنمای خودشناسی»، «دانستنی‌های ضروری روانشناسی»، «روانشناسی اجتماعی»، «کلیات اصول تعلیم و تربیت» و «آموزش فنون و مهارت‌های معلمی» را منتشر کرده است.

گفت و گو با دکتر محمود نیکزاد درباره «راز سلامت و آرامش درون»

توجه به گنج درون

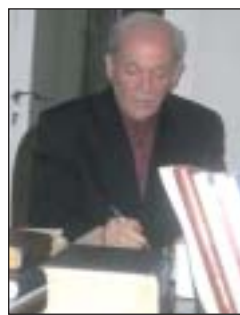


بسیاری از کتب روانشناسی کاربردی ترجمه‌اند. آنهایی هم که تالیف‌اند، توجه زیادی به فرهنگ ایرانی ندارند. اما شما مطالب خود را با توجه به ادبیات فارسی نوشته‌اید. این نکته چگونه حاصل شد؟

این کتاب جنبه تحقیقی دارد که در آن از منابع متعددی استفاده کرده‌ام. ارجاعاتی نیز در کتاب وجود دارد که همه را با آوردن پاورقی مشخص کرده‌ام. مادر فرهنگ خودمان مسائلی را داریم، مثلاً مولوی و دیگر شاعران بزرگ ما چون حافظ، سعدی و نظامی مفاهیمی را در کتابشان مورد بحث قرار داده‌اند که به روانشناسی cognitive (شناختی)، گشتالت و اگزیزستانسیالیسم بسیار نزدیک‌اند. مجموعه این مکتب‌ها را می‌توان در اشعار مولوی دید. من سعی کرده‌ام که در آن بخشی که به گنج درون مربوط است نشان دهم که بسیاری از مواردی که در مکاتب روانشناسی کسب شده، در فرهنگ غنی ما موجود است. این گونه نبوده که کسی بنشیند و بر حسب مسائلی چون مثبت اندیشی که ممکن است در جامعه مد شده باشد، چیزی نوشته باشد. ما در فرهنگ خودمان بسیاری از این مسائل را داریم. من در حال نوشتن کتابی دیگر با عنوان روانشناسی دینی، فلسفی و عرفانی هستم که در آن از قرآن و نهج البلاغه استفاده فراوان کرده‌ام، چرا که معتقدم که این کتب، مسائل و درس‌های بسیاری برای روانکاو دارند.

یعنی تلاش کرده‌اید تا در این کتاب، مسائل بومی ما را با علم روز ترکیب کنید؟

من سال‌ها کتاب علم النفس را در دانشگاه درس داده‌ام و شناخت خوبی روی این مساله دارم. منظور این است که اگر ما در فرهنگ خودمان به خوبی



جست‌وجو کنیم، چیزهای بسیار غنی و قشنگی پیدا می‌کنیم که شاید مخاطب ایرانی آنها را بهتر درک کند. البته اگر این مسائل به طریق علمی اثبات شوند، می‌شود از آنها استفاده کرد. هر چند که نمی‌توان برخوردی از جنس علم فیزیک با روانشناسی داشت. شما مساله‌ای چون شرطی شدن را برای بچه‌ها در نظر بگیرید. ما گاهی برای آموزش کودکان به این شیوه احتیاج داریم. ما از این

شیوه با عناوینی چون تشویق، تنبیه و پاداش استفاده می‌کنیم. اینها شرط‌های لازم هستند، اما شرط‌های کافی برای انسان، آن مفاهیم درونی و شناختی است، یعنی آن آزادی عقلانی که به انسان داده شده برای این که انتخاب کند و علت و معلول را بشناسد، بخش مهمی از ما اعتقادات ما هستند که ما باید آنها را بشناسیم. ما باید بدانیم که از چه ارزش‌های فردی، اجتماعی، ملی، مذهبی و ارزشی برخورداریم و از این جنبه‌ها بهره بگیریم. ما این جنبه‌ها را در مقوله مسائل تجربی قرار نمی‌دهیم. مثلاً همه بر اثر تجربیات آزمایشگاهی پذیرفته‌ایم که آب در صد درجه می‌جوشد، اما نمی‌توان مواردی را که ذکر کردم به این گونه سنجید. من در این کتاب نشان داده‌ام که بخشی پنهان در بشر وجود دارد که اگر درست تربیت

شود، او حتماً به خلاقیت می‌رسد. مثلاً ما در قرآن این آیه را داریم: بدیع السموات و الارض. یعنی خداوند، نوآور آسمان و زمین است. اگر انسان نیز می‌خواهد به این صفات خدایی نزدیک شود، باید به درون خودش توجه کند. من در این کتاب خواسته‌ام چنین تطبیقی بین علم، عقیده و آنچه درون خود به عنوان گنج ارزش‌ها داریم داشته باشم. به مخاطبان کتاب نیز توصیه می‌کنم که آن را بر حسب نیاز خود بخوانند. یعنی به فصل‌های کتاب نگاه کنند و آن مطالبی را که نیاز دارند، بخوانند.

ما دو دسته روانشناسی داریم، دسته‌ای که بسیار نظری و تئوریک است و دسته‌ای که بسیار عملگرا و گاه سطحی است. معمولاً آثاری که حد واسط این دو باشند، یعنی به مسائل علمی و نظری توامان نظر دارند، کم داریم. نوشتن چنین متونی با دشواری‌هایی همراه است. چطور شد که شما این شیوه را برای نوشتن برگزیدید؟

به نظر من، هیچ چیز عملی‌تر از یک نظریه خوب نیست. یعنی اگر ما یک تئوری خوب داشته باشیم، نمی‌تواند در حد تئوری باقی بماند و حتماً به زندگی راه خواهد یافت.

اگر ما با یک تئوری خوب روبه‌رو شویم که با ارزش‌های فرهنگی ما سازگار است، این نظریه باید وارد درون ما شود. در نتیجه تئوری زمانی ارزش دارد که به صورت عمل درآید. این بیان از آن کورت لوین است که می‌گوید هیچ چیز عملی‌تر از یک نظریه خوب نیست. او مکتب گشتالت را از آلمان به آمریکا آورد و مقابل باورگرایی چون واتسون ایستاد، روانکاوانی که اسرار داشتند هر چیزی را که بتوان آن را از نظر آزمایشگاهی سنجید، علمی‌تر است. او معتقد بود که انسان می‌تواند آن پرده‌های کلیشه‌ای علمی را ببرد، ایجاد خلاقیت کند و از آن در زندگی‌اش بهره بگیرد. کتاب‌های خوبی توسط بسیاری از پژوهشگران، از استاد بنده دکتر سیاسی گرفته تا دیگران، نوشته شده‌اند. اما این کتاب‌ها اغلب اوقات، بسیار نظری‌اند و امروزه ما در شرایطی هستیم که به

کتاب‌های عملی نیاز داریم. یعنی به جای آنکه نگاهی بیرونی به این پدیده‌ها داشته باشیم، آنها را به دورن خود ببریم و بدل به باورهایمان کنیم. ما در آن شرایط دارای اصول و پرنسیپی می‌شویم که می‌توانیم آن را در عمل نیز به دیگران منتقل کنیم. اگر این گونه نباشد، خواندن تئوری‌ها نه تنها کسی را روانشناس نمی‌کند، بلکه به درد کسی هم نمی‌خورد. ما نباید انسان‌ها را به دلیل آن که فلان روانشناس چون پاولف، واتسون یا آدلر، فلان حرف را زده، محدود کنیم. اسکینر، در سال‌های آخر عمرش کتابی با عنوان فراسوی حرمت و آزادی نوشت، که در آن به مسائل شهودی توجه کرده است. نمی‌توان روانشناسی را محدود کرد. هر چند می‌توان انسان‌ها را با یک سری رفتار محرک و پاسخ، مورد سنجش قرار داد، اما اگر او درونش را آزاد کند، یعنی اگر از عقل و آزادی‌ای که خدا به او داده استفاده کند، انسان به خلاقیت می‌رسد. یعنی می‌تواند حرف‌های نو بزند. کوشش من در این کتاب این بوده که بتوانم سرنخی نشان بدهم، که ما می‌توانیم با گنج درونمان، با خلاقیت مان و با انتخابمان، مسؤلیت‌های خودمان را در جامعه و در قبال دیگران نشان دهیم و مسؤلیت‌پذیر باشیم. ما محدودیم، اما ذهن ما اقیانوسی است بی‌پایان که ما خیلی کم از آن استفاده می‌کنیم.

نکات دیگری هم در این کتاب مطرح کرده‌اید که مطابق با ارزش‌های دینی ماست، چون جبر و اختیار. کمی در این مورد توضیح بدهید.

قبول اصل آزادی، انکار اصل جبر نیست، چرا که جبر و اختیار هر دو در انسان تجربه می‌شوند. امام جعفر صادق (ع) در این مورد می‌فرماید: لا جبر و لا تفویض و الامر بین الامرین. یعنی نه جبر است و نه اختیار، بلکه چیزی مابین اینهاست. من این مسائل را در کتاب انعکاس داده‌ام.

نوشتن کتاب چقدر طول کشید؟

نوشتن این کتاب به طور متمرکز، یک سال طول کشید. یک سال هم طول کشید تا کتاب مجوز انتشار دریافت کند. یکی از دوستانم گفت که در وزارت ارشاد، روی کتاب‌های روانشناسی بسیار حساس هستند. البته این اتفاق در دوره پیش روی داد.



لعیا درفشه

کتاب ماه ادبیات در سه سال گذشته که به سردبیری دکتر احمد خاتمی منتشر شده در حالی سومین سال انتشار دوره جدید خود را پشت سر می گذارد که کم و بیش خوانندگان تخصصی خود را گاه با تشویق ها و گاه با نقدهایی از سوی آنان، همچنان حفظ کرده است. این که کتاب ماه از چه جایگاهی در میان مخاطبان برخوردار است، چه برنامه هایی دارد، دستاوردها و اهداف پیش روی آن چیست، از جمله موضوعاتی بود که با سردبیر این مجله درباره آنها به گفت و گو نشستیم. دکتر احمد خاتمی، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی در گروه زبان و ادبیات فارسی، رئیس کتابخانه مرکزی این دانشگاه و در زمره پژوهشگرانی است که آثار قلمی بسیاری را در دو حوزه ادبیات و دین به جامعه علمی ایران عرضه کرده است که از آن جمله می توان به: «شرح تاریخ جهانگشا»، «تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت ادبی»، «تصحیح (منطق الطیر)»، «فرهنگنامه موضوعی نهج البلاغه» و «فرهنگنامه موضوعی قرآن کریم» اشاره کرد.

در گفت و گو با دکتر احمد خاتمی سردبیر کتاب ماه ادبیات عنوان شد

کتاب ماه ادبیات، دستاورد سه ساله، برنامه پیش رو

ارتباط با کشورهای فارسی زبان مثل افغانستان، تاجیکستان و ... از جمله محورهایی است که در این برنامه ریزی ها تعریف شده است. از کارهای دیگری که برنامه ریزی کرده ایم در سال آینده اتفاق بیفتد و مقدماتش هم انجام شده، انتشار گزیده مقالاتی است که در این سی و چند شماره کتاب ماه ادبیات منتشر شده است. برای این برگزیده مقالات هم حدود ۲۰ محور را تعریف کرده ایم برای مثال داستان و داستان نویسان معاصر ایران، شعر معاصر ایران، شاعران معاصر ایران، در زمینه ادبیات تطبیقی، نقد ادبی، نقد کتاب و ... در مجموع در ۲۰ محور سال آینده ۲۰ کتاب به صورت مجموعه مقالات همراه با مقدمات توصیفی و تحلیلی منتشر خواهیم کرد که امیدواریم برای محققان این حوزه مفید واقع شود. فکر می کنید در این سه سال تا چه حد به اهداف مورد نظرتان رسیده اید و در حال حاضر در چه نقطه ای قرار دارید؟

هر نشریه ای وقتی منتشر می شود هدفی را دنبال می کند و من تصور می کنم ما به برخی اهداف مقطعی دست پیدا کرده ایم اما اگر مقصودتان از رسیدن به این اهداف این است که ما توانسته ایم همه اتفاقاتی را که در حوزه کتاب های ادبی در هر ماه یا در هر سال رخ داده منعکس کنیم و توانسته ایم همه مخاطبان علاقه مند به آن حوزه را در طیف خوانندگان مجله خودمان قرار بدهیم، البته نه! به چنین نقطه ای نرسیده ایم و فاصله مان در برخی موارد حتی خیلی زیاد است. یعنی با همه امکاناتی که فراهم شده و همه تلاشی که دوستان می کنند ما هنوز مشکلی مثل رساندن نشریه به شهرها و شهرستان ها را داریم و خیلی از مخاطبان و علاقه مندان ما در نقاط مختلف کشور از ما می خواهند که برایشان نشریه بفرستیم یا نشریات در جای مشخصی عرضه شود که متأسفانه این اتفاق نیفتاده است. بنابراین مایک هدف دور دست داریم و آن این است که بتوانیم همه دانشجویان زبان و ادبیات فارسی و فراتر از آن، همه علاقه مندان و استادان زبان و ادبیات فارسی را از رخدادهای این حوزه مطلع کنیم. حالا می توانید تصور کنید که چه حجم عظیمی از مخاطبان را باید پوشش بدهیم که این کار البته با وضعیتی که ما در حال حاضر داریم مقدور نیست و رسیدن به چنین نقطه ای آرزوی ما و مسؤولان خانه کتاب است که این امر البته مستلزم برنامه ریزی و شاید تجربیات بیشتر است.

مشکلی که گفتید به پایین بودن شمارگان نشریه بر نمی گردد؟
من فکر می کنم مشکل اصلی ما در این بخش، توزیع است و مسأله شمارگان هم به نظر من تابع توزیع است. یعنی اگر ما توزیع خوبی داشته باشیم می توانیم شمارگان نشریه را هم به همان حدی که می خواهیم افزایش دهیم یا اگر بازار، تقاضای بیشتری داشته باشد مجله تجدید چاپ شود تا به این ترتیب این نیاز رفع شود. فکر می کنم اگر بخواهیم در این زمینه آسیب شناسی دقیق تر و جدی تری داشته باشیم، باید این آسیب شناسی را در حوزه توزیع متمرکز کنیم. توزیع نشریات کتاب ماه باید سامانه ای پیدا کند تا مثل سایر نشریاتی که به راحتی در دسترس مخاطبان قرار می گیرد از طریق مراکز توزیع قوی بتواند پخش و عرضه شود.



بیشتر، به ادبیات معاصر هم توجه داشتیم به ویژه به ادبیات انقلاب اسلامی، که این تعبیر شاید تعبیر دقیق تری از ادبیات معاصر ایران باشد. اتفاقاتی را که در این سی سال در حوزه ادبیات افتاده در مقالات مختلفی نقد و بررسی کرده ایم. از کارهای دیگری که کتاب ماه ادبیات کرده و در حقیقت به نوعی به سوال شما ربط پیدا می کند، بحث ادبیات و دانشگاه است. ادبیات و دانشگاه در واقع شامل یک سلسله گفت و گوهای کتاب ماه ادبیات با گروه های آموزشی ادبیات در دانشگاه های مختلف است. برای مثال ما با دانشگاه شیراز، دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی و ... در حوزه ادبیات فارسی گفت و گو کرده ایم که در این گفت و گوها وضعیت ادبیات معاصر در دانشگاه ها هم مورد مذاقه قرار گرفته است. این مباحث جمع بندی شده و ما آنها را به نحوی به مسؤولان برنامه ریزی وزارتتی هم اعلام کرده ایم. علاوه بر این ما در کتاب ماه صفحاتی را به ادبیات و دانشجو و بحث و چالش های دانشجویی اختصاص دادیم که این کار هم با استقبال زیادی روبه رو شد. به موضوع برنامه ریزی هایمان برای آینده اشاره کردید. این برنامه ها مشخصاً چه سمت و سویی دارند و چه اهدافی را دنبال می کنند؟

برنامه های ما برای آینده دو - سه جهت کلی دارد؛ یکی ارتقای کمی و کیفی سطح مجله است یعنی می خواهیم مجله به جایگاه بهتری از آنچه دارد برسد، مطالبش عمیق تر و مخاطبانش گسترده تر شود که البته راهکارهایی هم برایش طراحی کرده ایم. محور دیگری که دنبال می کنیم، در واقع برگزاری نوعی ارتباط با محافل و مجالس علمی چه در داخل و چه در خارجی کشور است، یعنی نظرمان این است که اگر جایی همایشی برگزار می شود یا یک اتفاق فرهنگی در کشور رخ می دهد که به نوعی به ادبیات ربط پیدا می کند به آن بپردازیم. ارتباط با کرسی های زبان فارسی در خارج از کشور، ارتباط با ریزی های فرهنگی در خارج از کشور، ارسال نشریه برای آنها، گرفتن مقاله از کسانی که در زمینه زبان و ادبیات فارسی در خارج از مرزهای ایران فعالیت می کنند،

سیاستگذاری های کلان کشور و به تبع آن یک سلسله اهداف و برنامه هایی که خود خانه کتاب دارد، به سمت و سویی حرکت می کند که به اهداف متعارف خود برسد و در این مسیر ما مقید به رعایت محدودیت های دیگری نیستیم، یعنی گامی را برمی داریم برای این که به هدفی که داریم نزدیک تر شویم. بنابراین، تصویری که ممکن است بعضی ها داشته باشند که نشریات دولتی موظفند یک چیزهایی را بنویسند و چیزهایی را ننویسند، انصافاً در مورد کتاب ماه خانه کتاب مصداق ندارد. هدف ما در کتاب ماه ادبیات بیشتر نقد کتاب و مسأله اطلاع رسانی در حوزه کتاب و مباحث مربوط به آن است؛ خوب این یک هدف کلی است و این که ما کدام کتاب را نقد کنیم یا کدام کتاب را نقد نکنیم در این باره محدودیتی نداریم و بیشتر به شیوه های علمی نقد و نوع برخورد علمی در رابطه با کتاب توجه داریم. بخشی از مباحث ما هم مباحث نظری هستند که در این مباحث البته ما چارچوب هایی را که همه مطبوعات موظف به رعایت شان هستند رعایت می کنیم و برای حفظ شئون نشریه، صرفاً با دید تخصصی به کتاب ماه ادبیات می پردازیم و مقالاتی را منتشر می کنیم که جنبه های تخصصی دارند و به هر حال موضوعی را مطرح می کنند که در حوزه ادبیات جایگاهی دارد.

نسبت پرداختن به دو حوزه ادبیات کلاسیک و ادبیات معاصر در کتاب ماه ادبیات چطور تعریف شده، به ویژه که بسیاری از مخاطبان و مخصوصاً دانشگاهیان همچنان از این موضوع گله مندند که فضای ادبیات ما هنوز تحت سیطره ادبیات کلاسیک است و به ادبیات معاصر چنان که باید توجهی نشده است.

به نظر من درباره این نسبت باید قدری دقیق تر فکر کرد، اما در کتاب ماه ادبیات به خصوص در این شماره های اخیر، گرایش به ادبیات معاصر محسوس و معلوم است. ما بهای ویژه ای برای ادبیات امروز قائلیم و البته این بدان معنا نیست که ادبیات کلاسیک را نبینیم یا از آن غفلت کنیم. سعی ما این است که به خصوص در نقد کتاب ها، کتاب های جدید و موضوعات روز و مورد نیاز نسل دانشجو و پژوهشگران را دنبال کنیم. در مباحث نظری و حتی در شکل و شمایل مجله هم سعی مان این است که متناسب با خواسته ها و جریان های روز ادبی و فرهنگی پیش برویم. برنامه ریزی هایی هم که برای آینده داریم باز به همین سمت و سواست. ما تقریباً می توانیم ادعا کنیم که همسنگ با ادبیات کلاسیک و بلکه قدری

در کتاب ماه

صفحاتی را به ادبیات

و دانشجو و بحث

و چالش های دانشجویی

اختصاص دادیم که این کار

هم با استقبال زیادی

روبه رو شد

بسیاری از اساتید حوزه روزنامه نگاری معتقدند ما در ایران با کمبود جدی رسانه ها و نشریات تخصصی مواجهیم؛ سوال این است که کتاب ماه ادبیات در حوزه تخصصی خود چه میزان از این خلأ را توانسته پوشش دهد و به طور کلی جایگاه این ماهنامه را در میان نشریات تخصصی حوزه ادبیات چطور ارزیابی می کنید؟

من هم معتقدم که ما نشریات تخصصی در حوزه های مختلف از جمله در حوزه زبان و ادبیات فارسی کم داریم و این کمبود زمانی بیشتر خود را نشان می دهد که حوزه زبان و ادبیات را به معنای عام آن در نظر بگیریم. برای مثال اگر به زبان و ادبیات، عربی را هم اضافه کنیم یا همچنین انگلیسی، فرانسه و آلمانی را، می بینیم حوزه ای گسترده پیش رو داریم با نشریات بسیار کم! بنابراین، این حرف کاملاً درست است که ما با کمبود نشریات تخصصی مواجهیم و قاعدتاً باید تلاشی در این زمینه صورت گیرد که علاوه بر انتشار نشریات حوزه های دانشگاهی به عنوان نشریات علمی و پژوهشی که مخاطبشان غالباً خود دانشگاهیان هستند، نشریاتی نیز در سطوح گسترده تر و برای مخاطبان عمومی و علاقه مندان به زبان و ادبیات فارسی منتشر شود. این کار می تواند با سیاستگذاری هایی از سوی وزارت ارشاد برای صدور مجوزهایی به این منظور صورت بگیرد یا به صورت بخش های تحت پوشش نهادهای فرهنگی دولت عمل کند. در هر حال این خلأ باید طوری که مصلحت است حل و فصل شود. شاید از بهترین و کامل ترین نمونه اجرا شده این طرح - که پیشنهاد می کنم گسترش یابد - کتاب ماه هایی هستند که در خانه کتاب هدایت و منتشر می شوند که کتاب ماه ادبیات هم از آن جمله است. البته کتاب ماه ادبیات قبلاً تحت عنوان کتاب ماه ادبیات و فلسفه منتشر می شد که از سه سال پیش با این هدف که بتوانیم نشریه را تخصصی تر کنیم و هم مخاطبان نشریه مشخص تر باشند این دورا از هم تفکیک کردیم که در حال حاضر کتاب ماه ادبیات و کتاب ماه فلسفه به صورت مستقل منتشر می شوند و بنابه نظر خواهی هایی که انجام گرفته و بحث هایی که در مجامع مطرح می شود همه حکایت از این دارد که میزان علاقه مندان به کتاب ماه ادبیات خوشبختانه زیاد است و این نشان می دهد که این نشریه جایگاه خودش را پیدا کرده و البته می تواند به جایگاه مطمئن تری هم برسد.

نشریاتی مثل کتاب ماه که به نحوی نشریاتی دولتی محسوب می شوند در نظر مخاطبان غالباً با این شائبه همراه است که این نشریات باید چارچوب های خاصی داشته باشند و جریان های خاصی را دنبال کنند. شما به عنوان سردبیر کتاب ماه ادبیات در این باره چه نظری دارید؟

ما در این ۳۲ شماره ای که منتشر کردیم هرگز چنین نبوده که کسی به ما مطلبی را دیکته کند یا در این تنگنا قرار بگیریم که مثلاً بعضی مسائل را حتماً بنویسیم یا بعضی مسائل را ننویسیم و قطعاً اگر قرار باشد چنین اتفاقی بیفتد که کسی به ما بگوید چه کار بکن و چه کار نکن، ما قادر به همکاری نخواهیم بود. انصاف این است که بگوییم نشریات کتاب ماه - البته - با یک چارچوب تعریف شده مربوط به



یگانه وصال

جیمز پاترسون نویسنده شصت و سه ساله آمریکایی ژانر دلهره، ۳۴ بار در فهرست پرفروش ترین نویسندگان نیویورک تایمز آمده است و این اتفاقی نادر در ادبیات آمریکاست. همچنین او در چند ماه اخیر، چندین کتاب جدید منتشر کرده که تقریباً تمام آنها با فروش بسیار خوبی روبه‌رو شده‌اند. او همچنین قرار است کتاب‌های دیگری نیز تا نه ماه آینده وارد بازار نشر کند. «گبی وودز»، «گفت و گوگر روزنامه» (آبزرور)، در این باره به بحث و گفت‌وگویی با او نشسته است و با وی از زندگی و دلایل موفقیتش صحبت کرده و افزون بر این، با هم از ادبیات کودکان هم صحبت کرده‌اند. وی همچنین با پاترسون چند کلامی هم در مورد داستان جدیدش، از مجموعه دنباله دار «الکس کراس» به نام «من، الکس کراس» سخن گفته است که طرفداران او و به طور کلی این مجموعه، آن را بهترین داستان بعد از جلد‌های اول آن، «عنکبوتی می‌آید» می‌دانند. این مصاحبه در روز پنجم دسامبر در روزنامه آبزرور به چاپ رسیده است.

گفت و گو با جیمز پاترسون

داستان نویسی هم می‌تواند تیمی باشد

با خانواده این زن سپری کردم. باید بگویم که آنها خیلی شوخ بودند و غذا و موسیقی شان هم بسیار عالی بود و می‌توانم بگویم که این خانواده حداقل الهام بخش قسمتی از این مجموعه‌اند.

به یاد ماندنی ترین نظری که از خوانندگان تا به حال دریافت کرده‌اید چه بوده است؟ به ویژه بعد از راه اندازی سایت اینترنتی رید-کیدو-رید (readkiddoread.com) که هدف اصلی اش ترغیب کودکان به خواندن است.

اینکه می‌شنوم داستان‌های من باعث ایجاد شوق خواندن در افرادی که قبلاً علاقه زیادی به آن نداشته‌اند، شده است، به ویژه اگر این تازه خوانندگان از میان کودکان باشند و یا اینکه عده‌ای با داستان‌های من دوباره به عالم کتابخوانی بازگشته‌اند، بسیار برایم با ارزش است.

آیا پایان مجموعه «الکس کراس» را نزدیک پیش بینی می‌کنید؟

هنوز چیزهای زیادی هست که باید راجع به الکس کراس بنویسم. باید بگویم که اشتیاق زائد الوصفی برای ادامه این مجموعه دارم.

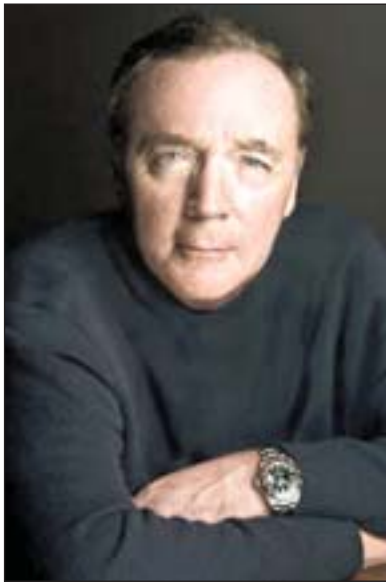
سوالی که برای همه پیش می‌آید، این است که شما چگونه این همه کتاب را بی وقفه به چاپ می‌رسانید؟

در حال حاضر ۲۹ دست نوشته تقریباً آماده انتشار در دفتر کارم دارم. می‌دانید که واقعا تعداد زیادی است. اما درباره چگونگی انتشار تعداد زیاد کارهایم، باید یادآوری کنم که من با تعداد زیادی نویسنده کار می‌کنم. به این صورت که همانطور که قبل تر گفتم، پیرنگ را آماده می‌کنم و به دست نویسندگان یا بهتر بگویم همکارانم می‌سپارم و پس از خواندن طرح‌های ابتدایی داستان، سرانجام به داستان مورد نظر می‌رسم. قبول دارم که این فرایند کمی در دنیای نشر عجیب به نظر می‌رسد، اما می‌دانید که نمایش‌های تلویزیونی هم نتیجه یک فرایند تیمی‌اند. بنابراین نوشتن داستان به این شکل، آنقدرها هم که مردم فکر می‌کنند غریب نیست. باید این را هم بگویم که برای نوشتن اصلاً لازم نیست در محل خاصی باشیم. حتی زمانی که در فرودگاه میان انبوه مسافران در سالن انتظار نشستیم، معمولاً مشغول پراکنده نویسی‌ام.

در حال حاضر مشغول خواندن چه کتابی هستید؟ مجموعه داستان‌های کوتاه «همه چیز ویران و سوخته است» نوشته ولز تور را می‌خوانم.

آیا برای نوشتن کتاب‌هایی که مخاطبانشان کودکانند، راهکار متفاوتی در مقایسه با دیگر کتاب‌هایتان دارید؟

من هیچ گونه تمایزی برای ایده‌های کتاب‌هایم بر این اساس که برای چه مخاطبی مناسب‌ترند قائل نمی‌شوم. وقتی که می‌خواهم عاشقانه بنویسم، می‌نویسم. یا اگر بخواهم مهیج و دلهره آور بنویسم، به مخاطب فکر نمی‌کنم، چون ایده‌ای که به ذهن آمده ذاتاً دلهره آور و مهیج است، به همین صورت وقتی ایده کودکانه است مخاطبان کتاب هم طبیعتاً کودکان خواهند بود. در حقیقت این کارا کترها هستند که باعث تغییر مخاطب می‌شوند نه یک تصمیم آگاهانه برای نوشتن برای یک مخاطب خاص. به هر حال امیدوارم همه از کتاب‌های من لذت ببرند.



نویسندگان آنجا بودند و هم اکنون هم هستند، مثل همین «کن کسی» که هر روز یک مشت قرص و دارو می‌خورد و خلایقش ناگهان فوران می‌کند. ولی باید بگویم که من هیچ اعتقادی به این قضیه ندارم. خلایقیت زبیده دارو، دوامی ندارد. از آن طرف باید «تان وولف» را مثال بزنم که هیچ دارو و موادی مصرف نمی‌کند. بسیار هم خلاق است و کارش هم دوام بیشتری دارد.

در دهه شصت، در دوره دکتر مشغول شدید ولی نهایتاً رهاش کردید. کمی هم در این باره صحبت کنید.

کاملاً خاطرم هست که هر روز سیگار می‌کشیدم و گرفتار مواد مخدر بودم، اما بعدها به خودم گفتم اگر قرار است درست و حسابی بنویسم، باید این کارها را کنار بگذارم. صادقانه بگویم که در کل فقط سه بار لب به حشیش و ماریجوانا زده‌ام و دو بار هم کواکین مصرف کرده‌ام. من واقعا عصبی بودم و احساس می‌کردم هر روز و هر لحظه خلایقیت نوشتن را بیشتر از دست می‌دهم. باید کاری می‌کردم. به همین خاطر هر دو را کنار گذاشتم.

کتابی که اخیراً منتشر کرده‌اید، «من، الکس کراس» با استقبال خوبی روبه‌رو شد. حال بهتر است کمی هم در مورد آن صحبت کنیم که در ۱۶ نوامبر منتشر شد.

کاراکتر اصلی این مجموعه فردی است به نام «الکس کراس» که روان‌شناس آمریکایی-آفریقایی تبار و بازرس بخش جنایی پلیس واشنگتن است و بعدها به عنوان مشاور پلیس به کار مشغول می‌شود. چه چیزی الهام بخش شما در خلق کاراکتری به این نام بود؟

کمتر کسی این قضیه را می‌داند که وقتی نخستین رمان از این مجموعه را می‌نوشتم شخصیت اصلی کتاب زنی به نام «الکسی» بود. پس از نوشتن حدود صد صفحه از کتاب، نام او را به «الکس» تغییر دادم. بچه که بودم پدر و مادربزرگم رستوران کوچکی داشتند که آشپز آمریکایی-آفریقایی تباری به نام «الکسی» که سرانجام هم به خانه مان آمد، در آنجا کار می‌کرد. در تمام دوران کودکی‌ام زمان زیادی را

دارد، اما این سبک که می‌بینید، کاملاً متعلق به من است. شما بروید و راه نوشتن خودتان را پیدا کنید. کمی در مورد نخستین کتابتان «شماره توماس بریمن» که در سال ۱۹۷۶ منتشر شد و هنوز هم فروش بسیار خوبی دارد صحبت کنید و اینکه چرا دیگر آن سبک را ادامه ندادید؟

شاید بتوان گفت که بهترین جملاتم را در این کتاب نوشته‌ام. اما با داستان‌های دیگرم از لحاظ داستان بودن قابل مقایسه نیست. همچنین، باید اذعان کنم که پس از آن کتاب، تاکنون سبک کارهایم هر چه بیشتر و بیشتر تجاری شده است. اما چیزی که به آن می‌بالم، تنوع مخاطبانم از استادان دانشگاه و رییس‌جمهورها گرفته تا مردم عادی و قشر پایین دستند.

خیلی‌ها بر این باور غلط‌اند که چون شما فقط پیرنگ داستان‌ها را می‌نویسید، تاثیر چندانی بر پیکره داستان نمی‌گذارید. می‌شود کمی در این باره صحبت کنید؟

می‌خواهم درباره این نوع همکاری در نوشتن به نکته جالبی اشاره کنم. نوشتن فقط در طرز و سبک نوشتن کتاب‌ها خلاصه نمی‌شود، بلکه نیروی پیش‌برنده‌ای که در خود داستان‌های من وجود دارد این است که بر خلاف کارآگاه منزوی و گوشه‌گیری که عادت دارد به سوی خانه بدود، بنوشد و بخوابد، کاراکترهای من برای پیدا کردن سرخ یا زنده ماندن به یکدیگر احتیاج دارند. راجع به همکاران نویسنده‌ام باید به شما بگویم هر یک از آنها نقاط قوت منحصر به خود را دارند، ولی نوشتن همه آنها بستگی به نوشتن من دارد.

شایع شده است که شما دستمزد بسیار خوبی به آنها می‌پردازید.

اصلاً این طور نیست. آنها به من پول می‌دهند، چرا که از من نوشتن یاد می‌گیرند. من هیچ وقت راجع به قراردادهای مالی بحث نمی‌کنم. آخر قرار است که ما با هم بنویسیم.

می‌شود کمی راجع به کار موقتی که در بیمارستان روانی «مک‌لین» داشتید و دیدارهای گاه به گاهتان با «رابرت لوول» شاعر برابمان بگویید؟

عاشق آنجا بودم. واقعا جای عالی برای کار کردن بود. پیش‌ترها علاقه به خواندن و پراکنده نویسی در من پیدا شده بود، بنابراین حتماً می‌خواستم تا آنجا که ممکن بود وقتم را با صحبت کردن با لوول بگذرانم و وقتی با او بودم، یک یا دو بار در روز برایم راجع به شاعر صحبت می‌کرد. واقعا بسیار عالی بود. در ضمن، باید به شما بگویم که خیلی از هنرمندان و

به عنوان نخستین سوال می‌خواستم بپرسم که راز پر کار بودن و پر فروش بودن آثار شما چیست؟

از سال ۱۹۹۶ که رمان مستقل «معجزه در خیابان هفدهم گرین» را چاپ کردم تا اکنون، دستیاران و همکاران نویسنده را به یاری گرفته‌ام تا کارم را کامل کنم، به این صورت که پیرنگ داستان را طرح ریزی می‌کنم و آنان به بازنویسی جملات مشغول می‌شوند و نهایتاً طرح‌های اولیه را یکی پس از دیگری بازنگری می‌کنم. من همیشه سرشار از ایده برای نوشتن هستم، بنابراین فقط کافی است ارتشی از دستیاران رافهرست کنم.

پس در حقیقت شما صاحب یک کارخانه نویسندگی هستید، یا به بیان دیگر فرمول نوشتن را در اختیار دارید!

نه، من کاملاً با هر دو تعبیر به کار رفته در سوال شما مخالفم و نمی‌توانم آنها را بپذیرم. فقط کافی است به دفتر کار من بیایید، آنجا خودتان متوجه منظورم خواهید شد و خواهید گفت: «اصلاً شبیه آن چیزی که فکر می‌کردم نیست، اصلاً نمی‌شود گفت چیست، یک جور هم نشینی عجیب و غریب...» فردیت، قدرت اراده، پیش‌زمینه‌هایی در داستان‌سرای همیشه در من وجود دارد.

آیا می‌توان این طور گفت که شما روی موضوعات محدودی متمرکزید و تنها راجع به آنها داستان می‌نویسید؟

به هر حال من به عنوان نویسنده، ایده‌هایی خاص برای نوشتن دارم و سراغ موضوع‌های خاصی می‌روم. البته گاهی این سوژه‌ها هنگام نوشتن تغییر می‌کنند. به هر حال من در ژانری کار می‌کنم و البته در همین ژانر، داستان‌های متفاوتی نوشته‌ام. البته رمان‌های مستقل، عاشقانه و حتی ادبیات غیر داستانی مورد توجه من، شاهدهی بر ذهن پر کار و خلاق من هستند.

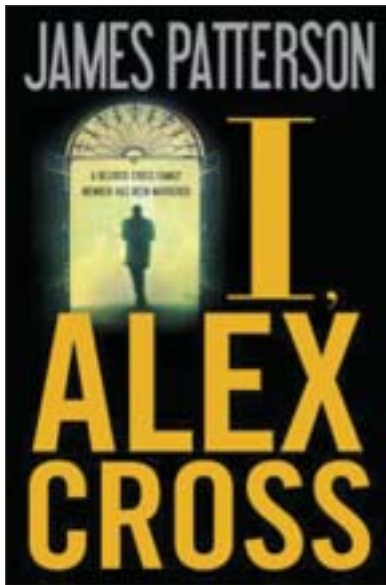
لطفاً راجع به دلیل اصلی موفقیتان صحبت کنید؟

یکی از دلایل موفق بودنم، نظم دقیقی است که در کارم رعایت می‌کنم، هر چند من زیاد به موفق بودن فکر نمی‌کنم اما اکثراً از ساعت پنج و نیم، شش صبح پشت میز کارم بیدارم و می‌نویسم. چیزی که ما زیاد در بین مردم و در جامعه نمی‌بینیم. در دیرترین حالت ممکن، اکثر مردم ساعت یازده می‌خوابند، در حالی که من چنین نیستم. من برای موفقیت در نوشتن، قواعد بسیار ساده‌ای دارم و این قواعد منحصر به من، عبارتند از اینکه خود داستان‌ها، نیرویی پیش‌راننده دارند و اینکه به هر فصل جداگانه از کتاب توجه خاصی دارم. گاهی پیش‌می‌آید تصمیم می‌گیرم شروع به نوشتن داستانی عاشقانه کنم بی آنکه حسی عاشقانه داشته باشم. یا اینکه اگر قرار باشد فضایی دلهره آور و ترسناک را روی کاغذ بیاورم، این کار را بدون داشتن هیچ گونه ترس یا دلهره‌ای انجام می‌دهم.

آیا داستان نویسی قابل یاد دادن و فرا گرفتن است؟ نمی‌دانم. شخصاً علاقه‌ای به تدریس داستان نویسی ندارم. مطمئناً علاقه‌ای به این قضیه که عده زیادی مثل من بنویسند، ندارم. معتقدم که طرز نوشتن من یگانه است و فقط متعلق به من. در ضمن بر این باورم که جقدر فاجعه بار می‌شود اگر همه مثل من داستان‌هایشان را در فصل‌هایی کوتاه، می‌نوشتند. سبک‌های گوناگونی برای نوشتن وجود

نگاهی به کتاب «من، الکس کراس»، رمان جدیدی از جیمز پاترسون

احساسات زنانه در فجیح ترین اتفاقات



داستانی و رمان‌های عاشقانه منتشر کرده‌است. بسیاری از داستان‌های او هم به فیلم‌های تلویزیونی یا سینمایی تبدیل شده‌است.

این نویسنده مدرک کارشناسی اش را از دانشکده «منهن» دریافت کرد و دوره کارشناسی ارشدش را در دانشگاه «وندربیلت» به‌تمام رساند. او بعد از آن، در دوره دکتری شرکت کرد اما خیلی زود آن را رها کرد، چون معتقد بود که آن دوره‌ها ذوق و حتی غریزه نوشتن را در او از بین می‌برند.

پس از آن، برای کسب درآمد مجبور شد در شیفت شب بیمارستان روانی «مک لین» به عنوان مشاور مشغول به کار شود. بر حسب اتفاق، رابرت لول شاعر هم در آنجا بود و پاترسون گاه به گاهی به دیدن او می‌رفت و از مصاحبت با او لذت می‌برد. لول نخستین کسی بود که در سال ۱۹۵۸ به بیمارستان روانی رفته و در مورد آن شعری نوشته بود. البته قبل از آن سیلوپا پلات هم در همان بیمارستان بستری بود که آن هم بعد از شرکت او در کارگاه‌های شعر لول بوده‌است و بعد از آن بود که کتاب «حباب شیشه‌ای» را نوشت. پاترسون در طول ۳۳ سال نویسندگی اش بیشتر از ۶۵ رمان نوشته‌است و تاکنون ۱۹ بار عنوان پرفروش‌ترین نویسنده را کسب کرده‌است.

او برنده جایزه «داگار» و جایزه بین‌المللی «کتاب مهیج» را از آن خودش کرده‌است. او تنها نویسنده‌ای است که عنوان پرفروش‌ترین راه هم در ادبیات بزرگسالان و هم در ادبیات کودکان، به‌طور همزمان کسب کرده‌است.

نکته دیگری که او را از دیگر نویسندگان متمایز می‌کند، به‌کارگیری تیمی از دستیاران نویسنده‌است که در بازسازی موضوعی که به ذهن او خطور کرده او را یاری می‌کنند، از این جمله می‌توان نویسندگانی چون ماکسیت پاترو، اندرو گراس و پیت دی جانگ را نام برد که البته نقدهای بسیاری هم بر این نوع نویسندگی او وجود دارد. با وجود این، او اخیراً همکاری اش را با الیزا مارکلوند نویسنده سوئدی آغاز کرده و داستانی را به نام «قاتل‌های کارت پستی» مشترکاً نوشته‌اند که قرار است در آگوست ۲۰۱۰ به بازار بیاید.

پاترسون به تازگی قراردادی تنظیم کرده‌است که بر اساس آن، قرار است تا سال ۲۰۱۲، کتاب، که شامل ۱۱ کتاب برای بزرگسالان و ۶ کتاب برای کودکان است منتشر کند و گفته می‌شود برای این قرارداد مبلغی حدود ۱۵۰ میلیون دلار دریافت کرده‌است. از نقدهای جالبی که بر آثار او شده‌است می‌توان به نقدهای که استفان کینگ نویسنده آمریکایی سبک وحشت در مورد او نوشته اشاره کرد که در آن پاترسون او را نویسنده‌ای «افتضاح و وحشتناک» خوانده‌است. همچنین پاتریک اندرسون، گفتگوگر روزنامه «واشنگتن پست» هم نقدهایی بر آثار او نوشته و آثار او را زیاد جالب نمی‌داند.

چاپ برسد به نام «گذشتن از میان آتش». اگر چه چند جلد اخیر این مجموعه برای خوانندگان طرفدار این مجموعه زیاد جالب و جذاب کننده نبود، اما این داستان اخیر یکی از بهترین‌های این مجموعه‌است و با استقبال خوبی هم رو به رو شده و ناامید کننده نبوده‌است.

نکته جالب در مورد مجموعه کتاب‌های الکس کراس این است که پاترسون برخلاف بسیاری از دیگر آثارش که اکثراً با کمک چندین نویسنده نوشته‌است این مجموعه را به تنهایی نوشته‌است. رمان «من، الکس کراس»، کاملاً منطبق بر سبک داستان نویسی خوداوست و نویسنده در آن از پاراگراف‌های بسیار کوتاه استفاده کرده و به همین خاطر شاید در نگاه اول داستان کوتاهی به نظر بیاید که به هر حال بسیار سرگرم کننده‌است و خوانندش لذت بخش. پاترسون بارها ثابت کرده‌است که قادر است از پس هر کاری برآید و این کتاب شاهدی است بر این توانایی او.

رمان «من، الکس کراس»، تمام خصوصیات داستان سرایی پاترسون را دارد. نثر کوتاه و موجز، شخصیت‌های احساساتی و حتی خشونت‌های تصویر شده، همراه با حوادثی به واقع شگفتی برانگیز که باعث شده‌است این رمان در میان هواداران پاترسون و به ویژه مجموعه دوستداران «الکس کراس» جایگاه خوبی پیدا کند. پاترسون با هنرمندی، خواننده را میان صحنه جرم و فضای خانه به دنبال خود می‌کشاند و با ظرافت تمام و با سبکی منحصر به خودش، او را در میان حوادث رخ داده تاب می‌دهد.

این داستان مانند دیگر داستان‌های قبلی این مجموعه، همانطور که ممکن است خواننده از داستان‌های مجموعه «الکس کراس» انتظار داشته باشد، محدود به همان هیجان‌ات و حوادث مرگبار نیست. البته قتل‌ها همان‌طور فجیح و دهشتناک تصویر شده‌اند، اما تفاوت عمده‌ای که این اثر با دیگر داستان‌های این مجموعه دارد، احساس گرایی است که جزء اصلی داستان شده و نیز وارد کردن سرویس‌های جاسوسی سری به آن. در حالی که سرعت پیشروی داستان مناسب است و آن را مدیون سبک مخصوص پاترسون به خاطر آوردن فصل‌های کوتاه در کتاب هستیم، رخدادها از سرعت و ضرورت لازم آنچنان که در کارهای قبلی وجود داشت، برخوردار نیستند. و اگر چه در داستان پیچ و تاب و انحرافی هم هست، اما به نوعی می‌توان گفت که آخر داستان قابل پیش بینی است.

در این داستان، شخصیت‌ها به‌طور کامل معرفی نشده‌اند، پس اگر تا به حال هیچ یک از داستان‌های این مجموعه را نخوانده باشید، این کتاب، جای خوبی برای شروع نیست. چون در طول خوانندش فقط حس غریبه‌ای به شما دست می‌دهد که وارد

اگر طی چند ماه بعد دیدید که دود از محدوده خانه جیمز پاترسون بیرون می‌آید، تعجب نکنید. چون دلیلش آتش گرفتگی نوک انگشتان نویسنده در اثر سایش بیش از حد با دکمه‌های ماشین تایپ است! چراکه قرار است او قراردادی را با ناشرش تنظیم کند که طبق آن باید تا آخر سال آینده میلادی ۱۷ کتاب جدید را به دست ناشر بسپرد که ۱۱ کتاب آن مخصوص خوانندگان بزرگسال و ۶ کتاب برای خوانندگان کودک و نوجوان است! این کتاب‌ها اکثراً از مجموعه داستان‌های دنباله دار او هستند. آخرین کتابی که از این مجموعه‌های دنباله دار به بازار آمده، کتاب «من، الکس کراس» از مجموعه دنباله دار «الکس کراس» محبوب‌ترین و به گفته برخی از منتقدان، بهترین سری کارهای اوست که از استقبال خوبی هم برخوردار شده. «الکس کراس» شخصیت اصلی این مجموعه، روان‌شناسی آمریکایی است که در بخش جنایی پلیس واشنگتن دی.سی مشغول به کار است و همه داستان‌های این مجموعه در مورد او و اتفاقاتی درباره او رخ می‌دهد. روی جلد این کتاب شرح و توصیف کوتاه‌اما تأثیر گذاری نوشته شده‌است فقط همین یک جمله: «یکی از اعضای دوست داشتنی خانواده کراس به قتل رسیده‌است.» این جمله خیلی بیشتر از آنچه تصور می‌شود خوانندگان وفادار این مجموعه را به سمت داستان جذب و درگیر آن می‌کند. همین‌طور خواننده بعد از باز کردن کتاب به جمله‌ای برمی‌خورد که پیش از آغاز داستان او را ناخودآگاه مسحور داستان می‌کند: «ترسناک‌ترین داستان الکس کراس بعد از داستان عنکبوتی می‌آید.»

در روز تولد «الکس کراس»، قهرمان داستان، تماسی تلفنی همه چیز را تغییر می‌دهد. به او خبر می‌دهند که برادرزاده‌اش به طرز وحشیانه‌ای به قتل رسیده‌است. الکس برای شناسایی بقایای جسد او می‌رود و از آنچه می‌بیند شوکه می‌شود. وقتی که نشانه‌های باقیمانده را دنبال می‌کند، متوجه می‌شود که این قتل ارتباطی با خود او دارد و پای قاتلی دیوانه و ظالم در میان است. در حالی که او به دنبال اثری از قاتل است، متوجه می‌شود که این قتل ارتباطی هم با کاخ سفید و همین‌طور اف.بی.آی دارد. در این گیر و دار او با بحرانی در داخل خانه هم رو به رو می‌شود. مادر بزرگ دوست داشتنی و مهربان او که در تمام داستان‌های این مجموعه نقش مادری دلسوز و خردمند را دارد، با بیماری دست و پنجه نرم می‌کند که به نظر می‌آید راه گریزی از آن نیست.

گفته می‌شود «الکس کراس» یکی از محبوب‌ترین مجموعه داستان‌های جیمز پاترسون است. تاکنون ۱۶ جلد از این مجموعه به چاپ رسیده که این کتاب، یعنی «من، الکس کراس» آخرین اثر به چاپ رسیده این مجموعه‌است. البته کتاب دیگری از همین مجموعه قرار است تا ۱۵ نوامبر ۲۰۱۰ به

تجدید دیدارهای خانواده‌ای شده‌است. اما برای کسانی که سال‌ها داستان‌های این مجموعه را دنبال کرده‌اند، بی‌شک مثل یکی از اعضای آن خانواده با حوادث در حال رخ دادن همدردی خواهند کرد و درگیر فراز و نشیب‌ها خواهند شد.

پس اگر داستان «من، الکس کراس»، داستانی سرشار از اضطراب و نگرانی است، این اضطراب طوری به خواننده انتقال می‌یابد که او اصلاً انتظارش را ندارد. این داستان بیش از اینکه داستانی جنایی و مهیج باشد، یک درام خانوادگی است که احساس‌ها را در روابط خانوادگی با ظرافت بیان کرده و خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اکثر آثار جیمز پاترسون به بسیاری از زبان‌های دنیا از جمله فارسی ترجمه شده‌اند. اما این کتاب جدید هنوز برای ترجمه به دست هیچ مترجمی سپرده نشده‌است. تنها رمان‌هایی که از میان ۶۵ اثر جیمز پاترسون به فارسی برگردانده شده‌اند، عبارتند از: «چهار موش کور»، «دفتر خاطرات سوزان برای نیکلاس»، «زمانی که باد بوزد» و «کلبه ساحلی» که البته همه اینها از رمان‌های مستقل جیمز پاترسون هستند و تا به حال هیچ یک از مجموعه‌های دنباله دار او به فارسی ترجمه نشده‌است.

مختصری بر زندگی جیمز پاترسون

جیمز پاترسون نویسنده آمریکایی داستان‌های مهیج که بیشتر به خاطر مجموعه داستان‌های دنباله دار «الکس کراس» که داستان روانشناسی به نام الکس کراس است، شهرت دارد، در ۲۲ مارس سال ۱۹۴۷ در نیویورک به دنیا آمد. او همچنین مجموعه داستان‌های دنباله دار دیگری چون: «مایکل بنت»، «باشگاه قتل زنان»، و مجموعه «دانیل ایلس» را هم علاوه بر رمان‌های مستقل تک جلدی و ادبیات غیر

پاترسون از زبان خویش

عشق یعنی کسی که بشود

با او حرف زد

یکی از دوستانم یک بار عشق را اینگونه تعریف کرد: پیدا کردن کسی که بتوانی تا نیمه‌های شب با او حرف بزنی. وقتی که هیچ ذهنیتی در مورد چیزی ندارم، چگونه می‌توانم تغییرش بدهم، یا ندهم یا حتی بگویمش به دیوار. خنده‌دارترین چیز در مورد مواجهه با مرگ قریب الوقوع این است

که در آن ناگهان همه چیز به «پرسپکتیو» رانده می‌شوند.

بالینکه همیشه روی مدهستم اما هنوز هم یک ساز دهنی لوس می‌زنم. هشار! اگر جرات کردی که داستان‌های مرا بخوانی، مطمئن باش که در تجربه کردن حوادث درون آن شریک خواهی شد.

اخیراً متوجه شده‌ام که من همیشه روی سه کتاب یا حتی بیشتر به طور همزمان کار می‌کنم. برای این کار دلایل خودم را دارم و فکر می‌کنم این تنها روشی است که خیالم را راحت می‌کند.

من در خانه بین چند زن بزرگ شده‌ام: مادرم، مادر بزرگم، سه خواهرم. هنوز هم زنگ صدای آنها و صحبت‌هایشان در گوشم است. به همین خاطر احساس می‌کنم زن‌ها را بهتر می‌فهمم تا مردها.

دوست دارم کتاب‌هایم پایانی گیج کننده داشته باشند. اما دقیقاً نمی‌دانم که چطور از کار در خواهند آمد. دلم می‌خواهد وقتی چیزی می‌نویسم، کمی هم دلهره و بلا تکلیفی از آن به خواننده منتقل کنم. چیزی که در مورد فیلم‌های مایکل مور باید بدانید این است که آنها فیلم‌هایی مستند نیستند، بلکه پرتره‌ای از حقیقت‌اند.

همیشه منتظر اتفاقات غیره منتظره‌ام؛ حتی در داستان‌های خودم. فقط می‌خواهم دلهره آورترین نویسنده ژانر دلهره در دنیا باشم. می‌دانستم که قرار است داستانتان را با یک محاکمه حیرت آور به پایان برسانم اما از نتیجه آن هیچ چیزی نمی‌دانستم. بالاخره من هم به کمی حس تعلیق نیاز دارم.



تازه ترین کتاب های هفته

همه چیز درباره آثار شیسیم و روزهای چوبی

و جان مریت با ترجمه عدنان واعظی و زینب بختیاری پاک است که نشر باقیات منتشر کرده است. این کتاب در واقع یک راهنمای عملی برای والدین، مشاوران، معلمان و مراقبان کودک است که ما را با دنیایی از بدرفتاری های کلامی نسبت به خود و فرزندان و راه های پیشگیری از آن آشنا می کند. «حقیقت قضیه گالیله» اثری به قلم راه ریشتر، نویسنده فرانسوی است که داستان خود را با نگاهی به تاریخ آغاز می کند و سپس از زبان گالیله حدیث خود را بازمی گوید. گالیله برخلاف نظریه ارسطو و بطلمیوس و کلیسا اعلام کرد که زمین مرکز عالم نیست و نه تنها ساکن نیست، بلکه مانند همه سیاره ها دور خود و دور خورشید می گردد و عاقبت در دادگاه تفتیش عقاید رم، او را به جرم کفر گویی محکوم می کنند و او را می دارند که توبه کند و از عقاید خود دست بردارد. چاپ اول این کتاب با ترجمه محمد مجلسی در فصل پاییز منتشر شده بود و به دلیل استقبال گسترده کمتر از سه ماه به چاپ دوم رسید. ناشر این کتاب نشر دنیای نواست. همین ناشر کتاب «طاعون ارغوانی» نوشته جک لندن را با ترجمه محمد مجلسی در همین هفته منتشر کرد. داستان پنج گانه این کتاب از نوشته های این نویسنده در واپسین سال های عمر اوست که واقعیت و خیال را در هم می آمیزد و قدم به سال های ۲۰۱۳ تا ۲۰۶۳ می گذارد و آینده بشریت را در هزاره سوم به تصویر می کشد.

آراسته شده است. کلیله و دمنه مشهور ترین متن عربی است که به همت ابن مقفع سه قرن پس از متن پهلوی به زبان تازی به شیوایی و رسایی تمام ترجمه شده است. از متن پهلوی برزویه طبیب اثری به جا نمانده است. در سده نهم هجری مولانا حسین واعظ کاشفی به اشاره نظام الدوله والدین امیر شیخ احمد معروف به سهیلی که وزیر و امیر سلطان کمال الدین حسین بن منصور بایقرا به تهذیب متن فارسی کلیله و دمنه پرداخت و دگرگونی هایی فراوان در آن پدید آورد. «سرگذشت ژیل بلاس» اثری معروف از آلن رنه لوساژ با ترجمه میرزا حبیب اصفهانی است که به اهتمام غلامحسین میرزا صالحی در سال ۱۳۷۷ از سوی انتشارات معین با همکاری انتشارات مازیار منتشر شده بود و اکنون با تغییراتی در طرح جلد از سوی انتشارات معین تجدید چاپ شده است. ماجرای ژیل بلاس در طول سفر ماجراجویانه او به اسپانیا شکل می گیرد. این سفر دستاویزی است برای تماس و آشنایی با قشر های گوناگون اجتماع مانند نجبا، پیشخدمت ها، روحانیون، پزشکان، بازیگران تئاتر و نویسندگان. ژیل بلاس، کاشف وجه مضحک زندگی دنیوی انسان هاست که در خلال روایت زندگی شخصیت های رمان به آموزه های اخلاقی نیز نظر دارد. «قدرت گفتار مثبت» کتابی به قلم دگلاس بلاچ

«شبرنگ بهزاد» کتابی به قلم سودابه فضالی است که از سوی انتشارات جیحون منتشر شده. این کتاب در سه بخش تدوین شده است که بخش اول رمز پردازی اسب در روایات پرانی، اسطوره ای و حماسی نام دارد. بخش دوم درباره نمادگرایی جام و جام حسنلو است و سرسپاری و رمز هایش سومین بخش اثر حاضر را تشکیل می دهد. «ضیافت» نام یکی از معروف ترین آثار افلاطون، است که اکنون با ویرایش و پانوشته مهدی وفاپای از سوی انتشارات صدای معاصر و نشر سرایش چاپ و منتشر شده است. کتاب ضیافت یا درس عشق از زبان افلاطون، شاهکار این فیلسوف بزرگ یونانی است. موضوع این کتاب میهمانی یکی از دوستان سقراط است که در شاعری جایزه گرفته و ولیمه می دهد. در این ضیافت، اصحاب همه از شرب و نشاط و هیاهو خسته می شوند و بنا می گذارند که هر یک خطبه ای در وصف عشق و مدح خداوند عشق بسرایند. چنان که همه می سرایند اما آنچه سقراط می سراید حکایت دیگری است. «انوار سهیلی» عنوان کتابی از مولانا کمال الدین حسین واعظ کاشفی بیهقی است که با تصحیح و تحشیه دکتر محمد روشن از سوی همین انتشاراتی منتشر شده است. «انوار سهیلی» باز نویسی ساده و گزین از کلیله و دمنه است که با ادبیات و مصراع های بس مناسب

«روزهای چوبی» مجموعه ای از شعر شاعران ترکیه و جمهوری آذربایجان و ترکمنستان و... است که با برگردان رسول یونان از سوی نشر افکار چاپ و منتشر شده است. یونان که خود شاعری تغزلی است در این مجموعه سعی دارد اشعاری با مایه های تغزلی - اجتماعی را به مخاطبان ارائه کند. «آنا شیسیم» کتابی به قلم کالین وارد است که محمدرضا عبداللهی آن را به فارسی برگردانده و اقدام به انتشار آن کرده است. نویسنده این اثر ماهنامه «آنا رشی» را در بریتانیا سرمایه گذاری کرد و تا سال ۱۹۷۰ میلادی سردبیر آن بود. آنا شیسیم اپیدولوژی ای سیاسی و اجتماعی است که با وجود شکست تاریخی همواره در ظاهری نو یا در کشوری جدید دوباره سر بر آورده است. نویسنده در این کتاب طی ۱۰ فصل پس از تعاریف آنا شیسیم به معرفی بنیان گذاران این تفکر می پردازد، سپس نقش آن را در دوران انقلاب بازنمایی می کند و در مجموع شناخت جامعی از آن به دست می دهد. «نگاهی به تاریخ اساطیر ایران باستان» اثر مهرداد بهار و سیروس شمیسا است که برای نخستین بار از سوی نشر علم منتشر می شود. در حقیقت مطالب این کتاب تقریرات استاد مهرداد بهار است که به وسیله شمیسا تحریر و تدوین شده است، آن هم در سال ۱۳۵۲ که شمیسا دانشجوی دوره فوق لیسانس در پژوهشکده فرهنگ ایران بود.

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب های چاپ اول، انتشارات آرام دل با بیست و شش عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ رضا مختاری با نوزده عنوان پرکارترین مولف؛ و مریم ناجزاد با هشت عنوان پرکارترین مترجم بوده اند.

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۱۳۸۸/۱۰/۱۲ تا چهارشنبه ۱۳۸۸/۱۰/۱۶، ۱۶۰۷ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتابها در موضوع آموزشی و کمک درسی و سپس دین بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات علوم عملی، ادبیات، علوم اجتماعی و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تالیف*	ترجمه	چاپ اول	جدید چاپ	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط	متوسط صفحه
۱	کلیات	۲۳	۲۲	۱	۷	۱۶	۲۰	۳	۲۶۹۱	۲۶۱
۲	فلسفه و روانشناسی	۸۱	۳۶	۴۵	۳۳	۴۸	۷۵	۶	۲۵۵۳	۱۴۷
۳	دین	۲۳۳	۲۰۵	۲۸	۱۲۷	۱۰۶	۱۴۱	۹۲	۳۳۸۰	۲۷۴
۴	علوم اجتماعی	۱۲۹	۱۰۳	۲۶	۶۴	۶۵	۱۱۲	۱۷	۲۳۱۶	۲۷۹
۵	زبان	۵۵	۵۱	۴	۲۱	۳۴	۴۴	۱۱	۲۷۶۵	۳۴۹
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۵۷	۴۵	۱۲	۲۴	۲۳	۵۲	۵	۲۳۹۶	۲۷۳
۷	علوم عملی	۲۱۰	۱۴۸	۶۲	۱۰۲	۱۰۸	۱۷۲	۳۸	۲۲۲۶	۲۶۷
۸	هنر	۴۴	۳۳	۱۱	۲۵	۱۹	۴۳	۱	۲۳۴۵	۲۰۰
۹	ادبیات	۱۴۶	۱۲۴	۲۲	۸۳	۶۳	۱۱۰	۳۶	۲۲۱۲	۲۲۵
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۷۷	۷۲	۵	۴۳	۳۴	۶۷	۱۰	۲۱۸۶	۲۹۴
۱۱	آموزشی و کمک درسی**	۴۴۵	۴۴۴	۱	۶۱	۳۸۴	۴۳۰	۱۵	۲۹۰۴	۱۹۱
۱۲	کودک و نوجوان	۱۰۷	۵۸	۴۹	۳۳	۷۴	۱۰۱	۶	۵۲۲۷	۶۲
	جمع بندی	۱۶۰۷	۱۳۴۱	۲۶۶	۶۲۳	۹۸۴	۱۳۶۷	۲۴۰	۲۷۶۷	۲۳۵

* «تالیف» به تمامی آثاری اطلاق می شود که ترجمه نباشد. آثاری چون تصحیح، تدوین، گردآوری، تحقیق، شعر و نظایر آن.

** منظور از موضوع «آموزشی و کمک درسی» کلیه کتاب هایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط هستند و مخاطبان آنها دانش آموزان تا پیش دبستانی تا دبیرستان هستند.

شاخص های آماری کتاب های کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
گزارشگر کتاب	۱۰۰۰۰۰ ریال	۶۶ قصه از هانس کریستین آندرسن؛ هانس کریستین آندرسن؛ پریسا همایون روز؛ ناشر؛ قدیانی، کتابهای بنفشه؛ چاپ ۲؛ ۵۵۰۰ نسخه
بیشترین صفحه	۸۵۰ صفحه	هری پاتر و حفره اسرارآمیز؛ جوان کلین رولینگ؛ ویدا اسلامیه؛ ناشر؛ کتابسرای تندیس؛ ۸۴ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه؛ ۵۸۰۰۰ ریال
بیشترین نوبت چاپ	۲۱ مرتبه	شکستناپذیرها؛ آئی اریاج؛ شهلا زلکی؛ ناشر؛ سپیده؛ چاپ ۱۲؛ ۱۰۱ صفحه؛ ۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۳۰۰۰۰ نسخه	دانش آموز عزیزم تو می توانی؛ طاهره اسدی صابر؛ ناشر؛ آوای برتر؛ چاپ ۱؛ ۷۱ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	۱۵۰۰۰ ریال

شاخص های آماری کتاب های بزرگسال

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزانتترین کتاب	۱۸۰۰ ریال	بیمار و آزمایشگاه ۳؛ ناشر؛ میرما؛ چاپ ۱؛ ۱۶ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۱۵۰۰۰۰ ریال	چکیده و نکات کلیدی اصول جراحی شواتر ۲۰۰۵؛ امین عزیزیان؛ ناشر؛ اشراقیه؛ چاپ ۱؛ ۴۸۴ صفحه؛ ۵۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۵۴ مرتبه	رساله اوجوبه الاستقانات؛ ترجمه فارسی؛ سیدعلی خامنه ای؛ ناشر؛ شرکت چاپ و نشر بین الملل؛ ۵۴۰ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۲۹۵۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۵۰۰۰۰ نسخه	خطبه غدیر؛ سند جاودانگی اسلام یا غدیر؛ چشمه جوشان ولایت؛ ناشر؛ اکرام؛ چاپ ۱؛ ۸۰ صفحه؛ ۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۲۰۰ نسخه	مجموعه مقالات همایش ملی گردشگری؛ توسعه پایدار و اشتغال زایی؛ ناشر؛ دانشگاه سمنان؛ چاپ ۱؛ ۴۰۰ صفحه؛ ۸۵۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۹۰۲ صفحه	مجموعه قوانین و مقررات مربوط به استان، شهر، شهرستان، روستا و شهرداری؛ تقسیمات کشوری - انتخابات - شوراهای اسلامی - قوانین شهرداری...؛ ناشر؛ دیدار؛ چاپ ۱؛ ۱۰۰۰ نسخه؛ ۲۵۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۸ صفحه	آزمایش های چهارگانه (کوادرابل) و ترکیبی در بارداری؛ زرتنگین خان یور؛ ناشر؛ میرما؛ چاپ ۱؛ ۱۰۰۰ نسخه؛ ۲۵۰۰ ریال

شاخص های آماری کتاب های کمک درسی

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزانتترین کتاب	۸۵۰۰ ریال	فارسی آموز داستانی کلاس اولی ها؛ عفت تویچی؛ ناشر؛ منادی تربیت؛ چاپ ۸؛ ۱۲ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۴۰۰۰۰ ریال	متون حقوقی به زبان انگلیسی؛ ویژه گروه علوم انسانی؛ شامل شرح درس، نکته، مثال های حل شده، نکات کلیدی، تست های طبقه بندی شده، ... عباس انصاری؛ ناشر؛ علوی فرهیخته؛ چاپ ۳؛ ۴۲۲ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۳۴۳ مرتبه	دفتر برنامه ریزی به روش قلمچی؛ کاظم قلمچی؛ ناشر؛ کانون فرهنگی آموزش؛ ۱۸۴ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۳۹۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۵۰۰۰ نسخه	همراه علوی / دین و زندگی؛ گروه معارف آموز نگاه علوی؛ ناشر؛ علوی فرهیخته؛ چاپ ۴؛ ۲۱۶ صفحه؛ ۸۰۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰ نسخه	گرامر جامع انگلیسی؛ پروانه چهارلنگی؛ ناشر؛ مختومقلی فراغی؛ چاپ ۱؛ ۲۰۰ صفحه؛ ۴۸۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد کتاب های بدون قیمت	تعداد پدیدآورندگان			
		مترجم	مؤلف*	زن	مرد
۴۹۵	۱۰۹	۲۰۰	۱۰۸۷	۲۰۷	۱۷

* مؤلف: تمامی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و...) به جز مترجم



ارتباط کتابخانه های ایران با کتابخانه های جهان

پلی در انتظار تکمیل



همزمان با گام نهادن در عصر تکنولوژی و پیشرفت که در آن سرعت نخستین حرف را می زند، دیگر ایستادن ساعات طولانی در صف های بی انتها، رفت و آمد های مکرر به دفاتر و مراکز گوناگون و انجام تمامی امور از طریق مراجعات حضوری، شاید معنایی نداشته باشد، چرا که بیشتر کارها در این ایام با کمک متخصصان تسهیل شده اند و با دسترسی به اینترنت و پایگاه های اطلاع رسانی، در مدت زمان اندکی انجام می شوند.

یکی از اقدامات که تاثیر فراوانی بر توسعه ابعاد فرهنگی و اجتماعی دارد، ایجاد تسهیلات پژوهشی، تحقیقاتی و توسعه زمینه های مطالعه ای و استفاده از منابع گوناگون حتی در خارج از مرزهای قراردادی کشورهاست.

برخی از کشورها در این زمینه پیشگام اند و با برقراری ارتباطات کتابخانه ای با سایر مراکز علمی - پژوهشی و موسسات مشابه در دیگر مناطق و کشورها، به پژوهشگران کمک فراوانی می رسانند. البته نباید از برگزاری انجمن های بین المللی اطلاع رسانی در حوزه کتاب نظیر «ایفلا» که می کوشند به روند این روابط و زمینه های آنها تسریع بخشند، غافل شد.

نهادهای دولتی برای حمایت های جانبی، مدیریت و انسجام بخشی به حضور علمی در این مجامع، ارائه مقالات و نتایج پژوهش ها، دستاوردهای حوزه های گوناگون مرتبط با کتاب و صنعت نشر و توسعه ارتباط با همتایان بین المللی، نقش بسزایی دارند. چرا که حضور موسسات و مراکز خصوصی - بدون این حمایت ها - در این مجامع هزینه های سنگینی را دربردارد و مانع انجام فعالیت های گسترده و برنامه ریزی های منسجم می شود.

در این راستا، کارشناسان نهادهای دولتی و موسسات خصوصی نظرات گوناگونی دارند. علی خاکیپور سرپرست منابع کتابخانه مجلس و عضو گروه ارزیابی کمیته ملی حافظه جهانی در کتابخانه ملی، با بیان این که گسترش طرح همکاری های کتابخانه ای بین المللی در ابعاد گوناگون پژوهش و تالیف نتایج ثمر بخشی را در پی خواهد داشت، می گوید: «مسئولیت اصلی این ارتباط ها بر عهده نهاد های دولتی و ویژه کتابخانه ملی است که علاوه بر حضور فعال در مجامع و کنفرانس های بین المللی، باید برای ارائه مقالات و آثار مناسب در این گرد همایی ها تسهیلات و برنامه ریزی هایی را به انجام رساند.»

وی می افزاید: «در کنار این حضور، کتابخانه ملی همچنان که اکنون نیز در شمار برنامه های خود به این موضوع توجه دارد، باید با دیگر کتابخانه ها و مراکز علمی و آموزشی خارج از کشور در راستای به روزرسانی اطلاعات و خدمات کتابخانه ای و همکاری هایی برای استفاده از انتشارات، نسخ خطی و سایر محصولات فرهنگی فراهم آورد تا پژوهشگران برای آگاهی و استفاده از آثار مورد نیاز خود که در سایر نقاط جهان وجود دارد، با دشواری های کمتری مواجه شوند.»

خاکیپور با اشاره به برنامه حافظه جهانی و ثبت آثار ملی در این طرح، عنوان می کند: «برخی متخصصان حوزه های فهرست نویسی و نسخه شناسی در گروه ارزیابی کمیته ملی حافظه جهانی کتابخانه ملی عضویت دارند تا هر دو سال یک بار که این مرکز، اثری از آثار ملی سرزمین ها را به ثبت می رساند، در شناسایی و معرفی آثار با یونسکو همکاری داشته باشند.»

وی همچنین با انتقاد از این که در سال های اخیر میزان حضور ایران در مجامع بین المللی حوزه های کتابداری و اطلاع رسانی کاهش یافته و به مثابه یک حرکت تجملاتی که ضرورتی ندارد، به آن نگرسته می شود، اظهار می کند: «با توجه به بدیهی بودن ضرورت ایجاد و افزایش ارتباط محققان و پژوهشگران داخلی با مراکز علمی و کتابخانه ای خارجی، باید زمینه های ارتباط پژوهشگرانمان را با هم طرازان علمی و پژوهشی شان برای گسترش حوزه های علمی، تالیفات و به روزرسانی اطلاعات ارتقا دهیم.»

عضو گروه ارزیابی کمیته ملی حافظه جهانی در کتابخانه ملی می گوید: «در این میان کتابخانه ملی اقدامات مناسبی انجام داده است و علی اکبر اشعری، رئیس مرکز اسناد کتابخانه ملی، باندارک مسافرت هایی با همکاری رایزنی فرهنگی ایران در برخی از کشورها و بازدید از کتابخانه ها و مراکز علمی آن سرزمین ها، زمینه هایی را برای امضای تفاهم نامه ها و همکاری های مطالعاتی و کتابخانه ای فراهم آورده است.»

وی با اشاره به این که کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نیز پیش از این در حوزه ارتباطات بین المللی فعالیت هایی انجام داده است، بیان می کند: «با توجه به این که اکنون تمرکز فعلی این مرکز بر حوزه نسخه های خطی است، با کتابخانه های داخلی، کتابخانه آیت الله مرعشی و کتابخانه هایی از کشورهای عربی و مصر در این حوزه همکاری هایی نیز دارد. به تازگی نیز برنامه هایی برای دعوت از نمایندگان آکو برای همکاری با این مرکز انجام شده است. این مرکز تبادلانی در زمینه آثار منتشر شده و فهرست ها با سایر کتابخانه ها دارد.»

خاکیپور از ضرورت افزایش حمایت از کتابداران برای حضور در اجلاس های گوناگونی که در مجامع بین المللی صورت می گیرد، سخن می گوید و می افزاید: «با گسترش ارتباط های بین المللی علاوه بر ارتقای راندمان کاری کتابداران به دلیل آموزش هایی که در این دوره ها صورت می گیرد - اطلاعات و نحوه خدمات رسانی آنها که ارتباط مستقیمی با پیشرفت در حوزه های پژوهشی، مطالعه ای و تالیفات دارد، افزایش می یابد.»

روابط کتابخانه ای با سایر کشورها یا به شکل دولتی و براساس ارتباط نهاد های گوناگون یا یکدیگر است یا نهاد های خصوصی و افراد با کتابخانه های خارجی ارتباط برقرار می کنند که این حالت نیز به دو شکل ارتباط با نهاد ها به دعوت از آنها یا ارتباط با افراد و همتایان علمی میسر می شود.

البته مسئولان موسسات خصوصی نظرات و ایده های متفاوتی در این باره دارند. حجت الاسلام سیدصادق حسینی اشکوری، مدیر موسسه مجمع

با گسترش ارتباط های بین المللی، اطلاعات و نحوه خدمات رسانی آنها که ارتباط مستقیمی با پیشرفت در حوزه های پژوهشی، مطالعه ای و تالیفات دارند، افزایش می یابد

ذخایر اسلامی و دبیر سخنگوی انجمن فهرست نگاران نسخه های خطی، که در حوزه ارتباط های بین کتابخانه ای با تعداد زیادی از این مراکز علمی خارج از کشور ارتباط دارد، در حوزه گسترش آثار و کتاب های ایرانی به خارج از کشور می گوید: «با توجه به این که گستره زبان فارسی و دایره نفوذ آن به دلایل گوناگون در منطقه رو به کاهش است، اما هنوز علاقه مندان متعددی در کشورهایی چون تاجیکستان، پاکستان و هند آثار و کتاب های زبان فارسی در زمینه های مختلف را خواستارند.»

وی یکی از دلایل کاهش توجه و اقبال به آثار و زبان فارسی در دیگر سرزمین ها را قلت فعالیت های برون مرزی، عدم برنامه ریزی برای پوشش نیازهای علاقه مندان خارجی به این حوزه و ارتباط های اندک با کتابخانه ها و مراکز علمی سایر کشورها می داند.

مدیر موسسه مجمع ذخایر اسلامی با یادآوری این نکته که ارتباط فرهنگی ما با دانشگاه های خارجی (به صورت عام) و مراکز ایران شناسی (به شکل خاص) کمتر شده است، تصریح می کند: «متأسفانه به اندازه کافی کتاب های جدید و محصولات فرهنگی به مراکز ایران شناسی تزریق نمی شوند، در حالی که آنها تشنه و علاقه مند به این یادگیری و افزایش اطلاعات خود درباره ایران و آثار ایرانی اند. اگر هم کتابی در این زمینه تالیف یا تدوین می شود، بیشتر تکرار سخنان و مطالب قبلی است و تولید محتوای جدید صورت نمی گیرد.»

وی با بیان این که ما به تولید کننده و مصرف کننده داخلی تبدیل شده ایم، بیان می کند: «ما در سیاست گذاری های کلان نگاه برون مرزی را کمتر لحاظ می کنیم، به گونه ای که اکنون فعالیتیمان در کشورهای منطقه، کشورهای عربی و اروپایی، بسیار اندک است. تصور بسیاری از کشورهای عربی بر این است که ما تولیدات عربی نداریم و کمتر کتابی به این زبان در کشور ما تولید و منتشر می شود. دلیل این باور، کاهش فعالیت های برون مرزی و نقص در اطلاع رسانی های این حوزه است، زیرا اماد بر برنامه های برون مرزی و مجامع فرهنگی بین المللی حضور کمتری داریم و از این نظر که آنها نشانه هایی از فعالیت های فرهنگی ما را نمی بینند، طبیعی است که این گونه قضاوت کنند.»

بخشی از این سیاست گذاری ها بر عهده دولت و نهادهای خصوصی است که باید برنامه ریزی های منسجمی داشته باشند و با شناسایی متخصصان و افراد توانمند داخلی در حوزه های گوناگون تولید و بازتولید فرهنگی، زمینه های حضور در مجامع بین المللی را با شناخت نیازها و ارائه آخرین دستاوردهای علمی فراهم سازند تا از این طریق انگیزه های رقابتی و فعالیتی بیشتری برای متخصصان داخلی ایجاد شود.

حجت الاسلام حسینی اشکوری با اشاره به این که حضور در نمایشگاه های گوناگون فرهنگی به ویژه نمایشگاه کتاب از عناصر حضور فعال بین المللی و بیان قدرت و توانایی های فرهنگی ما به حساب

می آید، عنوان می کند: «با توجه به این که تولید کنندگان، موسسات و ناشران خصوصی توانایی اندکی برای حضور در عرصه های جهانی دارند، باید با حمایت دولت مجموعه ای قوی از ایران در نمایشگاه های خارجی شرکت کند؛ یعنی با استفاده از تدابیری در این باره نمایندگان واقعی و شایسته ایران برای حضور در زمینه های مختلف شناسایی شوند تا با ارائه بهترین ها، حلقه وصل به دیگر تولیدگران فرهنگی جهانی تکمیل شود.»

وی با اشاره به این که در حوزه های ایران شناسی و شیعه شناسی در داخل کشور تولیدات ارزنده ای داریم که تالیف و تدوین شده اند اما تنها در داخل به آنها می پردازیم، می گوید: «باید روابط فرهنگی مان را با خارج از ایران تقویت کنیم. مدیریت این طرح با دولت است و تمامی موسساتی که در این زمینه فعالیت می کنند، می توانند از پایه های این ارتباط باشند.»

دبیر انجمن فهرست نگاران نسخه های خطی قم که از فعالان این عرصه در حوزه گردآوری اطلاعات و تصاویر نسخه های خطی کتابخانه های هند و برخی از کشورهای منطقه نیز به شمار می رود، با تجربه ای که از فعالیت های نسخه شناسی در برخی از کتابخانه ها و نهادهای دولتی دارد، گسترش ارتباط با کتابخانه های خارجی را از وظایف اصلی کتابخانه ملی می داند و بیان می کند: «کتابخانه ملی باید در زمینه فعالیت ها و اطلاع رسانی این اقدامات تلاش بیشتری داشته باشد. با وجود این که بخش ایران شناسی این کتابخانه باید از غنای ویژه ای برخوردار باشد، اما اطلاعات آن به روز نیست و در صورتی که پژوهشگری از خارج از کشور بخواهد تنها با مراجعه به این کتابخانه اطلاعاتش را تکمیل کند، موفقیت کمی خواهد یافت.»

وی با اشاره به این که مجمع ذخایر اسلامی در یکی از اقداماتش، مجموعه ۱۴۰ جلد فهرست به چاپ رساند که در آن میان پایه های اساسی و نخستین مراکز و منابع ایران شناسی و بسیاری از فهرست نسخه های خطی و اسناد ایرانی معرفی می شدند، اما مراکز داخلی حتی کتابخانه ملی برای تهیه نسخه ای از آن و تکمیل مجموعه خود اقدامی نکرد، می گوید: «این موضوع بیانگر این است که ما حتی تولیدات داخلی را نیز به خوبی شناسایی نمی کنیم و علاوه بر بخش اطلاع رسانی، در بخش تهیه و تدوین منابع نیز با کمبودهای متعددی مواجهیم.»

متأسفانه بسیاری از مراکز ایران شناسی خارج از کشور، نیمه فاعلند در حالی که تعداد فراوانی از کشورهای دیگر آثار خود را به مراکز مرتبط خود اهدا می کنند. به دلیل حمایت های اندکی که از سوی نهادهای دولتی ایرانی از موسسات خصوصی می شود، آنها قدرت این اقدامات را ندارند، به گونه ای که حتی در اغلب موارد هزینه های ارسال آثار اهدایی از هزینه اثر تولیدی بالاتر و از توان موسسات خارج می شود. به نظر می رسد با حمایت های دولتی و با نظارت در این حوزه از روابط، راهکارهای دو جانبه ای برای ارتقای سطوح این ارتباط ها ایجاد خواهد شد.



روایت اول شخص

شعر: از مشروطه تا انقلاب

صابر امامی، شاعر



«اشک ستاره» عنوان قصه ای شاعرانه در توصیف امام حسین (ع) است که از زاویه نگاه ستارگان بیان می شود؛ ستاره هایی که امام را از کودکی می بینند و تا واقعه عاشورا زندگی او را دنبال می کنند. در نهایت این داستان نشان می دهد، فرادی عاشورا درخشان ترین شب آسمان و تاریک ترین شب دنیا می شود. این قصه را سال ها پیش نوشته ام، اما این روزها ناصر پلنگی کار تصویرگری آن را برعهده دارد و قرار است توسط نشر شاهد منتشر شود.

سه قرارداد نیز با انتشارات سمت منعقد کرده ام، برای سه کتاب مختلف. این کتاب ها با عنوان های «شعر معاصر ایران»، «شعر انقلاب اسلامی» و «حماسه در ادب فارسی» در ارتباط با نقد و بررسی شعر معاصر، شعر انقلاب و شاهنامه هستند.

«شعر معاصر ایران» و «شعر انقلاب اسلامی» را در حال حاضر در دست تالیف دارم و تا نمایشگاه بیست و سوم کتاب تهران منتشر می شوند. تمامی این کتاب ها از جمله کتاب های درسی هستند.

کتاب «شعر معاصر ایران» شعر شاعران مشروطه تا سال های دهه ۸۰ را بررسی می کند. این کتاب رویکردی تحلیلی - انتقادی دارد و شعر ۱۹ نفر از شاعران بعد از انقلاب، ۱۷ شاعر قبل از انقلاب و ۱۲ شاعر دوره مشروطه از جوه مختلف را بررسی می کند.

قائم مقام فراهانی و میرزاده عشقی از جمله شاعرانی هستند که در این کتاب به شعر آنها پرداخته شده است. بخش کوچکی از این کتاب نیز به شعر انقلاب اختصاص دارد و از شاعرانی چون سید حسن حسینی و قیصر امین پور در این بخش یاد شده است. در کتاب «شعر انقلاب اسلامی» نیز به شعر انقلاب از سال ۵۷ تا نیمه دهه ۸۰ پرداخته ام و نزدیک به ۵۰ شاعر انقلاب شعرشان از نظر زیبایی شناختی بررسی شده است. کتاب سوم با عنوان «حماسه در ادب فارسی» منتشر خواهد شد. این کتاب توضیح و تشریح کامل حماسه در ادب فارسی است و به عنوان مثال داستان «سیاوش» را از شاهنامه در آن گنججانده ام.

نمایشنامه های جنگی

علیرضا نادری، نمایشنامه نویس



این روزها انتشار چند نمایشنامه را در دست انتشار دارم. از جمله نمایشنامه ای با عنوان «کوکوی کبوتران حرم» که اسفند پارسال روی صحنه تئاتر اجرا شد و درباره سفر مذهبی چند زن است. این کتاب را نشر افراز در دست چاپ دارد. این نمایشنامه به عنوان نمایش برگزیده در سال ۱۳۸۷ انتخاب شد.

نمایشنامه «این قصه را ایرانیان نبسته اند» که با زبانی کهن نوشته شده نیز این روزها مرحله طراحی جلد را می گذراند و آماده انتشار است. این کتاب را انتشارات نمایش منتشر خواهد کرد.

اما انتشارات امیرکبیر، هفت نمایشنامه از نمایشنامه های من در ارتباط با موضوع جنگ را در یک مجموعه در دست انتشار دارد. این مجموعه

مراحل ابتدایی انتشار را می گذراند و هنوز عنوان آن قطعی نشده است. تمامی این نمایشنامه ها درباره موضوع جنگ هستند و برخی از آنها را پیش تر اجرا کرده ام. به نوعی جوانی ام را پای این آثار گذاشته ام و با سختی و رنج بسیار آنها را نوشته ام.

سال ها پیش یک فیلمنامه با عنوان «پرده جنی» و در ارتباط با موضوع علوم خفیه (خصیصه) به رشته تحریر درآوردم. بارها این فیلمنامه را در محافل سینمایی ارائه کردم و با استقبال بسیاری اهالی سینما روبه رو شد اما هرگز هیچ مرکز یا نهادی برای چاپ آن اقدام نکرد به همین دلیل تصمیم گرفتم این فیلمنامه را منتشر کنم و به احتمال زیاد این کتاب توسط نشر افراز به چاپ خواهد رسید.

قصه ای برای بحران هویت

شهریار عباسی، نویسنده

آخرین رمان من با عنوان «زنی پنهان در میان واژه ها» توسط نشر افراز منتشر شد. این رمان داستانی است که در سبک رئالیسم جادویی نوشته شده. یکی از خصوصیات که همیشه همراه انسان ها می ماند حسرت است. ماهمیشه دیر می رسیم، دیر می شناسیم یا شناخته می شویم و دیر درک می کنیم. این داستان روایت آدم هایی است که عشقشان نادیده گرفته می شود. داستان، داستان زندگی زنی است که خودش نگاهی ویژه به خود دارد و دیگران نگاهی متفاوت و در نهایت هیچ کس او را نمی بیند.

اما این روزها آخرین رمانم با عنوان احتمالی «من خودم نیستم، تو کیستی؟» را در مرحله بازنویسی دارم. بخشی از این رمان در زمان جنگ و بخش دیگر آن در زمان حال روی می دهد و به نوعی حرکت شخصیت اصلی داستان در میان دو فضای گذشته و حال است.

این کتاب از نظر حجم داستان و ساختار آن کاری سنگین و متفاوت از آثار قبلی ام است. کتاب سعی دارد بحران هویت انسان را به تصویر بکشد. بحران هویت تنها ویژگی دوران نوجوانی نیست، بلکه بسیاری از میانسالان را نیز درگیر می کند. این بحران هویت در دنیای امروز که به سرعت در حال تغییر و گذر است بیشتر شده و برای افرادی که چند دهه پیش نوجوانی و جوانی خود را طی کرده اند، دغدغه اساسی به حساب می آید و در تطبیق با سرعت و تغییر بیشتر دچار سرگیجه می شوند. بر همین اساس داستان این کتاب حساسیت من را برای انتشار آن بیشتر کرده است.

تصویرهای جدید

برای کتاب های دبستان

شاره خسروانی، تصویرگر کتاب کودک

انتشارات کانون پرورش فکری کودک و نوجوان چاپ کتاب «پسرک و سبد حصیری» نوشته احمدرضا احمدی و با تصویرگری من را در دست چاپ دارد. همچنین نشر حوا یک مجموعه ۹ جلدی با عنوان «شبه پرهیاهو» را منتشر می کند که کار تصویرگری هر جلد آن توسط یک تصویرگر انجام شده است. در این مجموعه من نیز همکاری داشته ام. هر دو این کتاب ها برای گروه سنی نوجوان نوشته شده اند.

انتشارات شباویز نیز کتاب داستانی برای کودکان با عنوان «من فواره دارم» نوشته سرور کتبی و با تصویرگری من را در دست چاپ دارد. در حال حاضر نیز تصویرگری کتاب فارسی سال سوم و پنجم دبستان را بر اساس تغییرات جدید آن که با توجه به نظر سنجی های انجام شده صورت گرفته، در دست دارم. برخی از داستان های این کتاب ها تغییراتی داشته و با تصاویر جدید در سال آینده منتشر خواهند شد.

آخرین کتابی که تصویرگری کردم و منتشر شد توسط نشر شباویز با عنوان «اتوبوس عوضی» نوشته فریده خلعتبری بود. پارسال کتابی با عنوان «ملخ و کبوتر» را تصویرگری کردم که توسط یک ناشر فرانسوی منتشر شد. به تازگی نیز کتاب های «لنگه

جوراب گمشده» نوشته لاله جعفری، «اتوبوس عوضی» اثر فریده خلعتبری، «نشانی» و «روزی که مه بی پایان بود» نوشته احمدرضا احمدی که پیش تر با تصویرگری من توسط نشر شباویز منتشر شده بودند، در کشور کره انتشار یافته اند.

معمای پلیسی برای کودکان

مینو همدانی زاده، نویسنده کودک و نوجوان

به تازگی قرارداد انتشار کتاب «چرا اگنس قارقار می کند» را با انتشارات سروش منعقد کرده ام. این کتاب داستانی مصور برای کودکان است که ترجمه آن برعهده من بوده است. همچنین کار تالیفی ام با عنوان «سه گلوله کاموای شیطان» را به نشر علمی - فرهنگی خواهم سپرد. این کتاب برای گروه سنی کودک نوشته شده است.

حدود چهار سال است که با نشریه «دو چرخه» که به عنوان ضمیمه روزنامه همشهری منتشر می شود، در زمینه ترجمه و تالیف همکاری دارم. طی دو سال ترجمه مجموعه داستان های معمایی پلیسی نوشته جیم سوکاج در «دو چرخه» منتشر شد. تاکنون حدود ۴۴ داستان با موضوع معمای پلیسی از این نویسنده منتشر شده و داستان های دیگری از این نویسنده را در دست ترجمه دارم که به زودی داستان های ترجمه شده را در قالب یک کتاب دو جلدی به دست چاپ خواهم سپرد اما هنوز ناشری برای آن در نظر نگرفته ام. بر همین اساس مجموعه داستان هایی را نیز در هفته نامه «گل آقا» ویژه کودکان منتشر کرده ام که در حال گردآوری آنها برای چاپ در یک کتاب هستم. «دریاچه اشک» و «پرنده عاقل» از جمله این داستان ها هستند.

نخستین رمان وحشت آور ایرانی

سیامک گلشیری، نویسنده



آخرین کتابم یک رمان برای نوجوانان بود که با عنوان «تهران، کوچه اشباح» توسط نشر افق منتشر شد. به گفته برخی از منتقدانی که کتاب را مطالعه کرده اند، این رمان در ایران نخستین رمان در ژانر وحشت است و به نوعی داستانی پست مدرن به حساب می آید؛ چراکه نویسنده در رمان حضور دارد. ماجرای این کتاب رویارویی دو پسر بیچه با دراکولاها است. در حقیقت می توانم بگویم داستان را دراکولاها نوشته اند و به دست من رسانده اند و توسط من به عنوان نویسنده کتاب بازنویسی شده است!

همچنین به تازگی چاپ چهارم کتاب «میهمانی تلخ» و چاپ دوم ترجمه «چه کسی از ویرجینیا وولف می ترسد؟» نوشته ادوارد آلبی توسط انتشارات مروارید منتشر شده است.

سراسر سال گذشته را سرگرم نوشتن رمانی با عنوان «خفاش شب» بودم. این کتاب در حال حاضر توسط انتشارات مروارید مراحل اداری انتشار را می گذراند. حجم این کتاب حدود ۱۶۰ صفحه است و شاید به دلایلی بتوان گفت رمانی جنایی است و در طول داستان و اتفاقاتی که رخ می دهد جابه جایی زمان بسیار دیده می شود. این داستان را بر اساس ماجرای که سال ها پیش در تهران اتفاق افتاد و به ماجرای «خفاش شب» معروف شد نوشته ام.

بازنویسی «فیه مافیه» در مجموعه «یکی بود یکی نبود» را که تا سال آینده توسط انتشارات کتاب پارسه منتشر می شود به پایان رسانده ام. بر اساس علاقه ام به مولوی در این مجموعه «فیه مافیه» را که مجموعه ای از تقریرات عارفانه مولوی است در مجالسی که با حضور دوستان و مریدان او برگزار می شده، برای بازنویسی انتخاب کردم. در حال حاضر نیز نگارش مقدمه و تصحیح «هزار و یکشب» را برای همین انتشارات در دست انجام دارم.

یادداشت

سید محمود سجادی

شاعر



ایوبی و اندوهی ناتمام

یادی از شاعرانه های نویسنده جنوبی



در دوران دبستان و دبیرستان با زنده یاد محمد ایوبی هم کلاس بودم. یادم هست او در دوران تحصیل علاقه خود را به درس انشاء و نویسندگی نشان داد و در سال ۱۳۳۹ نخستین داستان

خود را در هفته نامه «اطلاعات جوانان» منتشر کرد. یک قصه کاملاً رئالیستی و برخاسته از احساس صمیمانه اش به قشرهای فقیر و عقب مانده جامعه، من و ایوبی همسن و سال، همسایه، هم کلاس و دارای علایق مشترک بودیم و رفاقتی دیرینه داشتیم. در دوران دبیرستان تمام کتاب های داستان از نویسندگان ایرانی و خارجی را با هم می خواندیم و آنها را بررسی می کردیم. به پیشنهاد احمد محمود، انجمنی ادبی را در اهواز تأسیس کردیم که هر شب جمعه در خانه یکی از ما تشکیل می شد. محمود به عنوان پیشکسوت ما، تمام داستان هایی را که قرائت می شد با دقت می شنید و به ایوبی امیدها داشت. خود از زبان او در حالی که دوستانه روی شانه ایوبی می زد شنیدم که می گفت: «اگر خودت و جامعه ات را بشناسی نویسنده خوبی خواهی شد.» ایوبی در سال ۱۳۴۹ رمان «جنوب سوخته» را منتشر کرد؛ داستانی در محیط گرم از ده خوزستان و اهواز. پس از پایان خدمت وظیفه به استخدام آموزش و پرورش درآمد و به خرمشهر رفت. مدتی آموزگار بود و سپس دبیر شد.

ایوبی در جوانی شعر هم می گفت. ما همراه سیروس مشفق مجموعه شعر «فندیل» را منتشر کردیم. «فندیل» تنها کتاب منتشر شده از ایوبی بود. پس از آن یا شعر نگفت یا سروده هایش را منتشر نکرد اما در آثار ۲۰ ساله اخیر او با زبانی فخیم و شاعرانه مواجه ایم.

آثاری که ایوبی پس از هجرت به تهران نوشت، همگی نشان از تبحر نویسنده ای دارند که در عالم شعر نیز سیر کرده و پشتوانه ای از مطالعات ادبی، فرهنگی و عرفانی داشته است.

زبان ایوبی از نظر سبک نویسندگی به دو دوره متفاوت تقسیم می شود. زبان او در آثار ابتدایی اش، نشان از نویسنده ای بسیار واقع گرا دارد که می خواهد همه چیز را مثل دوربین عکاسی ثبت کند.

اما زبان آثارش در آثار دوران هجرتش به تهران و ادامه تحصیل او در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تا مقطع کارشناسی ارشد و حشر و نشر با نویسندگان نامدار و صاحب سبک و استادان ادبیات، زبانی است منسجم و گاه تا حدی پیچیده. ذهنیت گرایی در این آثار بر واقعیت گرایی غالب است. گاه جریان سیال ذهن در آثارش خودنمایی می کند و دقت خواننده را با وجود روانی کلام برای از دست ندادن سررشته داستان می طلبد.

ایوبی نویسنده پرکاری بود. همیشه قلم را در دست داشت و از هر فرصتی برای نوشتن بهره می گرفت. در تمام سال های رفاقتم با او کمتر دیدم که به مبتذل های زندگی توجهی داشته باشد.

او از دوستداران نیما و شاعران نوپرداز دیگر بود. مجموعه ای از شعرهای نیما را نیز گردآوری و تفسیر کرده بود. برای آینده، برنامه ها و امیدها داشت، اما دریغ که فرصت اتمام کارهای ناتمام خود را پیدا نکرد.